

سرمقاله

۳

نکین های کابینه

سیاست

۶

برای وفاق ملی از اختلافات ...

اندیشه

۳۷

جهانی بیندیشیم، وطنی عمل کنیم

سیاست

۱۰

ماتشنگان قدر تیم

اقتصاد

۱۵

هزینه ناتوانی حاکمیت در کنترل اتباع خارجی ...

معرفی و پیشنهاد

۵۲

به همین نحیفی، سهم ما از تاریخ





هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۳ شهریور سال ۱۴۰۳ / شماره ۸۳



صاحب‌امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول:

رحیم حمزه

سر دبیر:

کاظم طیبی فرد

همکاران این شماره:

کاظم طیبی فرد / افشین فرهنگچی

فاطمه قدم / عباس امامی / زهرا کرد

مهدی تروهید / حسن غلامی / راضیه گمار

فاطمه امامی / فائزه صدر / مهتاب قصابی

امین حسین پور / شمس افزازی زاده / علی مجدم

فرزانه باقری آندرسی / کورش الماسی

نشانی:

خیابان جمالزاده شمالی - نبش کوچه زند - ساختمان

۱۱۰ - واحد ۲۲

تلفن:

۰۲۱۶۶۴۳۱۶۱۶ - ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است



سر مقاله: نگین های کابینه

**۴..... سیاست**

کابینه پایتخت

برای وفاق ملی از اختلافات گذشته عبور کنیم

ما تشنگان قدر تیم

حضور مسعود پزشکیان بیشتر به نفع نظام بود

**۱۴..... اقتصاد**

هزینه ناتوانی حاکمیت در کنترل اتباع خارجی را مردم می پردازند.

فرش

پی آمدهای اقتصادی-اجتماعی هوش مصنوعی و ضرورت سیاست گذاری برای توسعه پایدار

**۱۹..... محیط زیست**

آیا هر آبی قابل نوشیدن است؟!

پلاستیک‌ها چگونه ما را مسموم می کنند؟

**۲۶..... بانوان**

مشارکت سیاسی زنان، توسعه و دموکراسی

زنان مدرن در جامعه ایرانی

**۳۱..... اندیشه**

تحلیل معرفت شناسانه از ملازمه و ماهیت عدالت و دموکراسی

جهانی بیندیشیم، وطنی عمل کنیم

**۳۸..... جامعه**

کارکردنظم

حلقه مفقوده شفافیت

«چند بحران اجتماعی مهم در ایران امروز»

**۴۳..... بین الملل**

جهان د هفته ای که گذشت (۸۳)

رؤیای فلسطین

**۴۸..... معرفی و پیشنهاد**

قلعه بهستان

چاندوی قهرمان

به همین نحیفی سهم ما از تاریخ

**۵۲..... اخبار حزب**

ادامه جلسات نقد و بررسی عملکرد ستاد تشکل ها و نهادهای مدنی در استان ها

لغو برنامه کلاب هاوسی گفتگوی انتقادی با کنشگران سیاسی مقیم خارج از ایران منتشر شد

سومین کتاب از مجموعه سازوکار حزبی آماده چاپ شد.

دفتر سیاسی حزب عملکرد حزب در انتخابات و رابطه حزب با دولت پزشکیان را بررسی کرد

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری می باشد و بسیاری از عکس ها از سایت های مختلف برداشته شده است. از

همه تهیه کنندگان اولیه تشکر مینمائیم)

# نگین های کابینه

نگاهی به کنشگران حزبی در دولت مسعود پزشکیان



افشین فرهانچی

afarhanchi1970@yahoo.com

از ۳۰ فرد انتخاب شده برای وزارت و معاونت، دونفرشان وابستگی مشخص حزبی دارند و سال ها است که در کسوت یک فعال حزبی فعالیت مینمایند. یکی سرکار خانم زهرا بهروز آذر معاون زنان و امور خانواده رییس جمهور که عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی هستند و دیگری آقای دکتر محمدرضا ظفرقندی دبیر کل انجمن اسلامی جامعه پزشکی که در مقام وزیری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته اند. البته آقای دکتر شهرام دبیری معاون امور مجلس رییس جمهور نیز دبیر کل حزب استانی تازه تاسیس رفاه و سلامت می باشند که تداوم فعالیت حزبی ایشان را قیلاً آرزو مندیم.

دکتر زهرا بهروز آذر از سال ۱۳۹۷ عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت ایران اسلامی شده اند، بر این اساس تجربه گرانسنگ و ارزشمندی در حوزه کار تشکیلاتی و حزبی دارند. علاوه بر این ایشان سابقه فعالیت در حوزه زنان را به عنوان سرپرست اداره کل امور زنان شهرداری تهران در زمان شهرداری دکتر حناچی داشته اند. دکترای ایشان در رشته توسعه کارآفرینی می باشد. استاد محمدرضا ظفرقندی از سال ها پیش عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران بوده اند و بیش از یک دهه است که دبیر کلی این مجموعه را بر عهده دارند. ایشان علاوه بر این به مدت سه سال از ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ ریاست سازمان نظام پزشکی کشور را نیز بر عهده داشته اند و بطور بسیار دقیق با فعالیت های تشکیلاتی و صنفی آشنا میباشند.

این حضور محدود نیروهای حزبی در کابینه، گرچه با استانداردهای جهانی و آنچه در ذهن ما هست فاصله بسیاری دارد، اما می تواند شروع خوبی برای نشان دادن توانائی احزاب در مدیریت های سیاسی باشد. خصوصاً اگر این عزیزان در حیطه کار خویش موفق تر از سایرین عمل کنند، می تواند شاهدهی بر این مدعا باشد که افراد حزبی توانمندتر از مشابهین خویش هستند.

شایسته و بایسته است که تمام کنشگران حزبی و تشکیلاتی خصوصاً اعضا دو حزب محترم اتحاد ملت ایران و انجمن اسلامی جامعه پزشکی تمام تلاش و اهتمام خویش را برای موفقیت این دو بزرگوار بنمایند و الگوی مناسبی را در پیش چشم کنشگران سیاسی ایران بگشایند.

البته این پازل لایه های دیگری نیز دارد و ما امیدواریم تا دولت مردان و دولت زنان محترم، هر چه بیشتر از توان نیروهای شناخته شده حزبی و تشکیلاتی در مصادر امور بهره گیرند تا هم فضاسازی لازم را برای فعالیت های سیاسی در قالب احزاب ایجاد نمایند و هم ترغیبی برای نیروهای جوانتر؛ و گسیل ایشان به سمت احزاب باشد.

هم ریاست محترم جمهور و هم بسیاری از صاحب نظران حوزه سیاست در ایران معتقدند تا کار حزبی و تشکیلات حزبی و متعاقب آن حکمرانی حزبی در ایران شکل نگیرد، بعضی از نارسائی ها و مشکلات حل نخواهند شد. پس این شروع را به فال نیک بگیریم و در تداوم اش کوشا باشیم.

پازل کابینه تقریباً در حال تکمیل شدن است و فقط سه معاون رییس جمهور مانده تا کاملاً مشخص شود که چه افراد و دیدگاه های در این لایه مشارکت دارند و قرار است ریاست جمهور را در رسیدن به اهداف و رویاهایش یاری کنند. تا اینجای کار دکتر مسعود پزشکیان ۱۹ وزیر و ۱۱ معاون وزیر را مشخص نموده اند و ایشان را با مهارت و تردستی، به سلامت، از زیر نگاه مجلس و سایر نهادهای نظارتی عبور داده اند. گرچه دکتر ظریف زودرنجانه از این چرخ و فلک کناره گرفت تا تماشاچی کارزار دیگران باشد. طبعاً همه افرادی که برای وزارت یا معاونت برگزیده شده اند، در حد خود، افراد توانمند، با سابقه و علاقمندی هستند و از فیلترهای چندگانه و متعددی عبور کرده اند تا بر این مناصب تکیه زنند. و در این برهه از زمان و ابتدای راه دولت چهاردهم باید به ایشان اعتماد کرد و منتظر عملکرد ایشان ماند. بی گمان بیشتر از ما، این رییس جمهور است که نگران دستاورد و عملکرد کابینه خویش است و تلاش کرده حداکثر دقت و حساسیت را برای انتخاب تیمی یکدست و همراه بکار بندد. اما برای ما، بعضی از ایشان بعلت نوع دیدگاه ها، نسبتی که با مسائل، مشکلات و وقایع برقرار کرده اند و یا شیوه رشد و ارتقای ایشان خاص تر هستند. و ما می توانیم علاوه بر شاخص ها و معیارهای کلی ایشان را از زوایای خاصی کارآمدتر و مطلوب تر از دیگران بدانیم.

مثلاً سرکار خانم شینا انصاری به توجه به صبغه فعالیت های زیست محیطی شان، رشته تحصیلی، سوابق کاری و آنچه بر زندگی ایشان گذشته است؛ شخصیت مطلوبی برای ریاست سازمان حفاظت از محیط زیست به نظر می رسند؛ خصوصاً نوع رابطه ای که از گذشته با سازمان های مردم نهاد حوزه محیط زیست داشتند خاطره و تصویر خوبی را از ایشان ایجاد میکند.

یا دکتر احمد میدری با توجه به دیدگاه های اقتصادی و اجتماعی شان گزینه مطلوب و مورد پسندی برای وزارت رفاه، کار و تامین اجتماعی هستند. دیدگاه های سوسیال دموکرات ایشان، تعلق خاطرشان به بحث دولت رفاه و دامنه مطالعاتی شان، همه ایشان را فردی مطلوب و جذاب برای ما می سازد. نطق هنگام دفاع ایشان در مجلس، به نوعی صحنه گذاری بر این امر بود.

و یا جناب دکتر عباس صالحی فرد شناخته شده ای در حوزه ادبیات، فلسفه، فرهنگ و رسانه هستند و مناعت طبع و ادب ایشان زبان زد خاص و عام است.

این لیست را بر اساس دیدگاه های مختلف، میتوان ادامه داد. اما نگین های خاص کابینه، از گمان ما کنش ووزان حزبی و تشکیلاتی، افرادی هستند که خارج از دیدگاه های سیاسی و تعلق شان به جناح راست یا چپ، کار حزبی و تشکیلاتی را به عنوان پایه ای برای امور سیاست ووزانه پذیرفته اند و تن به الزامات بسیار پیچیده و گاه طاقت فرسای کار حزبی داده اند.



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

# سیاست



# کابینه پایتخت



زهرا کرد

kordzari1@gmail.com



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

در این میان استان‌هایی نظیر اصفهان، خوزستان، خراسان جنوبی، گیلان و کهگیلویه و بویراحمد با یک وزیر سهمی برابر از چپ کابینه داشته‌اند. اگر کمی به عقب بازگردیم، یکی از شعارهای پرطرفدار پزشکیان "ایرانی برای همه" بود. ایرانی که رئیس‌جمهورش مدافع استفاده از ظرفیت‌های بالقوه‌ای بود که به دلایل سلیقه‌ای و نه قانونی از خوان وزارت جمهوری اسلامی کنار گذاشته شده بودند در حالیکه کماکان با این چنیش و نگرش درمی‌یابیم تحقق چنین شعاری در یک دوره چهار ساله امکان‌پذیر نیست؛ چرا که انتخاب و انتصاب وزرا منوط به تجربه مدیریتی کلان بوده و وقتی دهه‌های متوالی متخصصینی از اقصی نقاط ایران صرف فاصله از مرکز و تفاوت‌های نژادی و مذهبی از حلقه مدیریتی کشور کنار گذاشته می‌شوند به ناگهان و با چند شعار به پاستور راه پیدا نمی‌کنند. نکته قابل توجه دیگر حضور اشخاصی نزدیک به نهادهای نظامی و امنیتی در وزارت خانه‌های نیرو، آموزش پرورش و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی است. حال باید دید مسعود پزشکیان با چنین ترکیبی درصدد رسیدن به کدام بخش از برنامه‌های شورای راهبردی است؟

فهرست پیشنهادی مسعود پزشکیان و شورای راهبردی دولت چهاردهم، یکشنبه ۲۱ مرداد منتشر شد. کپه‌لنت سن کابینه با وجود چهار وزیر از دهه ۳۰، سیزده وزیر از دهه ۴۰ و دو وزیر از دهه ۵۰ در نگاه نخست به چشم می‌آید. مادامیکه چهره‌هایی از دهه شصت و هفتاد در کابینه پیشنهادی پزشکیان دیده نشود، فرصت‌دادن به جوانان و میدان‌سپاری به آن‌ها رویایی دست نیافتنی است. واقعیتی که نتیجه چهار دهه مدیریت یا به تعبیری سومدیریت کهنسالان بر این کشور به حساب می‌آید و در چهار سال آینده نیز آمیدی به تغییرش نیست. به محاق رفتن زنان در کابینه نیز داستان تکراری دولت‌های جمهوری اسلامی است. داستانی که مطلع خوشبینانه‌اش نوید حضور زنان در سطوح کلان تصمیم‌گیری است و پایانش مدیریت میانی و خرد در ادارات حاشیه‌ای! اما نکته قابل توجه این فهرست، جغرافیای محدود و معنادار وزرای پیشنهادی است. چرا که از میان لیست ۱۹ نفره وزا بیشترین فراوانی به ترتیب متعلق به شهر تهران (۴ نفر)، شهر مشهد (۳ نفر)، استان آذربایجان شرقی (۲ نفر)، استان همدان (۲ نفر) و استان مازندران (۲ نفر) است.





احمد میدری وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی: می توان فقر را مهار کرد

## برای وفاق ملی از اختلافات گذشته عبور کنیم

باز نشر از روزنامه اعتماد



کار در اوایل قرن بیستم ایجاد شد تا مبارزات سیاسی را به مذاکرات اقتصادی تبدیل کند. در آن زمان، اندیشه های مارکسیستی نظام سرمایه داری را به شدت تهدید می کردند. اما اندیشمندانی که به دنبال اصلاح نظام سیاسی به جای دگرگونی کامل آن بودند، راه حل را در تغییر نگرش ها و تبدیل نارضایتی کارگران از شرایط صنعتی شدن به بخشی از نظام سیاسی یافتند.»

وی افزود: «از دل این اندیشه ها بود که سوسیال دموکراسی به جای مارکسیسم جایگزین شد و نظام سرمایه داری را نجات داد. این تاریخچه و نشان می دهد که وزارت کار، با ریشه ای در تحولات بزرگ اقتصادی و اجتماعی، می تواند نقشی کلیدی در تحقق برنامه های وفاق ملی ایفا کند.»

میدری با این توضیحات تلاش کرد تا ارتباط عمیق میان برنامه های وزارت کار و اهداف دولت وفاق ملی را برای نمایندگان روشن تر کند و اهمیت کارکرد این وزارتخانه را در تحولات سیاسی و اقتصادی کشور به تصویر بکشد.

وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی به تحلیل هایی از اقتصاددانان

گروه سیاسی: نطق میدری در نشست روز گذشته پارلمان توجهات بسیاری را به خود جلب کرد؛ نطقی که طنین آن از راهروهای بهارستان فراتر رفت و افکار عمومی را تحت تاثیر قرار داد. نطقی که میدری در آن نشان داد تا چه اندازه تخصصی و علمی به مقولات می نگرد و به موضوعات می پردازد. او خطاب به مجلس از ریشه های شکل گیری اندیشه های عدالت محور سخن گفت و از ضرورت عبور از اختلافات برای دستیابی به توسعه و وفاق گفت.

احمد میدری، وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی دیروز در صحن علنی مجلس حضور یافت و به دفاع از برنامه های خود پرداخت. وی اشاره کرد که نطق آماده شده اش بیشتر به مسائل کار کردی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می پردازد، اما با توجه به نکاتی که توسط نمایندگان مجلس مطرح شد، ترجیح داد به سوالات و دغدغه های آنان بیشتر تاکید کرده و پاسخ بدهد.

وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی توضیح داد: «ابتدا باید به جایگاه وزارت کار در سطح جهانی بپردازیم و نشان بدهیم که چطور برنامه وفاق ملی دکتر پزشکیان با وظایف اصلی این وزارتخانه هماهنگی دارد. وزارت



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

میدری با این بیانات تلاش کرد تا اهمیت وفاق ملی و نقش اندیشه و تفاهم را در حل مشکلات سیاسی و اجتماعی کشور برجسته سازد و تاکید کرد که تنها از طریق همبستگی می توان به آینده ای روشن تر دست یافت.

وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به چالش های تاریخی ایران از انقلاب مشروطه تا امروز پرداخت. وی با تاکید بر اینکه ایران همواره در برابر هجوم بیگانگان ایستادگی کرده و تمدن سازی کرده است، گفت: «ایران در طول تاریخ، همواره الگوی سیاست ورزی و اندیشه ورزی بوده است. در عصر صفویه، ما توانستیم تمدنی نو بنا کنیم، چرا که به سنت های تاریخی ایران بازگشتیم. این سنت تاریخی به ما آموخته که مردم و حکومت باید در کنار هم باشند تا هم دولتی کارآمد و هم جامعه ای قوی داشته باشیم؛ اصلی که متأسفانه از انقلاب مشروطه به بعد به فراموشی سپرده شد.»

میدری با اشاره به نقش جامعه روشنفکری در ایران افزود: «جامعه روشنفکری ما، از زمان انقلاب مشروطه تا به امروز، به سمت دولت ستیزی گرایش پیدا کرده و به جای کمک به پیشرفت جامعه، به نقدهایی پرداخته که به دولت آسیب رسانده و زمینه مداخله خارجی را فراهم کرده است. این روند در مقاطع مختلف تاریخی، از جمله انقلاب مشروطه، کودتای ۲۸ مرداد و پس از انقلاب اسلامی، مشاهده شده است.»

وی با تاکید بر نقش نهادهای مدنی در جامعه گفت: «دولت ما به عنوان یک دکترین ساز باید نهادهای مدنی را در جامعه تقویت کند. اما متأسفانه، تا زمانی که برخی افراد و گروه ها در ایران به دنبال محدودسازی نهادهای مدنی هستند، در هر انتخابات ریاست جمهوری، از سال ۱۳۷۶ تا به امروز، شاهد غافلگیری های سیاسی خواهیم بود. علت این غافلگیری ها عدم وجود احزاب سیاسی قوی و نهادهای مدنی گسترده است.»

میدری ادامه داد: «به دوستان اصلاح طلب پیشنهاد داده ام که برای توانمندسازی جامعه و کارآمدسازی حکومت، از الگوی صفوی بهره بگیرند؛ الگویی که نه تنها در ایران، بلکه در سطح جهانی مورد توجه کشور های پر درآمد قرار گرفته است. در دوران صفویه، نهادهای مدنی مانند روحانیت شیعه، اصناف، ارامنه، هنرمندان و شاعران همگی در کنار دولت قرار داشتند و این همکاری باعث شد تا نظام سیاسی و اجتماعی کشور تقویت شود.»

وی همچنین اشاره کرد که بیش از ۱۰ سال است که در جهاد دانشگاهی مرکزی نهادی را با هدف توانمندسازی حکومت و جامعه ایجاد کرده است. این نهاد بر اساس الگوی صفوی و با هدف همگرایی میان دولت و جامعه فعالیت می کند و به دنبال آن است که با ایجاد همکاری و وفاق میان نهادهای مختلف، به تقویت هر دو حوزه بپردازد.

میدری با این سخنان، بر اهمیت همکاری میان دولت و نهادهای مدنی و ضرورت تقویت این همکاری ها برای ایجاد ثبات و پیشرفت پایدار در کشور تاکید کرد و به دنبال آن بود تا نمایندگان مجلس را به اهمیت بازگشت به اصول و سنت های تاریخی ایران برای ایجاد جامعه ای قدرتمند و دولتی کارآمد متوجه سازد.

احمد میدری، وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ادامه سخنان خود در صحن علنی مجلس شورای اسلامی، بر اهمیت یادگیری از تاریخ و استفاده از تجربیات گذشته تاکید کرد. وی خطاب به نمایندگان مجلس گفت: «همان طور که در اینجا به شما گفتم، سخنانم در کمیسیون ها اصلاً تازه نبوده و تمام حرف هایی که امروز مطرح کردم، بیش از ۱۰ سال پیش در روزنامه ها و میزگرد های مختلف بیان کرده بودم. از شما می خواهم با نگاهی که جناب آقای پزشکیان آورده، دوره جدیدی را آغاز کنیم. ما یا از تاریخ درس می گیریم و آینده ای نو می سازیم، یا اسیر تاریخ می

بزرگ ژوزف شومپتر اشاره کرد. وی با بیان اینکه کتاب های شومپتر به ۶۰ زبان ترجمه شده، گفت: «شومپتر معتقد است که نظام سرمایه داری بهترین نظام اقتصادی است، اما اندیشه های مارکسیستی باعث شده اند که این نظام با خطرات جدی مواجه شود. او تاکید دارد که تا زمانی که نتوانیم جایگزینی مناسب برای این اندیشه ها ایجاد کنیم، نمی توانیم با سیاست هایی که دولت امریکا در عصر پارسیسم انتخاب کرده، ثبات را به جامعه بازگردانیم.»

میدری افزود: «به عنوان فردی که بیشتر در حوزه پژوهش فعال بوده ام، همواره دغدغه این را داشته ام که چگونه می توانیم ثبات سیاسی را در ایران حاکم کنیم و منازعات سیاسی را به وفاق ملی تبدیل کنیم. در ایران، از زمان انقلاب مشروطه تا کنون، آنچه بر کشور حاکم بوده، منازعات داخلی بوده است؛ نه بین دشمنان و دوستان، بلکه بین خود تحول خواهان.»

وی در ادامه به تاریخ انقلاب مشروطه اشاره کرد و گفت: «در انقلاب مشروطه، افرادی، چون شیخ فضل الله نوری، آیت الله بهبهانی و ستارخان نه به دست دشمنان مشروطه، بلکه به دست خود مشروطه خواهان کشته شدند. آیا در مشروطه، آیت الله یزدی طباطبایی، آخوند خراسانی یا شیخ فضل الله نوری مقصر خطاها بودند؟»

میدری با اشاره به رویدادهای تاریخی نظیر کودتای ۲۸ مرداد نیز گفت: «۲۸ مرداد در زمانی که کودتا منجر شد که بسیاری از کشور های دیگر در استقلال خود موفق شده بودند و منابع خود را ملی کرده بودند. این نشان دهنده پیچیدگی ها و چالش های منازعات داخلی در کشور ماست که نیازمند نگاه عمیق تر و سیاست های جامع تر برای رسیدن به وفاق ملی است.»

میدری با این سخنان، به دنبال آن بود که تاکید کند تا زمانی که ریشه های منازعات داخلی شناسایی و حل نشوند، نمی توان به ثبات و پیشرفت پایدار در کشور دست یافت.

احمد میدری، به تاریخچه و چالش های سیاسی ایران اشاره کرد. وی با تاکید بر اینکه عدم وفاق ملی باعث شده که رویدادهایی مانند کودتای ۲۸ مرداد به داغی بر دل ایرانیان تبدیل شود، گفت: «این اتفاقات به این دلیل به وقوع پیوست که نتوانستیم به وفاق و همبستگی برسیم. اگر به دهه های ۶۰، ۷۰، ۸۰ و حتی امروز نگاهی بیندازیم، خواهیم دید که اختلافات میان برادران همواره در کشور حاکم بوده است. این اختلافات خانمان سوز مانع از آن شده که بتوانیم از فرصت ها به خوبی بهره برداری کنیم.»

میدری با اشاره به تجربیات خود در زمینه تحقیق و پژوهش گفت: «من بیش از ۲۰ سال است که در این زمینه فعالیت دارم. در جلسات کمیسیون فرهنگی نیز به مدت ۴۰ دقیقه صحبت کردم و توضیح دادم که چرا این گذشته بر ما تحمیل شده و ما باید چه اقداماتی انجام بدهیم. آنچه من و گروهی از اصلاح طلبان به آن رسیده ایم، این است که اصلاح طلبان فرزندان ایران هستند، برخاسته از انقلابند و وفادار به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی. این نظام که با ۲۵۰ هزار شهید به یک درخت تنومند تبدیل شده، می تواند همه فرزندان خود را زیر سایه خود جمع کرده و از میوه های خود بهره مند سازد.»

وی با تاکید بر اینکه سیاست حذف نباید در کشور دنبال شود، افزود: «ما با اقدامات صرفاً سیاسی نمی توانیم وفاق ملی را ایجاد کنیم؛ وفاق ملی باید در عرصه اندیشه صورت بگیرد. به همین دلیل است که مقام معظم رهبری بر الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت و جهاد تبیین تاکید دارند. مساله اصلی ایران، هم در سطح داخلی و هم در سطح خارجی، عدم وفاق و همبستگی است. این چیزی است که من به عنوان یک پژوهشگر به آن رسیده ام و معتقدم که راه حل مشکلات کشور نیز در گروهی این وفاق است.»



شویم و آینده را ویران می کنیم. امروز فرصتی داریم تا یک دوره جدید را آغاز کنیم.»

میدری در ادامه بیان کرد: «در این دوره، باید اختلافات خود را نه در تریبون مجلس و نه در نشریات، بلکه در میز مذاکره حل و فصل کنیم. ما می توانیم بر سر اهدافی که نظام و مقام معظم رهبری تأیید کرده اند، اختلاف نظر داشته باشیم. اما در شیوه ها، نمی توانیم به یکسانی کامل برسیم. من نمی توانم مانند بعضی از دوستان باشم؛ ما متفاوت هستیم. اما این تفاوت، قدرت نظام جمهوری اسلامی است و از طریق آن، می توانیم بیشترین پایگاه اجتماعی را برای نظام سیاسی ایران خلق کنیم.»

وی با تأکید بر تعهد خود به نظام جمهوری اسلامی گفت: «این پروژه من بوده است؛ چه در دولت باشم، چه در دانشگاه، همیشه سرباز نظام خواهم بود. بر اساس سنت اندیشه ورزشی که بزرگان ما مانند شیخ اجل سعدی و امام محمد غزالی داشته اند، خودم را در کنار نظام می دانم و تلاش می کنم فاصله بین نظام سیاسی و مردم را کاهش بدهم. این رسالتی است که با یادگیری از اندیشمندان بزرگ ایرانی باید دوباره به یاد بیآوریم.»

میدری همچنین بر اهمیت نهادهای علمی و رابطه آنها با حکومت تأکید کرد و افزود: «این وظیفه ماست که نهادهای علمی را در کنار حکومت نگه داریم. این مساله ای است که شاید به اندیشه مربوط شود، و من به عنوان یک دانشگاهی، بخشی از این مطالعات را انجام داده ام. اما در وزارت کار، همان طور که خدمت تان عرض کردم، هدف من این است که با تکیه بر این اندیشه ها، برای ایجاد وفاق ملی و تقویت رابطه بین دولت و جامعه تلاش کنم.»

با این بیانات، احمد میدری تلاش کرد تا نمایندگان مجلس را به اهمیت استفاده از تاریخ و اندیشه های بزرگان ایرانی برای حل چالش های کنونی و ایجاد آینده ای پایدارتر و قوی تر برای ایران متوجه سازد.

### وزارت کار باید برابری در آموزش و سلامت را تضمین کند و نقش مدعی العموم فقرا را به رسمیت بشناسد

وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بر لزوم توجه به برابری در آموزش و سلامت به عنوان نشانه های کارآمدی دولت تأکید کرد. وی ضمن تأکید بر استفاده از ظرفیت های فراکسیون های مختلف برای تدوین برنامه های شهری و منطقه ای، به نمایندگان گفت که وزارتخانه مسوول است تا وضعیت فقر مردم را از جنبه های مختلف، از جمله درآمد، آموزش، بهداشت، و دسترسی به خدمات بانکی به دولت گزارش بدهد.

میدری با انتقاد از وضعیت کنونی، به ویژه در بخش های آموزش و درمان گفت که امروز وضعیت آموزش در ایران از برخی کشورها حتی خصوصی تر شده و پرداخت از جیب مردم برای درمان به بالای ۶۰ درصد رسیده است. وی افزود: «دولت ها دیگر در اروپا و کشورهای پیشرفته، سه وظیفه امنیت، آموزش، و بهداشت را به دیگری واگذار نمی کنند و برابری در این امور را محقق کرده اند. مادر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موظفیم این مسائل را مدیریت کنیم و از شما می خواهیم که نقش وزارتخانه به عنوان مدعی العموم فقرا را به رسمیت بشناسید.»

میدری تأکید کرد که وزارتخانه باید بر اساس قانون، هر سال گزارشی از وضعیت فقر و دسترسی به خدمات پایه ارائه بدهد و به دستگاه ها اعلام کند که آیا فقر در حال افزایش است یا کاهش؟

پیوست عدالت برای همه طرح ها ضروری است و با همکاری دولت و بخش خصوصی می توان فقر را مهار کرد  
احمد میدری به ضرورت وجود پیوست عدالت برای تمامی طرح ها و سیاست ها اشاره کرد. وی با بیان اینکه تاکنون پیوست عدالت برای هیچ

یک از طرح ها و لوایح تهیه نشده است، تأکید کرد: «مقام معظم رهبری در سال ۱۴۰۰ فرموده اند که هر طرح و سیاست باید پیوست عدالت داشته باشد. متأسفانه تاکنون پیوست عدالت برای طرح ها و لوایح اجرایی نشده است.»

میدری ادامه داد که برای کنترل و مهار فقر به صورت لحظه ای و جلوگیری از افزایش نابرابری، نیاز به اجرای این پیوست عدالت وجود دارد. وی گفت: «ما می توانیم با همکاری دولت و بخش خصوصی گام های بزرگی برداریم. به عنوان نمونه، تا سال ۱۳۹۲ توزیع کالاهای کوپنی توسط دولت به شیوه سنتی انجام می شد که این فرآیند ناکارآمد و گاهی همراه با فساد بود. هنگامی که دولت دکتر روحانی به دنبال توزیع سبد کالا بود، ما به عنوان معاونت رفاه از روش های سنتی انتقاد کردیم و با تغییر رویکرد، ظرف مدت ۴ ماه توانستیم توزیع کالا را به صورت الکترونیکی و کارآمد در همه فروشگاه ها انجام بدهیم.»

میدری همچنین اشاره کرد که این رویکرد جدید با همکاری بانک مرکزی و بخش خصوصی به خوبی اجرایی شد و خوشبختانه دولت سیزدهم نیز به این مسیر ادامه داده است. وی تأکید کرد که برای مقابله با فقر و نابرابری، همکاری نزدیک دولت و بخش خصوصی ضروری است و باید از این تجربیات برای بهبود سیاست ها و برنامه ها استفاده شود.

احمد میدری به ضرورت وجود پیوست عدالت برای تمامی طرح ها و سیاست ها اشاره کرد. وی با بیان اینکه تاکنون پیوست عدالت برای هیچ یک از طرح ها و لوایح تهیه نشده، تأکید کرد: «مقام معظم رهبری در سال ۱۴۰۰ فرموده اند که هر طرح و سیاست باید پیوست عدالت داشته باشد. متأسفانه تاکنون پیوست عدالت برای طرح ها و لوایح اجرایی نشده است.» میدری ادامه داد که برای کنترل و مهار فقر به صورت لحظه ای و جلوگیری از افزایش نابرابری، نیاز به اجرای این پیوست عدالت وجود دارد. وی گفت: «ما می توانیم با همکاری دولت و بخش خصوصی گام های بزرگی برداریم. به عنوان نمونه، تا سال ۱۳۹۲ توزیع کالاهای کوپنی توسط دولت به شیوه سنتی انجام می شد که این فرآیند ناکارآمد و گاهی همراه با فساد بود. هنگامی که دولت دکتر روحانی به دنبال توزیع سبد کالا بود، ما به عنوان معاونت رفاه از روش های سنتی انتقاد کردیم و با تغییر رویکرد، ظرف مدت ۴ ماه توانستیم توزیع کالا را به صورت الکترونیکی و کارآمد در تمامی فروشگاه ها انجام بدهیم.» میدری همچنین اشاره کرد که این رویکرد جدید با همکاری بانک مرکزی و بخش خصوصی به خوبی اجرایی شد و خوشبختانه دولت کنونی نیز به این مسیر ادامه داده است. وی تأکید کرد که برای مقابله با فقر و نابرابری، همکاری نزدیک دولت و بخش خصوصی ضروری است و باید از این تجربیات برای بهبود سیاست ها و برنامه ها استفاده شود.

### همکاری با بخش خصوصی و گسترش آموزش فنی حرفه ای برای تحول در رفاه اجتماعی

وزیر پیشنهادی تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر اهمیت همکاری با دستگاه های اجرایی و بخش خصوصی برای گسترش آموزش فنی و حرفه ای، توسعه تعاونی ها و اشتغال خانگی تأکید کرد. وی گفت: «ما باید با همکاری دستگاه های مختلف و بخش خصوصی، برنامه های توسعه را اجرایی کنیم تا تحولات بزرگی در حوزه رفاه اجتماعی ایجاد کنیم.» میدری به پایگاه رفاه ایرانیان اشاره کرد و افزود که دولت کنونی، همانند دولت قبلی، این مسیر را ادامه داده و بهبود بخشیده است. وی همچنین درباره مشکلات موجود در نظام های اطلاعات آماری گفت: «پایگاه رفاه ایرانیان مشکلاتی دارد، اما باید بهبود یابد.»

وی در پاسخ به سوالات درباره سیاست های کلی جمعیت و سالمندی، تأکید کرد که باید اقدامات لازم بر اساس قانون جهانی جمعیت و برنامه هفتم توسعه انجام شود. میدری درخواست کرد که مرکز پژوهش های



مجلس و دستگاه های دولتی ارزیابی دقیقی از اثربخشی سیاست های جمعیتی انجام بدهند و بر سیاست های موثرتر تاکید کنند.

میدری همچنین به سیاست های کلی تامین اجتماعی مصوب مقام معظم رهبری اشاره کرد و بر لزوم اجرای این سیاست ها برای تحول در نظام رفاهی کشور تاکید کرد.

### شوک جمعیتی و چالش های آموزش و پرورش در دهه ۶۰

احمد میدری در صحن علنی مجلس به سوالات درباره شوک جمعیتی و چالش های آموزش و پرورش در دهه ۶۰ پاسخ داد. وی با اشاره به تحلیل های خود به عنوان اقتصاددان، گفت: «در دهه ۶۰، افزایش جمعیت بدون برنامه ریزی مناسب باعث شد که سیستم آموزشی با مشکلات زیادی روبه رو شود. افزایش ناگهانی تعداد دانش آموزان از ۶ میلیون به ۱۳ میلیون در یک دهه، چالش های جدی را برای تامین امکانات آموزشی ایجاد کرد.» میدری افزود: «از افتخارات ما این است که با وجود این مشکلات، توانستیم این افزایش جمعیت دانش آموزی را مدیریت کنیم و مدارس ابتدایی جدیدی را راه اندازی کنیم تا نیازهای آموزشی کودکان را برآورده کنیم.»

### تدوین کتاب «توانمندسازی فقرا» و اجرای قوانین حمایتی از معلولان

وزیر پیشنهادهای تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به سوالات درباره روش های مبارزه با فقر و مسائل مربوط به توانمندسازی فقرا پاسخ داد. وی با اشاره به کتاب «توانمندسازی فقرا» که با مشارکت هزار نفر تدوین شده است، گفت: «این کتاب تجارب جهانی در مبارزه با فقر را جمع آوری کرده و هیچ ربطی به سند «۲۰۳۰» ندارد. اطلاعاتی که من به سازمان های مختلف از جمله امور خارجه و سازمان محیط زیست ارائه کرده ام، تنها مربوط به دسترسی به فاضلاب و آب آشامیدنی بوده و ارتباطی با برنامه های مذکور نداشته است.»

میدری همچنین به انتقادات مطرح شده درباره احکام برنامه های توسعه پاسخ داد و گفت: «مرکز پژوهش های مجلس، برنامه های ارائه شده را به عنوان یکی از برنامه های برتر دولتی ذکر کرده است. من در برنامه ای که تقدیم کرده ام به تفصیل به مسائل راهبردی و احکام برنامه پرداخته ام.»

وی به موضوع همسان سازی حقوق و حمایت از معلولان اشاره کرد و گفت: «در زمان معاونت رفاه، آیین نامه قانون حمایت از معلولان را با همکاری انجمن های معلولان تدوین کردیم و به معاون اول دولت ارائه دادیم. ما باید به سمت اجرای قوانین حمایتی و همسان سازی حقوق بازنشستگان حرکت کنیم.»

### تصویب بیش از ۲۷۰ آیین نامه و ضرورت وفاق ملی در دولت جدید

احمد میدری به چالش های پیش روی دولت جدید اشاره کرد و گفت: «بیش از ۲۷۰ آیین نامه باید به تصویب دولت برسد و با توجه به اینکه دولت هنوز مستقر نشده، این فرآیند زمانبر خواهد بود. نقدهایی که مطرح شده اند، صحیح است؛ اما نیازمند همکاری با دستگاه های مختلف برای تصویب این آیین نامه ها هستیم.» میدری همچنین به لزوم عبور از اختلافات گذشته و تمرکز بر وفاق ملی تاکید کرد و افزود: «همان طور که دکتر پزشکیان نیز اشاره کردند، باید از گذشته عبرت گرفته و به جلو حرکت کنیم. اختلافات گذشته باید به عنوان عبرت برای آینده مورد استفاده قرار بگیرد. ما باید با بهره گیری از توانمندی های نظام سیاسی و پختگی های به دست آمده از جریان های سیاسی، دوران جدیدی از وفاق ملی را رقم بزنیم.»

وی در پایان گفت: «اختلافات پیشین، اختلافات درون یک خانه بوده و اکنون زمان آن رسیده که با همکاری و همدلی، به سمت آینده ای بهتر حرکت کنیم.»



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳





یادداشت مسعود خادمی، وکیل دادگستری و سخنگوی حزب اراده ملت ایران

## ماتشنگان قدر تیم



ساله در نظر گرفته بودند، به ناگاه آمال خود را بر باد رفته دیدند ولی به حد وسعشان کوشیدند که از خوان نعمت توشه‌ای بیاندوزند و در این زمانه رسانه و ارتباطات، هیچ ابایی از آشکار شدن اقداماتشان برای جامعه ندارند و گویا دلنگرانی زیادی هم از برخورد قهریه دستگاه‌های نظارتی نداشته‌اند. رئیس جمهوری پزشکیان قبل از تنفیذ تلاش نمود که با سال نامه به سرپرست دولت مانع شود ولی بعضی از مدیران با ادعای عدم امکان معطل گذاشتن کار مردم، بر مسیر ناصواب خود اصرار داشتند. کاری که سال هاست برگزیده‌اند و با عناوین زیبا محتوایی جعلی به جامعه تحمیل می‌کنند. مثلاً برای فیلتر اینترنت و شبکه‌های مجازی، طرح صیانت و عنوان اقدام راهبردی برای رفع تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران را برای قانونی برگزیدند که بنا بر نظر رئیس جمهور و وزیر خارجه وقت، عامل اصلی ماندگاری تحریم بود. در نمونه اخیر، در آخرین لحظات یعنی در روز تنفیذ حکم رئیس جمهور توسط رهبری، ۸ نفر با حکم سرپرست دولت سیزدهم، به مدت ۴ سال به عنوان هیات امنای سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور منصوب می‌گردند.

هر چند دکتر پزشکیان در اولین اقدام خود، همه این تصمیمات را باطل اعلام نمود، ولی مطمئناً چنین رفتاری از سوی مسئولان ارشد اجرایی کشور که موجب وهن جایگاه اداری آنها در نظر مردم گردیده و از مهمترین عوامل نارضایتی عمومی است، به علت سوءاستفاده از مقام و جایگاه اداری قابل پیگرد کیفری است. این اختیارات باید در جهت مصالح اداری مملکت استفاده شود نه حقی شخصی است که بر اساس منافع شخصی و گروهی به دیگران بذل و بخشش گردد.

چاپ شده در روزنامه مردمسالاری ۱۴۰۳/۵/۲۰

سال‌ها از جمله معروف شهید بهشتی می‌گذرد که ماشیفنگان خدمتیم نه تشنگان قدرت. این جمله به منزله مانیفست و دیدگاه مسئولان حکومت در جمهوری اسلامی تلقی می‌شود.

اما حال با گذشت بیش از ۴۰ سال از آن زمان، نحله فکری بسیاری از مدیران کاملاً بر عکس و در حقیقت گفتمان مدیران اول انقلاب استحاله شده است. رفتارهای این افراد هیچ نسبتی با تلاش برای خدمت به مردم و جامعه ندارد. بویژه بعضی از مدیران دولت سیزدهم در بسیاری از مواقع، کاملاً عریان و بدون هر گونه ظاهر سازی و تکلفی، نشان دادند که هدفشان از مسئولیت جز برای منافع شخصی و گروهی نبوده است.

نحوه عمل آنها بویژه در روزهایی که شکستشان در انتخابات برایشان روشن شده بود، جالب و موجب حیرت است. فارغ از همه سوءاستفاده‌هایی که در زمان انتخابات از جایگاه مدیریتی برای پیروزی کاندیدای مورد حمایت خود انجام دادند که به نوبه خود عملی مجرمانه و قابل پیگرد قضایی است، بعد از وضوح شکست به نحو شگفتی شروع به چپاول کردند. هر یک به قسمی و با وسع و امکان خود.

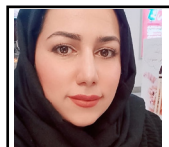
بیشترین تخلف از اخبار پراکنده استخدام بی حساب نیرو در شرکت‌های دولتی شنیده شده است ولی سهم کسانی که شاغل بودند نیز فراموش نشود. تصاویر احکام انتصاب و ارتقا گسترده نیروها برای رزومه‌سازی در رسانه‌ها منتشر شد. از میزان و جوه پرداختی و قراردادهای مالی کمتر خبری رسانه‌ای شد ولی باید در این خصوص بررسی کامل و دقیقی صورت بگیرد.

به نظر می‌رسد حادثه سقوط هلیکوپتر رئیس جمهور فقید، برنامه‌هایشان را بصورت غافلگیرانه‌ای تحت تاثیر قرار داد.

گروهی که برای مطامع مالی خود برنامه‌های حداقل ۴ ساله و احتمالاً ۸

شمس الله افرازی زاده، رئیس دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران و قائم مقام ستاد تشکل ها و نهاد های مدنی دکتر مسعود پزشکیان:

## حضور مسعود پزشکیان بیشتر به نفع نظام بود



فائزه صدر

Facehsadr7@gmail.com

جمهوری این گمانه زنی را در فضای سیاسی به وجود آورد که حضور این نامزد در انتخابات برای حل و فصل شدن بحران مشارکت سیاسی و تا حدودی ترمیم مشروعیت سیاسی نظام است.

من بر این عقیده ام که حضور مسعود پزشکیان بیشتر به نفع نظام بود. اما حضور او به منزله حضور برای حفظ نظام سیاسی نبود. تأیید صلاحیت مسعود پزشکیان در شرایط اکنون جامعه درایت و هوشمندی مسئولین نظام سیاسی را می رساند. عقلایی هم که در اطراف پزشکیان جمع شدند آمدند تا از نتیجه این رفتار حاکمیت به شکل فرصتی برای تنفس دوباره جامعه استفاده کنند.

طیفی که حول محور پزشکیان جمع شدند دنبال انقلاب و اسقاط نظام نبودند و هزینه های انقلاب مجدد را برای جامعه سنگین می دانستند و از طرفی چون واقف بودند اسقاط نظام های سیاسی استبدادی لزوماً منجر به روی کار آمدن یک نظام سیاسی دموکراتیک نخواهد شد لذا از هر فرصت اصلاحی برای نظام سیاسی مستقر به نفع مردم استقبال خواهند کرد.

در وهله اول اصلاح طلبان از پزشکیان حمایت کردند. در دیدار سال ۱۴۰۰ ما جزو اولین گروه هایی بودیم که از آقای پزشکیان برای حضور در انتخابات دعوت کردیم و اولین یادداشت رسانه ای در این خصوص یادداشت من بود که با عنوان: "پزشکیان و ترمیم سرمایه اجتماعی اصلاحات" در روز دوازدهم فروردین ماه ۱۴۰۰ در انصاف نیوز منتشر شد.

تاکید ما در آن زمان بر ترمیم سرمایه اجتماعی اصلاحات بود و بر این امید بودیم که این هدف با حضور مسعود پزشکیان محقق شود. پایه بحث من بر این بود که در دولت آقای روحانی سرمایه اجتماعی اصلاحات برای حمایت از رییس جمهور دولت های یازدهم و دوازدهم صرف شد، به دلیل ضعف های دولت، و تخریب گسترده مخالفان روحانی و برجام اعتماد عمومی از این جریان سلب شده بود. با پایان کار دولت روحانی و با آمدن آقای رییس اختلافاً بین مردم و نظام عمیقتر شد و در شکاف به وجود آمده مردم آسیب می دیدند. بحران نیمه دوم سال ۱۴۰۱ و جنبش زن زندگی آزادی با نشانه هایی از سلب آزادی های مدنی مردم شروع شد. در چنین فضایی با انقطاعی که در دولت سیزدهم صورت گرفت، آقای پزشکیان کاندیدای ریاست جمهوری شد.

من همچنان با تحلیلی که در سال ۱۴۰۰ از کاندیداتوری ایشان داشتم بر این باور بودم که حضور این شخصیت در رقابت های انتخاباتی سرمایه اجتماعی اصلاحات را ترمیم خواهد کرد. و در فاصله ۱۴۰۰ تا انتخابات دولت چهاردهم دیدارهای شخصی من با ایشان ادامه و در ۱۴ خرداد ۱۴۰۳



اراده ملت، فائزه صدر: برای قضاوت درباره کابینه ای که تشکیل نشده، زود است. اما فهرست وزرای پیشنهادی مسعود پزشکیان با انتقاد اصلاح طلبان و رای دهندگان روبرو است. البته این فهرست دیدگاه های مثبت قابل توجهی از طیف اصولگرا کسب کرده است. وزن کم اصلاح طلبی، اقوام و زنان در فهرست پیشنهادی و حضور افرادی از دولت قبل، با سابقه ای نه چندان روشن، از جمله انتقاداتی است که به کابینه پیشنهادی رییس جمهور وارد است. اراده ملت در گفت و گو با شمس الله افرازی زاده، رییس دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران به بررسی این موضوع پرداخته که در ادامه می خوانید:

**اعلام فهرست وزرای پیشنهادی رییس جمهور به کابینه شوک بزرگی به اصلاح طلبان و بدنه رای مسعود پزشکیان وارد کرد. برخی از حامیان دولت عقیده دارند برای قضاوت زود است و باید به کابینه جدید فرصت داد. از سویی عده ای اسامی اعلام شده را در تراز دولتی که با حمایت اصلاح طلبان بر سر کار آمده نمی دانند. نظر شما در این رابطه چیست؟**

قبل از پرداختن به این سوال لازم است کمی در خصوص شرایط شکل گیری مجلس دوازدهم و انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم اشاره مختصری داشته باشیم. این مجلس با کمترین معدل حضور مردم تشکیل شد. انتخابات اسفند ۱۴۰۲ به لحاظ مشارکت سیاسی رتبه ای نازل و بی سابقه ثبت کرد. انتخابات مجلس دوازدهم مشروعیت سیاسی نظام را کم رنگ کرده بود.

فلسفه وجودی تأیید صلاحیت مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

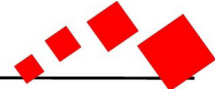


هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

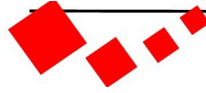
شماره ۸۳  
۳ شهریور سال ۱۴۰۳

دیدار دفتر سیاسی حزب با ایشان صورت پذیرفت.

اصلاح طلبان از ایشان حمایت کردند آقای پزشک‌پسندان با حضور و حمایت تعدادی از تحریمی‌ها و تردیدها که در یکی دو انتخابات قبل شرکت نکرده بودند آرای نسبتاً خوبی را در این شرایط کسب کرد و اکنون باید بداند مشروعیت رای او از کجاست؟ برای چه آمده است؟ شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و بین‌المللی کشور چگونه بود و باید چکار کند؟ مسعود پزشک‌پسندان و ام‌امدار نظام و مدیون اصولگرایان نیست. ایشان بدهکار مردم است و باید به اقداماتی اصلاحی دست بزند و بتواند با اصلاح شیوه



طیفی که حول محور پزشک‌پسندان جمع شدند دنبال انقلاب و اسقاط نظام نبودند و هزینه‌های انقلاب مجدد را برای جامعه سنگین می‌دانستند و از طرفی چون واقف بودند اسقاط نظام‌های سیاسی استبدادی لزوماً منجر به روی کار آمدن یک نظام سیاسی دموکراتیک نخواهد شد لذا از هر فرصت اصلاحی برای نظام سیاسی مستقر به نفع مردم استقبال خواهند کرد.



های حکمرانی و مشارکتی، بحران به وجود آمده بین حاکمیت و شهروندان را حل و فصل کند. این اقدامات به چنین کابینه‌ای بستگی مستقیم دارد.

**آنگور که از انتخابات ریاست جمهوری به نظر می‌رسید، حضور آقای ظریف در رای آوری مسعود پزشک‌پسندان مؤثر بود. گویی محمد جواد ظریف نخبگان جامعه را به نامزد اصلاح طلب متمایل کرد. در چنین شرایطی کنار کشیدن وزیر امور خارجه پیشین از دولت چهاردهم چه پیامی برای جامعه و بدنه رای مسعود پزشک‌پسندان دارد؟**

آقای ظریف دیپلماتی برجسته و سیاستمداری کهنه کار است و سوابق خوبی دارد و در به ثمر رساندن برجام تلاش بسیار خوبی داشت. او تجربه دور کردن کشور از تنش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را در کارنامه خود دارد. ولی به نظر من نقش ایشان در رای آوری مسعود پزشک‌پسندان به این شدت نبود.

شخصیت‌های سیاسی که به خاطر مسعود پزشک‌پسندان به میدان آمدند کم نبودند، اما رای مسعود پزشک‌پسندان بیش از آنکه سیاسی و ستادی باشد، مردمی بود. سرمایه و راز محبوبیت پزشک‌پسندان، صداقت و شجاعتش بود. به باور من رییس‌جمهور باید همواره خود را مدیون مردم بداند و برای مردم کار کند و این نظرم را به آقای پزشک‌پسندان نیز گفته‌ام. من ضمن اینکه نقش پررنگ آقای ظریف در ستاد انتخاباتی مسعود پزشک‌پسندان را انکار نمی‌کنم، ولی نمی‌پذیرم که بدون حضور او مسعود پزشک‌پسندان در انتخابات موفق نمی‌شد. آقای ظریف، قطعا در تحریک و تهییج مردم و رفع تردید در بخش عمده‌ای از رای دهندگان، نقش مثبتی داشت و باعث شد بخشی از رای دهندگان پای صندوق حاضر شوند.

امروز ایرادات زیادی به کابینه و نحوه انتخاب وزرا توسط آقای پزشک‌پسندان وارد است. آقای ظریف با مردم در ارتباط است و برآیند نارضایتی عمومی از کابینه پیشنهادی به ایشان رسیده و می‌توان نگرانی‌ها را از آینده کار سیاسی در کنار دولت را درک کرد.

با توجه به انتخاب‌هایی که در معرفی کابینه صورت گرفته، قبول داریم که هماهنگی خاصی وجود ندارد و مشخص است که فشار و سهم خواهی زیاد است. نتیجه‌خاطر شدن کسی مثل آقای ظریف که در ایام انتخابات نقش پررنگی داشت و در گزینش و چینش کارگروه‌ها فعالیت بسیار کرده بود، قابل تصور است. اما از یک سیاستمدار کهنه کار بعید بود که در اوایل راه کنار بکشد و امیدوارم این همکاری مجدداً ادامه پیدا کند.

**شخصیت مسعود پزشک‌پسندان نشان می‌دهد او زیر بار حرف زور نمی‌رود.**

**ولی فهرست وزرای پیشنهادی نشان داد کابینه‌ها از زیر فشار و سهم خواهی چیده شده، برخی از نام‌های موجود در این فهرست نسبتی با تحول خواهی ندارند. چرا چنین لیستی توسط آقای پزشک‌پسندان ارائه می‌شود؟**

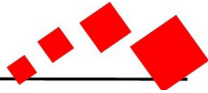
من دلیل اصلی این اتفاق را در ماخوذ به حیا بودن و نجابت ایشان و روحیه سوء استفاده‌گری در جریان مقابل ایشان می‌دانم. مسعود پزشک‌پسندان باید متوجه این نکته باشد که عرصه ریاست جمهوری با صحنه نمایندگی مجلس فرق دارد. رییس‌جمهور شخص اول اجرایی کشور است و شخص اول اجرایی قانون اساسی است. او مأموریت سختی بر عهده دارد و نتیجه کارشکنی یا کم‌کاری دیگران نیز به پای او نوشته خواهد شد پس بهتر بود با تیمی که به او اعتقاد دارند وارد دولت می‌شد.

مسعود پزشک‌پسندان انسان خیر خواهی است و یک سیاستمدار تمامیت‌خواه نیست. او در دوران انتخابات و پس از آن اعلام کرد که کابینه من کابینه وفاق ملی خواهد بود. برخی این کابینه را ائتلافی و با حضور احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف تصور می‌کردند و در این مرحله سهم می‌خواستند. هر چقدر که رییس‌جمهور نجابت به خرج می‌دهد، سهم خواهان یک گام ایشان را به عقب می‌رانند.

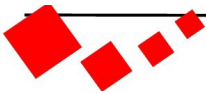
متأسفانه از نگاه مردم این کابینه با اعضایی تشکیل شده که تعدادی از آن‌ها از دولت سیزدهم آمده‌اند. وزیر اطلاعات دولت ابراهیم رییس‌جمهور یکی این فهرست دیده می‌شود در حالیکه در روز تحلیف رییس‌جمهور یکی از مهمترین مهمانان خارجی مراسم در تهران ترور می‌شود. این حادثه و حوادث مشابهی که در دوران ریاست ایشان بر این مجموعه صورت گرفته، از بحران امنیتی در داخل خبر می‌دهد.

معرفی آقای رحیمی به عنوان وزیر دادگستری و دیگرانی که از کابینه سیزدهم هستند جزو مشکلاتی است که منتقدین با این فهرست دارند. در وزارت ورزش و جوانان و وزارت کشور نیز همین مشکل دیده می‌شود این دو وزارتخانه به وزرائی واگذار شده که مخالف رییس‌جمهور و سیاست‌های او هستند.

حضور یک نظامی در راس وزارت کشور، آن‌هم در دولت مسعود پزشک‌پسندان این احساس را به وجود می‌آورد که مأموریت نظامیان، حتی در دولت



**مسعود پزشک‌پسندان و ام‌امدار نظام و مدیون اصولگرایان نیست. ایشان بدهکار مردم است و باید به اقداماتی اصلاحی دست بزند و بتواند با اصلاح شیوه‌های حکمرانی و مشارکتی، بحران به وجود آمده بین حاکمیت و شهروندان را حل و فصل کند. این اقدامات به چنین کابینه‌ای بستگی مستقیم دارد.**



چهاردهم هم ادامه پیدا خواهد کرد! وزارت کشور به عنوان پیشانی دولت و به عنوان پیش‌قراول اصلاحات باید بیشترین نسبت را با سیاستهای پزشک‌پسندان و انتظارات مردم داشته باشد.

بخش عمده حمایت‌ها از رییس‌جمهور باید در وزارت کشور محقق شود ولی وزیری برای این وزارتخانه معرفی شده که با وجود وی هیچ‌امیدی به هیچ‌اصلاحی نمی‌رود، و عملاً پزشک‌پسندان در نسبت با جامعه دچار بحران تحقق وعده و کارگزار خواهد شد. در صورت انتخاب این وزیر نیروهای ستادی استانی اولین ریزش‌ها را تجربه خواهند کرد. این انتخاب درست نبود و بهتر این بود که ریاست محترم جمهوری بر گزینه مورد نظر خود اصرار می‌ورزید.

در مورد وزارت ورزش و جوانان، حمایت زنان و جوانان از مسعود پزشک‌پسندان نادیده گرفته شد. انتظار می‌رفت وزیری جوانتر یا حتی وزیر زن در این پست به کار گرفته می‌شد. نکته مهم این است که مسعود پزشک‌پسندان قبل از اینکه در مجلس به چانه‌زنی با نیروهای مخالف بنشیند، بسیاری از امتیازات را واگذار کرد. معلوم نیست با این شروع مجلس در مرحله رای اعتماد چه



بازی با ایشان انجام خواهد داد!

**در پروسه انتخابات ریاست جمهوری و پس از آن در مرحله معرفی وزرا، اراده ملت ایران، به عنوان یکی از احزاب رسمی کشور چقدر طرف مشورت قرار گرفت؟ در چه گفت و گو هایی حضور داشتید؟ چه پیشنهادهای ارائه کردید؟ و چقدر از مشارکت سیاسی احزاب استقبال شد؟**

نهاد سازی و ترتیب دادن ساز و کاری برای انتخاب نیروهای خوب در بدنه اجرایی کشور عمل خوبی است. ما نیز به عنوان دوستان پزشکیمان از طرح تشکیل کارگروه های انتخاب کابینه استقبال کردیم ولی در مورد دولت بر نحوه چینش و تخصصی بودن نیرو ها ایراداتی وارد است.

در ساز و کار پیش بینی شده از متداولترین روش رسیدگی یعنی پرداختن به رزومه افراد استفاده شد در حالیکه روش های علمی دیگری در جهان به کار برده می شود تا نیرویی مناسب یک مسئولیت انتخاب شود و در این روشهای علمی که از شاخصها و سنجه های کارآمد و موثر استفاده میشود که ارزیاب کمترین خطا را مرتکب میشود.

هم به صفت شخصی و هم به صفت تشکیلاتی اعلام آمادگی کرده بودیم و ارتباطات زیادی داشتیم. اراده ملت ایران، علی رغم اینکه در معرفی مسعود پزشکیمان از احزاب پیش رو بود و از سال ۱۴۰۰ اعلام حمایت خود از این نامزد را علنی کرده بود؛ آن طور که باید مورد مشورت قرار نگرفت. البته من به واسطه ارتباط شخصی و دوستانه ای که با دکتر پزشکیمان داشتم به طرق مختلف نظرات خود را به ایشان و همراهان ایشان رساندیم

اراده ملت به این روند معترض نیست، آرزوی ما حل بحران ها و مشکلات کشور است. و برای تحقق این آرمان از هیچ همکاری و مشاوره ای فروگذاری نمیکنیم موفقیت رییس جمهور برای ما مهمتر از حضور در مراجع تصمیم گیری است.

تا اینجا کار در معرفی کابینه چه خطایی را متوجه دکتر پزشکیمان میدانید؟ و در توتیتی از شما در شبکه ایکس اشاره ای به فراکسیون مستقلین و انتخاب وزارت جهاد شده، اگر ممکن است کمی توضیح دهید؟

علی رغم حضور افراد کاردانی مثل آقای ظریف و آقای عارف در کنار مسعود پزشکیمان، اما از سایر مشاورین و معاونین ایشان نیز انتظار بیشتری می رفت. چند خطای استراتژیک صورت گرفته است. به طور مثال: چرا باید آقای پزشکیمان آقای نوری قزلبچه را در این زمان بخصوص در فهرست اعضای کابینه قرار بدهد؟! من آقای نوری قزلبچه را می شناسم. ایشان فرد فوق العاده توانمندی است.

من بعد از شکل گیری مجلس و قبل از سقوط هلیکپتر رئیس جمهور فقید و پیش از انتخابات ریاست جمهوری، در موضوع تشکیل فراکسیون های مجلس با آقایان پزشکیمان و نوری قزلبچه مرتباً در تماس بودم تا فراکسیون مستقلین را تشکیل و رهبری کنند. این فراکسیون انرژی عظیمی ایجاد می کرد و می توانست در تحولاتی نظیر انتخاب ریاست مجلس و... نقش ایفا کند، همانطور که این نقش را ایفا کرد و رادیکالهای جریان پایداری از ریاست مجلس باز ماندند. به نظر من معرفی نوری قزلبچه به عنوان وزیر جهاد، در این بازه زمانی کار درستی نبود. رئیس جمهور محترم باید به استناد اصل ۱۳۵ قانون اساسی برای وزارت جهاد سرپرست تعیین و معرفی آقای نوری قزلبچه را به فرصت آینده موکول می کرد، تا آقای قزلبچه در کنار سایر نیروهای موثر در فراکسیون نقش رهبری را در انسجام فراکسیون و کسب رای اعتماد برای کابینه را ایفا می کرد.

اولین خطای استراتژیک رییس جمهور در مورد انتخاب معاونت پارلمانی است. مهمترین نقش این معاونت اخذ رای اعتماد برای کابینه و حل و فصل کردن قوه مجریه با قوه مقننه است. شخصی که برای این پست انتخاب می شد باید حداقل سابقه دو دوره حضور نمایندگی در مجلس را در کارنامه خود میداشت و با زیر و بم مجلس و خواست نمایندگان و حوزه های انتخابی و خصوصاً مطالبات مجمع استانی نمایندگان آشنا باشد انتخاب شهرام دبیری عجولانه و نادرست بود. چالش های این انتخاب در زمان اخذ رای اعتماد وزرا خود را نشان خواهد داد.



# اقتصاد



## هزینه ناتوانی حاکمیت در کنترل اتباع خارجی را مردم می پردازند.



علی مجددم

mailto:Mo.mojaddamali@yahoo.com

هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

که معمولاً رایگان انجام می شود. این وضعیت در حالی هست که در سال های گذشته، تعداد مهاجرت پرستاران به خارج، با آمار ماهی ۲۰۰ نفر، سیل فزونی به خود گرفته است. اما دلیل اصلی مهاجرت، فشار فزاینده از بابت کار سنگین، شیفت ها و اضافه کاری های اجباری با دریافتی بسیار ناچیز و... است. چرا؟ چون بیمارستان ها با کمبود بودجه و نیرو مواجه هستند و این حضور رایگان و پر تعداد اتباع، هزینه اش با فشار بر پرستاران و کادر درمان تامین می شود!

۳. به دلیل زیستن با امکانات کم و توقعات پایین، سالیانه اتباع را با دستمزدهای کم بر بخش های مهم اقتصادی ایران مسلط و کارگر و صنعتگر ایرانی را به دلیل عدم توان رقابت، از صحنه آن مشاغل بیرون رانده است. این تسلط اتباع بر بخش کشاورزی، ساختمان و... به جز خطر تحت فشار گذاشتن حاکمیت با ابزار تولید، عملاً مردم را به دلیل از دست دادن بسیاری از فرصت های شغلی متضرر کرده است که اینجا هم حضور بی ضابطه اتباع، با هزینه و رنج مردم تامین شده است.

کلام آخر، حاکمیت هر کشوری وظیفه نظارت، کنترل و ساماندهی اتباع غیر مجاز را بر عهده دارد. در ایران اما، خاصه در سه سال گذشته، به دلیل ناکارآمدی ساختار، سیل حضور بی ضابطه و خطرناک اتباع انجام شده که نه تنها دولت بابت این ناتوانی پاسخ گو نیست، بلکه عملاً دارد هزینه این حضور را با زحمت و رنج مضاعف ایرانیان پرداخت و جبران می کند!

در بیشتر کشورهای مهاجر پذیر، معمولاً مهاجران غیر قانونی، خاصه آن هایی که تخصص و سوادی ندارند، توسط دولت هادر کمپ های پناهندگی و مهاجرت اسکان داده شده و بعد از بررسی شرایط آموزش زبان و تخصص، نهایت برخی را جذب و برخی را به کشورهای خود بر می گردانند که تمام این سازو کارها و امکانات، با هزینه دولت ها انجام می شود.

در ایران اما برعکس، حاکمیت نه تنها ناتوان در کنترل مرزها از بابت حضور پر تعداد و بدون ضابطه اتباع خارجی است، بلکه در ادامه بارها گذاشتن اتباع برای حضور آزاد در جامعه، تمام هزینه های حضور راز جیب مردم می پردازد!

۱. امسال وزارتخانه آموزش و پرورش بخش نامه زده که فرهنگیان با سی سال خدمت، به دلیل کمبود معلم، اجازه بازنشستگی ندارند و حتی در برخی استان ها، ملاک بازنشستگی را رسیدن به سن ۶۰ سالگی اعلام کرده اند!

این فشار به معلمان بابت کمبود معلم، در حالی صورت می گیرد که امسال حدود یک میلیون و سیصد هزار نفر از دانش آموزان کشور را اتباع خارجی تشکیل می دهند. یعنی اگر به ازای هر ۳۰ دانش آموز، یک معلم در نظر بگیریم، فقط به ۴۳ هزار معلم برای حضور در کلاس، از بابت اتباع خارجی نیاز داریم که خوب با استمرار خدمت اجباری معلمان تامین می شود!

۲. خبرگزاری مهر، به نقل از رییس بیمارستان الزهرا رباط کریم اعلام کرده، حدود ۶۵ درصد نوزادان متولد شده در این بیمارستان، اتباع خارجی هستند که این شرح حال بسیاری از بیمارستان هادر استان های مختلف ایران است



# فرش



فاطمه امامی

Femami53@gmail.com

چون می گویند ایرانی ها تروریست هستند وجهه ی فرش ایرانی را از بین بردند گفتم مگر می شود؟! فرش ایرانی تاریخچه ی آن و زیبایی آن در تاریخ ثبت شده مگر می شود قالی ابریشم کاشان را کسی از یاد ببرد مگر می شود تابلوهای محمد افسری و بقیه هنرمندان کشور ایران که زیباترین و معتبرترین امضای هنری این اثر را دارند از تاریخ پاک کرد بی اختیار یاد تصویر رییس جمهور آمریکا افتادم که توسط محمد افسری کاشانی بافته شده و هم اکنون در کاخ سفید آمریکا هست شاید تلفن پاناسونیک ژاپن روی میز باشد ولی هنر ایرانی بر دیوار کاخ همچنان آویزان است و روز بروز بر قیمت آن افزون گردد چون برند ایرانی همیشه در تاریخ مانند زبانش زنده است حتی اگر فرزندانش به عاریه نام آن را به قرض بگیرند ولی اصالت نام ایران همیشه جاودان است.

در بازار تهران مغازه های فرش فروشی را دیدن می کردم تادلت بخواهد فرش های رنگارنگ از تمام شهر های ایران از کاشان و تبریز و قم و اصفهان و قشقایی و نایین و کرمان و... آنقدر زیبا بود که دل هر بیننده ای را آب می کرد فرش های زیبای قشقایی که اصالت نخ آن نخ پشمی بود که توسط دست های هنرمند زن قشقایی تابانده می شد ضخامت فرش گویای تاباندن دست های زن قشقایی بود فرش نایین به رنگ سبز آنقدر زیبا بود که دقایقی من را مجذوب خود کرد راه رفتن در بازار فرش در بازاری که هنر دست ایرانی و آن هم زن ایرانی که برجسته ترین و قدرتمندترین صنایع دستی ایران است دل هر بیننده ای را به وجد می آورد از یکی از مغازه دارها سؤال کردم اوضاع چطور است گفت: خیلی بد، چند سالی است که فرش های ایرانی به نام افغانستان و هندوستان و... می فروشند



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳





# پی آمدهای اقتصادی - اجتماعی هوش مصنوعی و ضرورت سیاست گذاری برای توسعه پایدار



سید مهدی تروهید

sm.terouhid@gmail.com



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

دخالت دولت نیز ممکن است نارسایی های تازه ای به وجود آورد. موضوع دیگر قابل توجه، در نظر داشتن مفهوم تخریب خلاق شومپیتری (Schumpeterian Creative Destruction) است. مفهومی است که اقتصاددان اتریشی، جوزف شومپیتر، شکل داد. تخریب خلاق به فرآیندی در اقتصاد اشاره دارد که در آن نوآوری ها و تحولات تکنولوژی یک باعث نابودی صنایع، کسب و کارها، و مشاغل قدیمی می شوند و در عین حال به ایجاد فرصت ها، صنایع، و مشاغل جدید منجر می شوند. نوآوری و تخریب دوروی یک سکه اند. به عبارت دیگر، تخریب خلاق به روندی اشاره دارد که در آن ساختارهای اقتصادی موجود در نتیجه نوآوری های جدید دچار تغییر و تحول اساسی می شوند. شومپیتر معتقد بود که این فرآیند جزء ضروری و حیاتی رشد اقتصادی و توسعه است. او نوآوری را موتور اصلی پیشرفت اقتصادی می دانست و بر این باور بود که این نوآوری ها، هر چند که ممکن است در کوتاه مدت باعث بیکاری و از بین رفتن کسب و کارهای قدیمی شوند، در بلندمدت موجب افزایش بهره وری و ایجاد فرصت های شغلی

در بخش پیشین موضوعاتی مانند سیاست گذاری در زمینه های حریم خصوصی و امنیت داده، عدالت و تعادل، و شفافیت و مسئولیت پذیری به اختصار بررسی شدند. در ادامه به تأثیرات اجتماعی - اقتصادی فن آوری هوش مصنوعی پرداخته شده است.

حضور گسترده دولت در اقتصاد و سیاست گذاری اقتصادی ممکن است منجر به به تضعیف بخش خصوصی شود و تخصیص منابع را ناکار و غیر بهینه کند که نتیجه آن کاهش کارایی سیستم اقتصادی است. دولت باید تنها در مواقعی در اقتصاد دخالت کند که ساز و کار بازار قادر به تخصیص بهینه منابع و ایجاد کارایی نباشد. البته ناتوانی بازار شرط لازم برای دخالت دولت است اما کافی نیست. شرط کافی این است که دولت با دخالت خود بتواند نارسایی های موجود را کاهش داده و شرایط را بهبود بخشد. زیرا اگر بازار - در شرایط عدم دخالت دولت - به صورت رضایت بخش عمل می کرد، نیازی به مداخله دولت نبود. همچنین، دخالت دولت به تنهایی تضمین کننده بهبود شرایط نیست، زیرا



جدید می‌شوند. به عنوان مثال، معرفی اینترنت و فناوری اطلاعات به تخریب خلاق شومپیتری منجر شد. این نوآوری‌ها بسیاری از صنایع سنتی مانند ساعت‌سازی و چاپ و نشر را به چالش کشیدند و در برخی موارد آن‌ها را از بین بردند. اما در عین حال، فرصت‌های جدیدی مانند تجارت الکترونیک، خدمات آنلاین و برنامه‌نویسی را ایجاد کردند. در مجموع، تخریب خلاق شومپیتری نشان می‌دهد که پیشرفت اقتصادی مستلزم پذیرش تغییر و تحول، حتی به قیمت از بین رفتن ساختارهای قدیمی است، زیرا این تغییرات نهایتاً به پیشرفت و رشد بلندمدت منجر می‌شوند. فرآیند تخریب در کوتاه‌مدت ممکن است چالش برانگیز و با ابعاد محلی، منطقه‌ای، ملی، و بین‌المللی باشد. به همین دلیل مباحث سیاست‌گذاری اهمیت پیدا می‌کند و سیاست‌گذاران نیاز دارند تا به‌دقت تأثیرات اجتماعی و اقتصادی آن را در سیاست‌ها و تصمیمات خود در نظر بگیرند. گام نخست برای سیاست‌گذاری از این جنبه، شناسایی و تحلیل تأثیرات استفاده از هوش مصنوعی بر جامعه و متغیرهای اقتصادی است تا در مرحله بعدی بتوان تدابیر مناسبی را برای مقابله با هرگونه پی‌آمدهای منفی مستقیم غیر مستقیم و ناخواسته در بلندمدت/کوتاه مدت ارائه کرد.

یکی از کاربردهای ایده‌ی تخریب خلاق شومپیتری در موضوع هوش مصنوعی بحث اشتغال است. هوش مصنوعی ممکن است با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در حوزه‌های مرتبط با هوش مصنوعی، همچون توسعه و نگهداری سیستم‌های هوش مصنوعی، و ایجاد شغل‌های مرتبط با داده‌های بزرگ و تجزیه و تحلیل داده. منجر به تغییرات در بازار کار شود. یعنی برخی مشاغل از رده خارج شوند و فرصت‌های شغلی جدیدی ایجاد شوند. با توسعه هوش مصنوعی، بی‌تردید تغییراتی در مهارت‌های مورد نیاز برای ورود به بازار کار رخ می‌دهد. به عنوان مثال، افزایش نیاز به مهارت‌های مرتبط با فن‌آوری اطلاعات و داده‌کاوی و در عین حال کاهش نیاز به برخی مهارت‌های دیگر و همین‌طور کاهش اهمیت جنسیت نیروی کار.

نکته دیگر تغییر در رفتارها و فرهنگ است. هوش مصنوعی می‌تواند به تغییر الگوهای فرهنگی و رفتاری منجر شود، به عنوان مثال با توسعه سیستم‌های هوش مصنوعی در زمینه تبلیغات و رسانه، الگوهای مصرفی و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

هوش مصنوعی می‌تواند با ایجاد فرصت‌های جدید برای تولید و ارائه محصولات و خدمات بهتر و همچنین بهبود کارایی و بهره‌وری به نوآوری و توسعه در صنایع مختلف کمک کند. با ورود هوش مصنوعی به صنایع مختلف، ساختارهای صنعتی ممکن است تغییر کنند، مانند تغییرات در زنجیره تامین، فرایندهای تولید، و توزیع محصولات. و همین‌طور هوش مصنوعی می‌تواند با بالا بردن شفافیت، ساده کردن دسترسی به اطلاعات، و تحلیل بهتر برای شرکت‌ها و کارآفرینان باعث افزایش رقابت در بازارها شود.

سیاست‌گذاری باید به توسعه و استفاده از هوش مصنوعی به شکلی پایدار - که با محیط زیست سازگار باشد - توجه داشته باشد. این شامل مسائلی

مانند کاهش اثرات منفی بر محیط زیست و استفاده بهینه از منابع طبیعی است. سیاست‌گذاری در حوزه هوش مصنوعی به دلیل پیچیدگی و تأثیرات گسترده‌ای که می‌تواند داشته باشد، از اهمیت بالایی برخوردار است و نیازمند همکاری بین دولت، صنعت، و عرصه عمومی است.

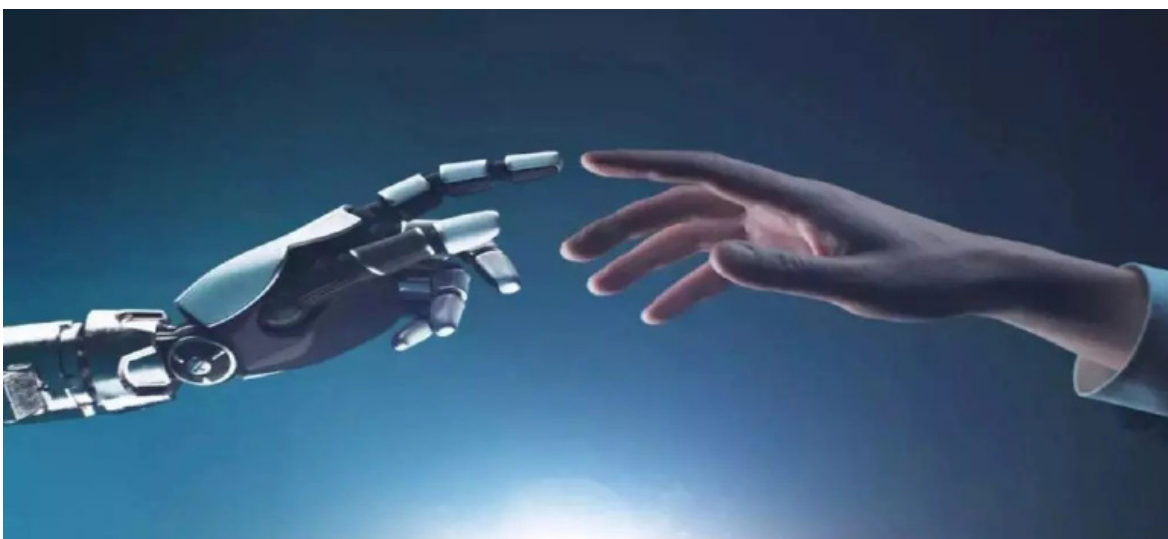
یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها در مورد فناوری هوش مصنوعی، مصرف انرژی بالایی آن است. مراکز داده و سرورهای مورد نیاز برای پردازش‌های هوش مصنوعی، مصرف انرژی زیادی دارند که می‌تواند منجر به افزایش تولید گازهای گل‌خانه‌ای شود. توسعه و استفاده گسترده از دستگاه‌های هوش مصنوعی به تولید بیشتر زباله‌های الکترونیکی منجر می‌شود. مدیریت این زباله‌ها یک چالش بزرگ زیست‌محیطی است. هم‌چنین، ساخت سخت‌افزارهای مورد نیاز برای هوش مصنوعی نیازمند مواد اولیه‌ای مانند فلزات سخت و مواد معدنی است. استخراج این مواد می‌تواند به تخریب زیست‌گاه‌های طبیعی و افزایش آلودگی منجر شود.

در نظر داشتن توسعه فن‌آوری به شکلی پایدار در سیاست‌گذاری هوش مصنوعی به معنای اتخاذ رویکردها و تدابیری است که هم‌چنان که توسعه و استفاده از فن‌آوری هوش مصنوعی را در اولویت خود دارد، به موضوع محافظت از محیط زیست، انسان‌ها، و جوامع بشری نیز توجه داشته باشد و از طریق این فن‌آوری بهبود و توسعه پایدار و مستدام را تضمین می‌کند. این مفهوم دو نکته اساسی را در بر می‌گیرد:

یک - حفظ محیط زیست: توسعه فن‌آوری هوش مصنوعی به شکل پایدار به معنای این است که هنگام طراحی و استفاده از آن، توجه به حفظ محیط زیست و کاهش تأثیرات منفی آن بر محیط زیست دارد. این شامل کاهش مصرف انرژی، استفاده از منابع انرژی پایدار، کاهش پسماند، و انتشار گازهای گل‌خانه‌ای شود.

دو - پایداری اقتصادی: سیاست‌گذاری هوش مصنوعی پایدار باید به ایجاد رشد اقتصادی پایدار و مستدام کمک کند، به عنوان مثال با توسعه صنایع جدید، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار، و افزایش بهره‌وری، و کارایی اقتصادی. هدف از این ملاحظه این است که فن‌آوری هوش مصنوعی در راستای حفظ محیط زیست، توسعه اجتماعی و اقتصادی پایدار، و ایجاد تعادل میان انسان، فن‌آوری، و محیط زیست پیش رود.

در نهایت، با توجه به گستردگی و تأثیرات عمیق فن‌آوری هوش مصنوعی بر جنبه‌های مختلف زندگی بشری، از اقتصاد و اشتغال گرفته تا محیط زیست و فرهنگ، ضروری است که سیاست‌گذاری‌ها به شکل دقیق و جامع انجام شوند. این سیاست‌ها باید به نحوی طراحی شوند که ضمن بهره‌برداری از مزایای هوش مصنوعی، از پی‌آمدهای منفی آن نیز جلوگیری شود و به توسعه پایدار، متوازن، و همگام با حفظ محیط زیست منجر شود. از طریق چنین رویکرد هوشمندانه‌ای می‌توان از قدرت تحول‌آفرین هوش مصنوعی برای بهبود زندگی در همه ابعاد آن استفاده کرد.



# محیط زیست



اراده ملت  
هفته نامه

# آیا هر آبی قابل نوشیدن است؟!!



فاطمه امامی

Femami53@gmail.com

نمی رود، آلودگی سموم کشاورزی و فلزات سنگین با جوشاندن از بین نمی رود. در خصوص مسافرت های خارج از کشور باید با احتیاط بیشتر عمل کرد بویژه در کشورهای غیر دموکراتیک که آگاهی رسانی و فضای رسانه ایی در آن کشورها بسیار ضعیف بوده و خطرات آب مصرفی در شیر آب منازل و هتل ها امکان دارد به طور واضح به مردم اطلاع رسانی نگردد و همین که اعلام می گردد که آب شیر آشامیدنی نیست اکتفا کرده و هرگز با جوشاندن آب، آن را مصرف نکنید و به آب معدنی اکتفا نمایید.

به طور قطع وقتی به مسافرت می رویم و مشاهده می کنیم که مردم آن شهر آب آشامیدنی آنها بطری های آب معدنی است، ما هم به تبعیت از مردم آن شهر معقولانه است از آب معدنی استفاده کنیم و آب شیر را مصرف نکنیم؛ بویژه شهرهایی که رطوبت بالا دارند و سطح آب چاه بالا است، میزان آلودگی آب آنها بیشتر خواهد بود.

اگر داخل کشور باشد که به طور معمول همه می دانند آب آن شهر چه آلودگی هایی دارد؟ حتی برای مصرف چای و قهوه باید از آب معدنی استفاده کرد چون هر آلودگی با جوشاندن آب از بین



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳





## پلاستیک‌ها چگونه ما را مسموم می‌کنند؟

ما قبل از آنکه بتوانیم غذا بخوریم، خوردن پلاستیک را شروع می‌کنیم

الیزابت کولبرت  
مترجم: محمد قربی

این مطلب را الیزابت کولبرت نوشته و در تاریخ ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳ با عنوان «How Plastics Are Poisoning Us» در وبسایت نیویورک منتشر شده است. این مطلب برای نخستین بار در تاریخ ۱۲ شهریور با عنوان «پلاستیک‌ها چگونه ما را مسموم می‌کنند؟» و با ترجمه محمد قربی در وبسایت ترجمان علوم انسانی و سپس با همین عنوان در بیست و هشتمین شماره مجله ترجمان منتشر شده است.

الیزابت کولبرت (Elizabeth Kolbert) روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی است که تا به امروز دوبار جایزه ملی مگزین (۲۰۰۶ و ۲۰۱۰) و یک بار جایزه پولیتزر را در بخش کتاب غیرداستانی (۲۰۱۵) دریافت کرده است. کولبرت تحصیلات خود را در دانشگاه ییل به پایان رسانده است و مقالات فراوانی از او در نیویورک تایمز و نیویورک کر به چاپ رسیده است. آخرین کتاب او انقراض ششم، تاریخی غیرطبیعی (The Sixth Extinction: An Unnatural History) یکی از پر فروش ترین کتاب‌های سال ۲۰۱۵ در آمریکا بود. مسائل محیط زیستی و تغییرات آب و هوایی در رأس علایق پژوهشی اوست.

چند کتاب جدید که درباره پلاستیک‌ها و اثرات آن بر زندگی ما و محیط زیستمان نوشته شده‌اند، پیام تقریباً واحدی دارند: تسلیم شوید. دنیای ما به اشغال پلاستیک‌ها درآمده است و این طور که به نظر می‌رسد، فعلاً راهی برای رهایی از شر آن هانداریم. الیزابت کولبرت، روزنامه‌نگار برجسته محیط زیست و برنده جایزه پولیتزر، در این نوشته با مرور این کتاب‌ها می‌گوید آنچه لازم است، بازبینی‌ای عمیق و جدی در نحوه زندگی کردن ماست. بحران آلودگی پلاستیکی شاید هیچ راه‌حلی بدون پرداختن به این مسئله نداشته باشد.

در سال ۱۸۶۳، زمانی که اغلب مردم ایالات متحده دلوپس جنگ داخلی بودند، کار آفرینی به نام مایکل فیلن نگران توپ‌های بیلیارد بود. در آن سال‌ها، توپ بیلیارد از عاج ساخته می‌شد، که ترجیحاً از فیل‌های سیلان - سریلانکای امروزی - به دست می‌آمد، چون تصور می‌شد عاج این فیل‌ها برای توپ بیلیارد تراکم مناسبی دارند. فیلن، علاوه بر سالن بیلیاردش و شرکاتی که در تجارت ساخت میز بیلیارد داشت، نویسنده کتاب‌هایی درباره بیلیارد و قهرمان این رشته ورزشی نیز بود. به واسطه تلاش‌های او، این ورزش به قدری محبوبیت پیدا کرد که عاج‌های سیلان - و همچنین به طور کلی فیل‌ها - داشتند کمیاب می‌شدند. او و شریکش برای هر کس که جایگزینی برای عاج پیدا کند جایزه‌های ده هزار دلاری تعیین کردند.

چاپچی جوانی از آلبانی به نام جان وزلی هایت از جایزه باخبر شد و شروع کرد به آزمون و خطا کردن. در سال ۱۸۶۵، او توپی را به ثبت رساند که مغزی آن از جنس چوب بود و پوششی از گرد عاج و شلاک داشت. بازیکنان بیلیارد به آن علاقه‌ای نشان ندادند. در ادامه، هایت نیتروسولوز را آزمایش کرد، ماده‌ای که از ترکیب خمیر چوب یا پنبه با مخلوط اسید نیتریک و اسید سولفوریک ساخته می‌شود. او دریافت که نوع خاصی از نیتروسولوز، زمانی که با کافور حرارت داده شود، ماده‌ای براق و سخت تولید می‌کند که عملاً می‌تواند به هر شکلی دربیاید. برادر هایت، که شریک تجاری‌اش هم بود، نام این ماده را «سلولوئید» گذاشت. توپ‌های جدید در بین بازیکنان محبوبیت بیشتری داشت، اگرچه همان گونه که هایت نیز

ادعان کرده بود، این توپ‌ها معایب خاص خود را نیز داشتند. نیتروسولوز، که به آن پنبه باروتی هم گفته می‌شود، به شدت



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳



هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳  
۳ شهریور سال ۱۴۰۳

اشتهال پذیر است. اگر دو توپ سلولوئیدی با شدت مناسب به یکدیگر بر خورد کنند، می‌توانند منجر به انفجاری کوچک شوند. سالن‌داری در کلرادو به هایت گزارش کرده بود که وقتی این اتفاق افتاد، «ناگهان همه کسانی که در سالن بودند اسلحه کشیدند».

مشخص نیست که برادران هایت هرگز جایزه را از فیلین دریافت کردند یا نه، اما خود این اختراع جایزه به حساب می‌آید. این دو برادر کارشان را از توپ‌های سلولوئیدی به دندان مصنوعی، شانه، دسته برس، کلیدهای پیانو و خرت‌وپرت‌های خانه از جنس سلولوئید گسترش دادند. آن‌ها برای این ماده جدید به صرافیه عنوان جایگزین عاج که همچنین به عنوان جایگزین لاک لاک‌پشت و سنگ مرجان مشتری پیدا کردند. این دو نیز به واسطه کشتار و برداشت بی‌رویه روبه پایان بودند. در یکی از دفترچه‌های تبلیغاتی هایت‌ها آمده بود که سلولوئید «ارامش راه زیست‌گاه طبیعی فیل‌ها، لاک‌پشت‌ها و پولیپ‌های مرجانی بر ماختراع هایت، که اغلب از آن به عنوان اولین پلاستیک تولید شده به شکل تجاری یاد می‌شود، چند دهه بعد با کلیت آمد. بعد از آن پلی وینیل کلراید، و سپس به ترتیب پلی اتیلن، پلی اتیلن سبک، پلی استر، پلی پروپیلن، استایروفوم، پلکسی گلاس، مایلار، تفلون، پلی اتیلن ترفتالات (که به پت مشهور است) آمدند؛ این فهرست می‌تواند همین‌طور ادامه پیدا کند. تولید سالانه پلاستیک در جهان اکنون به بیش از ۳۶۰ میلیون تن می‌رسد. زمانی با مشکل کمیابی روبه‌رو بودیم، حال مشکل فراوانی است».

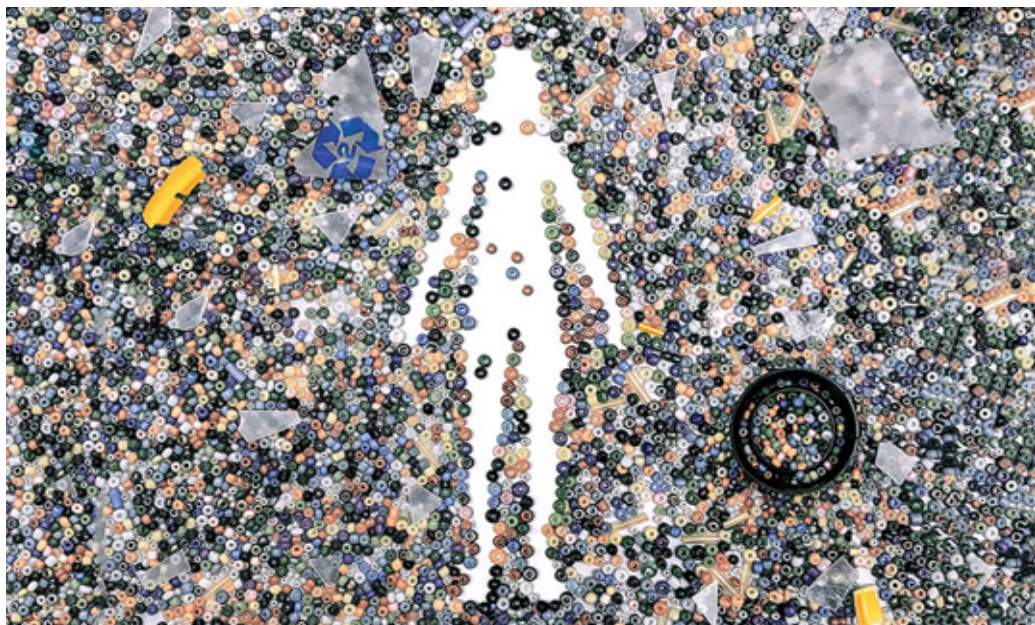
پسماند پلاستیک امروزه تقریباً در همه جا دیده می‌شود، در قالب بطری‌های آب خالی، کیسه‌های خرید مستعمل و بسته‌های پاره پوره چپیس و پفک. حتی کف دراز گودال ماریانا در عمق یازده هزار متری دریا پلاستیک یافت شده است. پلاستیک سواحل سوالبار و کرانه‌های جزایر کوکوس (کیلینگ) که بیشتر آن غیر قابل سکونت است را آلوده کرده است. تصور می‌شود که در زباله‌دان بزرگ اقیانوس آرام -توده‌ای از آت‌واشغال شناور روی آب مابین کالیفرنیا و هاوایی که مساحت آن به ششصد هزار مایل مربع می‌رسد- ۱.۸ تریلیون تکه پلاستیک باشد. در میان خیل موجوداتی که از این همه زباله آسیب می‌بینند، مرجان‌ها، لاک‌پشت‌ها و فیل‌ها هم هستند -به ویژه فیل‌های سریلانکا. در سال‌های اخیر، بیست فیل، بعد از اینکه در گورستان زباله‌ای نزدیک روستای پالاکادو پلاستیک بلعیده بودند، جان خود را از دست دادند».

چقدر باید نگران چیزی باشیم که به آن «بحران آلودگی پلاستیکی» می‌گویند؟ و چه کاری از دستمان برمی‌آید؟ این پرسش‌ها موضوع اصلی چندین کتاب تازه منتشر شده است؛ این کتاب‌ها درباره چیزی حرف

می‌زنند که نویسنده‌ای به نام مت سایمون به آن «دام پلاستیک» در کتاب سمی غیر از تمام سم‌ها: ریز پلاستیک‌ها چگونه سیاره ما و بدنمان را آلوده می‌کنند ۲ این‌طور نوشته است: «بدون پلاستیک ما نه پزشکی مدرن می‌داشتیم، نه ابزار آلات، و نه عایق‌بندی سیم برق برای جلوگیری از آتش‌سوزی خانه‌هایمان. اما با پلاستیک ما جای جای زمین را آلوده کرده‌ایم».

سایمون، روزنامه‌نگار علمی در مجله وایرد، به‌طور خاص نگران قابلیت پلاستیک برای تجزیه به ریز پلاستیک‌هاست. ریز پلاستیک‌ها معمولاً به ذراتی گفته می‌شود با قطر کمتر از پنج میلی‌متر. این فرایند همواره به اشکال گوناگون صورت می‌پذیرد. در اقیانوس، آب کیسه‌های پلاستیکی را با خود می‌برد، سپس بعد از اینکه توسط باد از این طرف به آن طرف انداخته شده و در معرض تابش پرتوی فرابنفش قرار گرفتند تجزیه می‌شوند. تایرهای امروزی از انواع و اقسام پلاستیک‌ها تشکیل شده‌اند و هم‌زمان با چرخیدن، ساییده شده و غباری از ذرات را در هوا به گردش درمی‌آورند. از لباس‌هایی که از پلاستیک ساخته شده‌اند، که بیشتر محصولات را در بر می‌گیرند، همواره الیاف روی زمین ریخته می‌شود، خیلی شبیه به ریختن موی سگ‌ها. در پژوهشی که چند سال پیش در نشریه نیچر فود منتشر شده بود، مشخص شد که آماده کردن شیر خشک نوزادان در بطری پلاستیکی راه خوبی برای تجزیه به پتری است؛ در نتیجه، آنچه که بچه‌ها در آخر می‌نوشند تقریباً نیمی سوپ پلاستیک است. در واقع، اکنون روشن است که کودکان حتی قبل از آنکه بتوانند غذا بخورند، در حال تغذیه از ریز پلاستیک‌ها هستند. در سال ۲۰۲۱، محققانی از ایتالیا اعلام کردند که در جنین انسان ریز پلاستیک یافته‌اند. چند ماه بعد، محققانی از آلمان و اتریش اعلام کردند که در مگونیوم -اصطلاحی تخصصی به معنای اولین مدفوع نوزاد- ریز پلاستیک مشاهده کرده‌اند.

خطرات بلعیدن تکه‌های بزرگ پلاستیک واضح و مشخص است؛ این خطرات شامل خفگی و سوراخ شدن مجرای روده می‌شوند. حیواناتی که شکم خود را با پلاستیک پر می‌کنند در نهایت از گرسنگی می‌میرند. خطرات ریز پلاستیک‌ها نامحسوس‌ترند، اما سایمون استدلال می‌کند که خطرشان کمتر نیست. پلاستیک‌ها از فرآورده‌های جانبی پالایش نفت و گاز ساخته می‌شوند؛ بسیاری از مواد شیمیایی تشکیل‌دهنده آن‌ها مانند بنزن و وینیل کلراید سرطان‌زا هستند. در کنار مواد تشکیل‌دهنده اصلی آن‌ها، افزودنی‌های دیگری هم وجود دارند. بسیاری از این افزودنی‌ها -برای مثال مواد پلی‌فلوئوروکسیل که به پلاستیک خاصیت ضد آب می‌دهند- نیز مشکوک هستند به اینکه سرطان‌زا باشند. بسیاری از آن‌ها نیز هرگز به درستی آزمایش نشده‌اند.





ظواهر او به طور خاص ریزالیاف-می توانند از راه تنفس به عمق ریه‌ها نفوذ کنند. مدت‌هاست این مسئله روشن شده که بسیاری از افراد شاغل در صنعت الیاف مصنوعی دچار بیماری‌های ریوی‌اند. آیا ما هم آنقدر ریزالیاف تنفس می‌کنیم که عملاً به کارگران صنعت الیاف مصنوعی تبدیل شویم؟ هیچ‌کس به‌طور قطعی نمی‌تواند پاسخ دهد، اما همان‌گونه که فی کوچیرو، محقق در دانشگاه پور تسموث انگلستان، به سایمون گزارش می‌دهد، «ما به شدت نیاز داریم تا پاسخ آن را پیدا کنیم».

هر چیزی که دیشب برای شام خورده‌اید، یقیناً پلاستیکی برای دورانداختن به جا گذاشته است. قبل از آنکه تیوب خالی خامه ترش یا بطری تقریباً خالی سس کچاپ خود را دور بیندازید، احتمالاً روی آن به دنبال یک شماره گشته‌اید، و اگر آن را داخل مثلثی کوچک پیدا کرده باشید، آن را شسته و برای بازیافت کنار گذاشته‌اید. احتمالاً فکر می‌کنید که با این کار نقش خود را برای جلوگیری از موج جهانی آلودگی پلاستیکی ایفا کرده‌اید.

روزنامه‌نگار بریتانیایی، الیور فرانکلین-والیس، قبلاً چنین اعتقادی داشت. او شبیه آیینی مذهبی پلاستیک‌های خود را با آب می‌شست، سپس آن‌ها را در یکی از پنج سطل زباله‌ای می‌انداخت که با رنگ‌ها هم متمایز می‌شدند و او و همسرش آن‌ها را در خانه‌شان در رویتون در شمال لندن نگه می‌داشتند. سپس فرانکلین تصمیم گرفت تا بفهمد در حقیقت چه بر سر زباله‌های او می‌آید، تصمیمی که به سر خوردگی ختم شد.

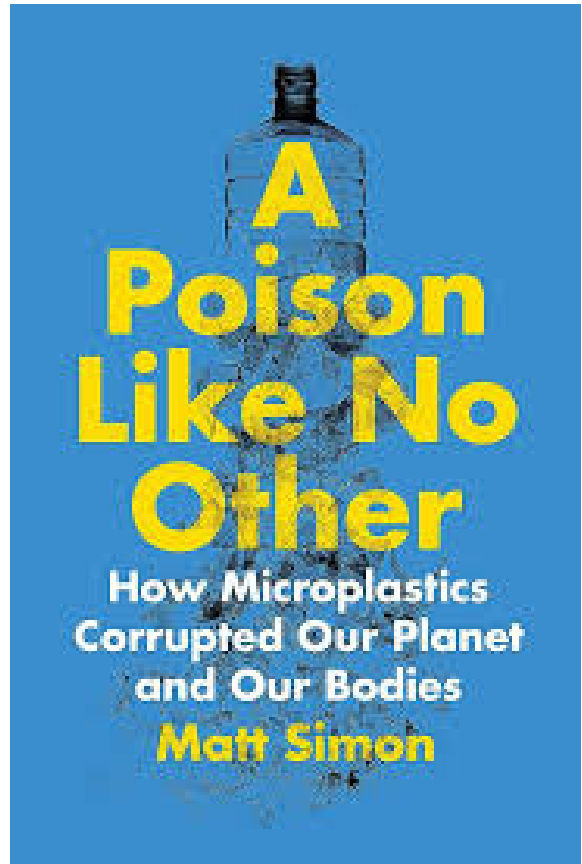
او در کتاب خود زمین بی‌حاصل: دنیای پنهان زباله و جست‌وجوی فوری برای آینده‌ای پاک‌تر ۴ نوشته است «اگر محصولی بازیافتی یا قابل بازیافت باشد، خریدنش حس بهتری به ما می‌دهد. اما همه آن اعداد کوچک داخل مثلث بیشتر برای فریب مصرف‌کنندگان است».

فرانکلین-والیس زمانی علاقه‌مند به سر نوشت پسماندهای خود شد که شیوه قدیمی مدیریت پسماند در بریتانیا در حال فروپاشی بود. تا سال ۲۰۱۷، اروپا و ایالات متحده بیشتر ضایعات پلاستیک و نیز کاغذ خود را به چین می‌فرستادند. سپس یکن سیاستی جدید به نام شمشیر ملی اتخاذ کرد و واردات یانگ لاجی یا «زباله خارجی» را ممنوع کرد. این حرکت حمل‌کنندگان زباله‌ها را کالیفرنیا تا کاتالونیا، ابا میلیون‌ها مخزن کپک‌زده درمانده کرد که نمی‌توانستند از شر آن خلاص شوند. تیتیر مجله تایمز در ژانویه ۲۰۱۸ این بود: «به خاطر امتناع چین از دریافت زباله‌های بازیافتی غرب، پلاستیک‌ها روی هم تلنبار می‌شوند». سایمون الین، مدیر عامل انجمن بازیافت بریتانیا، به روزنامه‌ها گفت «روزگار سختی است».

با وجود این، زباله‌راهی برای خود پیدا کرد. کمی بعد از اینکه چین واردات زباله خارجی را متوقف کرد، کار آفرینان حوزه بازیافت در کشورهای دیگر -مالزی، اندونزی، ویتنام و سریلانکا- شروع به پذیرفتن زباله‌ها کردند. کسب و کارهای کوچک بازیافت پلاستیک در جاهایی که اگر قانون هم وجود داشته باشد آن‌چنان سخت گیرانه نیستند، به سرعت رشد کردند. فرانکلین-والیس از کارخانه‌های ساده و این چنینی در دهلی نوبار دید کرد؛ صاحب کارخانه به شرطی که از چگونگی انجام این کار و موقعیت مکانی آن اطلاعاتی به بیرون درز پیدا نکند به او اجازه ورود داد. او کارگران را در حالی دید که در یک اتاق به شدت گرم مشغول ریختن زباله داخل یک خردکن بودند. کارگرانی در اتاقی دیگر که همان قدر گرم بود، خرده‌ها را داخل یک دستگاه اکسترودر پلاستیک ۵ می‌ریختند تا دانه‌های کوچک خاکستری رنگی به نام نردل ۶ تولید کنند. سیستم تهویه هم فقط یک پنجره باز بود. فرانکلین-والیس این طور می‌نویسد: «همه غلیظ ناشی از بخار پلاستیک در هوا مراهبت زده کرد».

نردل‌ها، که برای تولید محصولات پلاستیکی اهمیت بالایی دارند، آن قدر کوچک هستند که ریز پلاستیک به حساب بیایند. (تخمین زده می‌شود که سالیانه ده تریلیون نردل به اقیانوس‌ها ریخته می‌شود که بیشتر آن از کانتینرها سرریز می‌شود). معمولاً نردل‌ها را از پلیمرهای «پورجین» می‌سازند، اما آن طور که کارخانه دهلی نونشان داد، امکان اینکه آن‌ها را از پلاستیک مستعمل ساخت نیز وجود دارد. مشکل این فرایند، و بازیافت پلاستیک به‌طور کلی، این است که پلاستیک با هر بار حرارت دیدن تجزیه می‌شود. در نتیجه، حتی در شرایط ایدئال نیز می‌توان

وقتی پلاستیک خرد می‌شود، مواد شیمیایی به کاررفته در ساختش می‌توانند منتشر شوند. این مواد بعدتر می‌توانند با یکدیگر در آمیخته شوند تا ترکیبات جدیدی بسازند، که ممکن است خطر کمتری نسبت به ماده اولیه داشته باشد - شاید هم خطری بیشتر. چند سال پیش، گروهی از دانشمندان آمریکایی کیسه‌های خرید یک بار مصرف را برای چندین روز در معرض نور خورشید شبیه‌سازی شده قرار دادند، برای اینکه شرایطی را بازسازی کنند که این کیسه‌ها هنگام رهاشدن در طبیعت با آن مواجه می‌شوند. این دانشمندان متوجه شدند که یک کیسه از فروشگاه‌های سی‌وی‌اس بیش از سیزده هزار ترکیب از خود آزاد می‌سازد، و یک کیسه از الومارت بیش از پانزده هزار ترکیب. این گروه نوشته بودند «این مسئله دارد روز به روز روشن‌تر می‌شود که پلاستیک‌ها در محیط زیست ساکن و بدون تغییر نمی‌مانند». استیو الن، محقق در مؤسسه اقیانوس‌شناسی پیشر و کانادا که متخصص در زمینه ریز پلاستیک‌هاست، به سایمون گفته است «اگر ضریب هوشی تو بالاتر از میمون‌ها باشد، باید متوجه شوی که پلاستیک ماده خوبی برای محیط زیست نیست».



در عین حال، ریز پلاستیک‌ها صافاً مواد شیمیایی مضر را آزاد نمی‌سازند، بلکه آن‌ها را جذب هم می‌کنند. «مواد تجزیه‌ناپذیر، زیست‌انباشتی و سمی» ۳ یا به اختصار پی‌بی‌تی‌ها ملغمه‌ای از ترکیب‌های خطرناک هستند که شامل ددت و مواد پلی‌کلربی‌فنیل می‌شوند. همچون ریز پلاستیک‌ها که در ادبیات علمی به آن‌ها ام‌پی گفته می‌شود، پی‌بی‌تی‌ها نیز این روزها همه جا حضور دارند. وقتی پی‌بی‌تی‌ها در کنار ام‌پی‌ها قرار می‌گیرند، معمولاً به یکدیگر می‌چسبند. اژانس حفاظت از محیط زیست در این باره گفته است «در واقع، پلاستیک‌ها مثل آهنربا پی‌بی‌تی‌ها را جذب می‌کنند». بنابراین، خوردن ریز پلاستیک‌ها راه خوبی برای بلعیدن سموم قدیمی است. حال نوبت به تهدیدی می‌رسد که در خود ذرات وجود دارد ریز پلاستیک‌ها



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

از پلاستیک صرفاً به دفعات محدودی استفاده کرد؛ و باید گفت که در کار مدیریت پسماند شرایط ایدئال به ندرت پیش می آید. فرانکلین -والیس از کارخانه‌ای به روز در شمال انگلستان بازدید کرد که کارش در زمینه پت بود، ماده‌ای که بیشتر بطری‌های آب و نوشابه از آن ساخته می شوند. او دریافت که نیمی از بسته‌های پت که به کارخانه می آمدند امکان بازیافت نداشتند، زیرا به خاطر وجود سایر انواع پلاستیک در آن‌ها بازیافت‌های دیگر آلودگی بالایی داشتند. مدیر بازرگانی کارخانه این طور اعتراف می کند: «دست یافتن به محصول نهایی برای ما معضل است».

فرانکلین -والیس به این باور رسید که بازیافت پلاستیک نوعی حقه بازی (احتمالاً خطرناک) است. او این طور می نویسد که طی سال‌ها «ارزش ریاد گرفته اند». تحت فشار افکار عمومی، شرکت‌هایی مانند کوکاکولایا مسئله تضمین می کنند که بسته بندی محصولاتشان بازیافت شود و وقتی فشار برداشته می شود، زیر قولشان می زنند در عین حال، علیه تصویب هر قانونی که فروش پلاستیک‌های یک بار مصرف را محدود کند لابی کرده و جلوی آن را می گیرند. فرانکلین -والیس از لری توماس، رئیس سابق انجمن تولید کنندگان پلاستیک، نقل قول می کند؛ او در جایی گفته بود «اگر مردم فکر کنند که بازیافت حقیقتاً انجام می شود، دیگر نگران محیط زیست نخواهند بود».

درست زمانی که فرانکلین -والیس تصمیم گرفت از سر نوشت بازیافت‌هایش باخبر شود، ایوا، شواب تصمیم گرفت یک سال هیچ بازیافت تولید نکند. شواب، که به عنوان یک «تذکره نویس بدلکار» شناخته شده است، پیش تر یک سال را بدون مصرف شکر گذرانده بود و خانواده اش را نیز وادار به این کار کرده بود. او وقایع این یک سال را در کتابی با عنوان سال بدون شکر ۸ جمع آوری کرده است. بعد از یک سال پر هیز از شکر، نوبت به سال بدون به هم ریختگی ۹ رسید. وقتی او به همسرش سالی بدون بازیافت را پیشنهاد کرد، همسرش گفت تردید دارد که این کار شدنی باشد. دختر کوچکش التماس کرد که صبر کند تا او به دانشگاه برود. به هر حال، شواب کار خودش را کرد.

او این تجربه را در سال بدون بازیافت ۱۰ این گونه تعریف می کند: «همین که سال جدید آغاز شد، احساس خوبی درباره احتمال موفقیت‌مان داشتم، احساسی واقعی. مگر این کار چقدر می تواند دشوار باشد؟».

منظور شواب از «بدون بازیافت» دقیقاً بدون بازیافت نیست. طبق طرح او، پسماندی که قابلیت کمپوست شدن یا بازیافت شدن داشته باشد مجاز بود؛ بنابراین، خانواده او می توانستند قوطی‌های کهنه و شیشه‌های خالی را در کنار باقیمانده غذا بیرون بریزند. چیزی که سخت -خیلی خیلی

سخت - بود رفع و رجوع کردن پلاستیک بود. در ابتدا، شواب پسماند پلاستیک را به دو دسته تقسیم کرد، دسته‌ای که آن شماره‌های کوچک را داشتند و حمل کنندگان زباله آن‌ها را به عنوان بخشی از برنامه بازیافت «تک جریانی» می پذیرفتند؛ در نتیجه، طبق تعریف خودش، زباله به حساب نمی آمدند. دسته دیگر هیچ شماره‌ای نداشتند و نمی بایست در سطل بازیافت انداخته می شدند، بنابراین زباله به حساب می آمدند. او دریافت حتی اگر چیزی بخرد که ظرفش شماره داشته باشد - برای مثال یک گواکاموله ۱۲ معمولاً زیر در آن ورقه‌ای نازک و پلاستیکی است که شماره ندارد. بیشتر وقت‌ها او صرف این می شد که با شست و شو این ورقه‌ها و سایر پلاستیک‌های نامشخص را جدا کند و دنبال راهی باشد که با این‌ها چه کند. او از یافتن شرکتی به نام ترا سایکل هیجان زده شده، شرکتی که قول می دهد در ازای مبلغی پول - «چیزهای غیر قابل بازیافت را بازیافت کند». با مبلغ صدوسی و چهار دلار، او جعبه‌ای خرید که می توانست آن را با بسته‌هایی از پلاستیک پر کند و برای شرکت بفرستد، و با پرداخت چهل و دو دلار بیشتر، جعبه‌ای دیگر خرید که می توانست آن را با «پسماند لوازم بهداشتی دهان و دندان» - مانند تیوب خمیر دندان - پر کند. او می نویسد «جعبه بسته بندی پلاستیکی ترا سایکل را طوری پر از پلاستیک کرده و فرستادم که دیگر بیش از آن نمی شد پرش کرد».

باین حال، در نهایت همچون فرانکلین -والیس، شواب نیز به این باور رسید که تا کنون فریب خورده است. در میانه راه آزمایش، او در دوره‌ای آنلاین ثبت نام کرد به نام فراتر از آلودگی پلاستیکی، که توسط جودیت انک، مدیر منطقه‌ای سابق انجمن حفاظت از محیط زیست، برگزار می شد. شواب آموخت که اغلب فقط ظرف‌هایی با شماره ۱ (پت) و ۲ (پلی اتیلن سنگین) برای بازیافت ذوب می شوند، و برای اینکه نردل‌های حاصل شده تبدیل به چیزی قابل استفاده شوند، باید مواد جدید بسیاری به آن‌ها افزود. او می نویسد «مهم نیست سرویس مدیریت پسماند به شما چه می گوید، شماره‌های ۳، ۴، ۶ و ۷ بازیافت نمی شوند. (خود او این جملات را ایتالیایی کرده). شماره ۵ هم خیلی خیلی نامعلوم است».

ترا سایکل نیز سبب سر خوردگی شد. از آن به خاطر نامگذاری اغوا کننده شکایت شد و منجر به توافقی بیرون از دادگاه شد. یکی از اعضای یک تیم مستندسازی فهمید که تعداد زیادی از بسته‌های پسماند که برای بازیافت به شرکت فرستاده می شوند سر از یک کوره پخت سیمان در بلغارستان در می آورند تا آنجا سوخته شوند. (بنابر گفته مؤسس شرکت، این کار نتیجه اشتباهی ناگوار بوده است).





پلاستیک یا حتی بیشتر آن‌ها پیدا شود دشوار است. حتی در مواردی که جایگزین‌ها در دسترس هستند، معلوم نیست که لزوماً بهترین پلاستیک باشند. فرانکلین-والیس به پژوهشی که توسط آژانس محافظت از محیط زیست دانمارک انجام شده استناد می‌کند؛ در این پژوهش، انواع کیسه‌های خرید از جهت اثر گذاری بر چرخه حیات مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این پژوهش، محققان دریافتند که برای اینکه نسبت به کیسه‌های پلاستیکی تأثیر کمتری بر محیط زیست گذاشته شود، کیسه کاغذی باید چهل و سه بار و در کمال تعجب کیسه پارچه‌ای هفت هزار و صد بار استفاده شوند. فرانکلین-والیس می‌پرسد «چه تعداد از این کیسه‌ها این قدر عمر می‌کنند؟» و اگر فرانکلین و جمبک همچنین نوشته‌اند که جایگزینی پلاستیک با مواد دیگر ممکن است «بدهستان» در پی داشته باشد، که شامل «مصرف انرژی و آب و انتشار گاز کربن» می‌شود. وقتی سوپرمارکت محل زندگی شواب دادن کیسه‌های پلاستیکی را متوقف کرد، شاید یک مشکل را بر طرف کرد، اما به قیمت تشدید کردن مشکلاتی دیگر - مانند جنگل زدایی یا استفاده از آفت کش‌ها.

سایمون اشاره می‌کند «اگر از دریچه حیات بشر به مسئله نگاه کنیم، از زمانی که ما بدون پلاستیک بی هیچ مشکلی زندگی می‌کردیم مدت زیادی نگذشته است». این حرف درست است. همچنین از زمانی که ما بدون کوکاکولا، گواکاموله بسته بندی شده، بطری‌های آب یا هر چیز بیرون بری زندگی خود را می‌کردیم، خیلی زمان نمی‌گذرد. به منظور کاهش جدی ضایعات پلاستیک - البته «پایان دادن به آلودگی پلاستیکی» - احتمالاً صرف پیدا کردن جایگزین کافی نخواهد بود، بلکه حذف باید در دستور کار قرار بگیرد. اگر بیشتر زندگی معاصر به پلاستیک گره خورده است، و نتیجه آن مسموم کردن فرزندانمان، خودمان و اکوسیستم بوده، پس درباره این زندگی باید بازنگری شود. پرسش این است که چه چیز برای ما اهمیت دارد، و اینکه آیا ما تمایل داریم این پرسش را از خودمان بپرسیم؟

شواب می‌نویسد «خیلی دلم می‌خواست باور کنم که ترا سایلک، بابائوئل و خرگوش عید پاک حقیقت دارند، آن قدر که شباهت شک برانگیز دست خط بابائوئل به خط مادرم را نادیده بگیرم». او، اواخر سال، او نتیجه گرفت که تقریباً تمامی پسماندهای پلاستیکی - شماره دار، بدون شماره، یا آن‌ها که داخل جعبه می‌انداخته - طبق تعریف خودش در دسته بندی زباله قرار می‌گیرند. همچنین نتیجه گرفت که «در این روزگار» پرهیز از چنین پسماندی تقریباً غیر ممکن است.

چند ماه پیش، انجمن محافظت از محیط زیست «پیش نویس سیاست ملی جلوگیری از آلودگی پلاستیکی» را تصویب کرد. طبق این گزارش، آمریکایی‌ها نسبت به شهروندان سایر کشورها پسماند پلاستیکی بیشتری تولید می‌کنند - تقریباً ۲۲۵ کیلوگرم برای هر نفر، نزدیک به دو برابر میانگین اروپا و شانزده برابر میانگین هند. انجمن اعلام کرد که «روش معمول» مدیریت این نوع پسماند روشی «ناپایدار» است. در رأس فهرست پیشنهادهای انجمن «کاهش تولید و مصرف» پلاستیکی‌های یکبار مصرف قرار داشت.

تقریباً هر کسی که درباره «بحران آلودگی پلاستیکی» می‌اندیشد به نتیجه‌های واحد می‌رسد: زمانی که یک بطری پلاستیکی (یا کیسه یا ظرف بیرون بر) دور انداخته می‌شود، احتمال بالایی دارد که سر از گورستان زباله، یا ساحلی در دور دست در بیابان یا در قالب تکه‌هایی کوچک در اقیانوس شناور شود. بهترین راه برای تغییر این احتمالات تولید نکردن بطری (یا کیسه و یا ظرف) در ابتدای امر است.

سایمون می‌نویسد «تا وقتی که ما مدام پلاستیکی‌های یکبار مصرف تولید کنیم [مثل آن است که سعی کنیم آب داخل وان حمام را بدون بستن شیر آب تخلیه کنیم؛ ما باید تولید پلاستیک را متوقف کنیم». شواب می‌گوید «می‌توانیم به اقداماتی نصفه و نیمه تکیه کنیم؛ می‌بایست سراغ ریشه مشکل برویم». او نوشته است که سوپرمارکت محل زندگی‌اش در ورمانت جنوبی، از اواخر سال ۲۰۲۰، دیگر به مشتریان کیسه پلاستیکی نمی‌دهد. «آیا می‌دانید چه اتفاقی افتاد؟ هیچ روزی برای راحتی بیشتر خودمان محیط زیست را با کیسه‌های پلاستیکی آلوده می‌کردیم و، روز بعد، دیگر این کار را نمی‌کردیم».

اماری واکر-فرانکلین و جونا جمبک، هر دو مهندس محیط زیست، در کتاب پلاستیک‌ها ۱۳ که به زودی انتشارات دانشگاه ام‌آی‌تی آن را به چاپ می‌رساند گزارش داده‌اند «اکنون می‌دانیم که بدون کاهش تولید نمی‌توان آلودگی پلاستیکی را کاهش داد. اصلاحات ریشه‌ای و ساختاری نیاز است».

البته که حرف زدن درباره «بستن شیر آب» و تغییر ساختار به مراتب راحت تر از عملی کردن آن است. اولاً موانعی سیاسی برای چنین کاری وجود دارند. صنعت پلاستیک، عملاً، زیر مجموعه صنعت سوخت‌های فسیلی است. برای مثال، اکسان موبیل چهارمین شرکت بزرگ نفتی دنیا و همچنین بزرگترین تولید کننده پلیمر ویرجین است. این ارتباط یعنی هر تلاشی که برای کاهش مصرف پلاستیک صورت بگیرد منجر به مقاومتی آشکار یا پنهان خواهد شد، نه فقط از سوی شرکت‌هایی مانند کوکاکولا و نستله، بلکه از جانب شرکت‌هایی مانند اکسان و شل. در مارس ۲۰۲۲، دیپلمات‌های صد هفتاد و پنج کشور توافق کردند تلاش کنند تا معاهده‌ای جهانی بر «پایان دادن به آلودگی پلاستیکی» تنظیم کنند. در نخستین دور مذاکرات که بعدتر همان سال در اوگوئه برگزار شد، گروهی که خود را اتحادیه اهداف بلند می‌خواند، و شامل اعضای از اتحادیه اروپا و همچنین غنا و سوئیس می‌شود، اصرار کردند که این معاهده باید دارای اقداماتی الزام آور برای همه کشورها باشد. این ایده با مخالفت کشورهای بزرگ تولید کننده نفت از جمله ایالات متحده رویه رو شد، که به دنبال اقدامی «در سطح ملی» بودند. بنا به گفته گروه محیط زیستی صلح سبز، لابی کنندگان «شرکت‌های بزرگ سوخت‌های فسیلی در این جلسه غالب بودند».

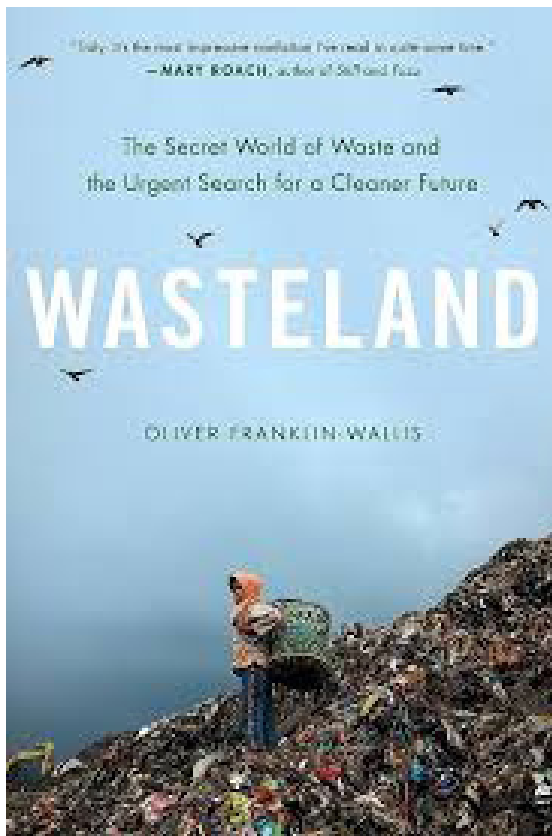
همچنین موانعی عملی نیز بر سر راه هستند. دقیقاً به این دلیل که پلاستیک همه جا هست، تصور اینکه چگونه جایگزینی برای تمام انواع



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

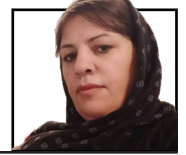
۳ شهریور سال ۱۴۰۳



# بانوان



# مشارکت سیاسی زنان، توسعه و دموکراسی



فاطمه فدرم



## مقدمه

مشارکت سیاسی زنان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه اجتماعی و دموکراتیک در هر جامعه‌ای است. این مشارکت نه تنها نشان‌دهنده برابری جنسیتی بلکه بیانگر پویایی و تنوع در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. در دهه‌های اخیر، با افزایش آگاهی‌ها و تغییرات اجتماعی، زنان به‌طور فزاینده‌ای در عرصه‌های مختلف سیاسی نقش‌آفرینی کرده‌اند. اما هنوز هم چالش‌های متعددی پیش روی آنان قرار دارد. این مقاله به بررسی چالش‌ها و دستاوردهای مشارکت سیاسی زنان پرداخته و به راهکارهایی برای بهبود وضعیت فعلی اشاره می‌کند.

## چالش‌های مشارکت سیاسی زنان

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های مشارکت سیاسی زنان، کلیشه‌های جنسیتی

است که نقش‌های سنتی را به آنان تحمیل می‌کند. این کلیشه‌ها، زنان را بیشتر در نقش‌های خانگی و کمتر در حوزه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری سیاسی می‌بیند. این نگاه سنتی هنوز در بسیاری از جوامع ریشه‌دار است و موجب می‌شود که زنان کمتر به‌عنوان رهبران سیاسی شناخته شوند. این مسئله نه تنها در کشورهای در حال توسعه بلکه در کشورهای توسعه‌یافته نیز مشاهده می‌شود.

چالش دیگر، نابرابری‌های اقتصادی است. زنان به دلیل دسترسی کمتر به منابع مالی و فرصت‌های شغلی، کمتر قادر به حمایت مالی از کمپین‌های انتخاباتی و فعالیت‌های سیاسی خود هستند. این محدودیت‌ها، توانایی آنان در رقابت با مردان در عرصه سیاست را کاهش می‌دهد. بررسی هانشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها، زنان به نسبت مردان، حقوق و دستمزد کمتری دریافت



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳



می کنند که این امر مستقیماً بر توانایی مالی آنان تأثیر می گذارد. همچنین نبود حمایت های قانونی و اجرایی کافی برای تضمین برابری جنسیتی در بسیاری از کشورها مانعی دیگر برای مشارکت سیاسی زنان است. عدم وجود قوانینی که از حضور زنان در سطوح مختلف سیاسی حمایت کند، موجب می شود که زنان در مقایسه با مردان فرصت های کمتری برای پیشرفت داشته باشند. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورها هنوز هیچ قانونی برای سهمیه بندی جنسیتی در پارلمان ها وجود ندارد.

### دستاوردهای مشارکت سیاسی زنان

با این حال، زنان در بسیاری از کشورها توانسته اند با غلبه بر این چالش ها، دستاوردهای قابل توجهی را به دست آورند. نمونه های موفق از رهبران زن در سطح جهانی، مانند آنگلا مرکل در آلمان، جاسیندا آردرن در نیوزیلند و کامالا هریس در آمریکا، نشان دهنده این است که زنان می توانند در بالاترین سطوح حکومتی نیز به خوبی ایفای نقش کنند. این رهبران زن نه تنها در عرصه سیاست داخلی بلکه در صحنه های بین المللی نیز تأثیر گذار بوده اند.

همچنین، در بسیاری از کشورها، قوانین و سیاست هایی برای حمایت از مشارکت سیاسی زنان به تصویب رسیده است. به عنوان مثال، در برخی از کشورها، سهمیه بندی جنسیتی در مجالس قانونگذاری و پارلمان ها اعمال شده است که موجب افزایش چشمگیر تعداد نمایندگان زن شده است. این اقدامات نه تنها به برابری جنسیتی کمک کرده بلکه باعث شده که مسائل و نیازهای خاص زنان نیز در فرآیندهای تصمیم گیری سیاسی مورد توجه قرار گیرد.

### راهکارها برای بهبود مشارکت سیاسی زنان

برای افزایش مشارکت سیاسی زنان و بهبود کیفیت این مشارکت، اقداماتی چند می توان انجام داد:

آموزش و افزایش آگاهی: فراهم کردن آموزش های مناسب و افزایش آگاهی زنان در مورد حقوق سیاسی و مدنی آنان می تواند انگیزه و توانایی آنان را برای شرکت در فعالیت های سیاسی افزایش دهد. این آموزش ها باید در سطوح مختلف، از

مدارس تا دانشگاه ها و حتی برنامه های آموزشی بزرگسالان ارائه شود. ایجاد فرصت های مالی: دولت ها و سازمان های غیردولتی می توانند با ارائه کمک های مالی و ایجاد صندوق های حمایتی، زنان را در مسیر فعالیت های سیاسی یاری دهند. این اقدامات می تواند شامل تسهیلات مالی برای کمپین های انتخاباتی، آموزش های مالی و مدیریتی و ایجاد شبکه های حمایتی باشد. تقویت قوانین حمایتی: تصویب و اجرای قوانین حمایتی که تضمین کننده برابری جنسیتی در عرصه سیاست باشد، از جمله سهمیه بندی جنسیتی در پارلمان ها و نهادهای حکومتی، می تواند به افزایش تعداد زنان در این عرصه کمک کند.

حمایت از رهبران زن: تشویق و حمایت از زنانی که در عرصه های سیاسی موفق شده اند، می تواند الگویی برای دیگر زنان باشد و آنان را به ورود به این عرصه ترغیب کند. رسانه ها و نهادهای مدنی می توانند نقش مهمی در معرفی و ترویج این الگوها ایفا کنند.

ترویج فرهنگ برابری جنسیتی: تغییر نگرش ها و باورهای سنتی که مانع از مشارکت سیاسی زنان می شود، نیازمند یک فرهنگ سازی گسترده و مداوم است. این فرهنگ سازی باید از خانواده ها، مدارس و محیط های کاری آغاز شود و رسانه ها نیز نقش بسزایی در این زمینه دارند.

### نتیجه گیری

مشارکت سیاسی زنان، یکی از ارکان اساسی توسعه و دموکراسی در هر جامعه ای است. اگرچه چالش های متعددی در این مسیر وجود دارد، اما با افزایش آگاهی ها، حمایت های قانونی و تجربیات موفق رهبران زن، می توان امیدوار بود که آینده ای برابرتر و متنوع تر برای زنان در عرصه سیاست رقم بخورد. از این رو، تلاش برای افزایش مشارکت سیاسی زنان نه تنها وظیفه ای اخلاقی بلکه ضرورتی برای توسعه پایدار و عدالت اجتماعی است. افزایش تعداد و کیفیت مشارکت زنان در سیاست، نه تنها به نفع خود زنان بلکه به نفع کل جامعه است و می تواند به ایجاد سیاست هایی عادلانه تر و جامع تر منجر شود.





# زنان مدرن در جامعه ایرانی



فرزانه باقری آندرسی

nashradan@gmail.com



زن مدرن به نوعی با جنبش فمینیستی پیوند خورده است که خواستار استقلال معنوی، فکری و اجتماعی بوده و با تمام قوا مدعی ساختن خود و مشارکت در جامعه است. شرایط زندگی او دیگر مانند زنان دیروز نیست و از تحصیلات بالاتری بهره می برد. و تعهدات او اکنون فراتر از مرزهای شخصی و داخلی است. اهداف جدید اجتماعی اش را به عنوان فردی منزوی دنبال نمی کند بلکه این کار را در جامعه ای از همفکرهایش انجام می دهد که دیدگاه های مشابهی با او دارند. واقعیت جدید این است که بر خلاف سنت، زنان نیروی و گروهی را تشکیل می دهند که قادر به ساخت و تشکیل اجتماعی جدید هستند. دیروز، محتمل ترین سرنوشت هر زن این بود که در معرض سرنوشت جنسیتی و فرهنگی خود قرار گیرد ولی امروز دیگر اینگونه نیست. اکنون همه می توانند برای هدفی مشترک شرکت کنند و با زنان دیگر همبستگی نشان دهند. قادر هستند خواسته ها و آرزوهای خود را در خدمت آرمان جمعی پیش ببرند. زیرا آن ها نیمی از جنسیت جهان را با خود حمل می کنند که به شکستن انزوا، ایجاد پیوند اجتماعی، بسیج جمعی و قدرتمندانه، گسترش دادن

آرزوهای خود و انجام وظایف منطقی کمک می کند. در ایران، طی دهه های اخیر با تغییرات عمیقی در زندگی اجتماعی و سیاسی زنان همراه بود. ایران با نظام جمهوری و ساختار دولتی خود بر اساس ایدئولوژی اسلامی، هم اکنون با فرآیندی عمیق در حال شکل گیری و توسعه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اداری و حقوقی زنان است. همیشه، جایگاه زنان در جامعه برای حقوق برابر با مردان مطرح بود. در کنار دیدگاه های اسلامی، گرایش و تمایلات خاصی برای احترام به حقوق زنان در عرصه های مختلف، از جمله ساختارهای دولتی، حقوقی و اداری در حال ظهور است. زنان بیش از نیمی از جمعیت ایران کنونی را تشکیل می دهند. تعداد زنان شاغل سال به سال در حال افزایش است. تا پیش از این بیشتر زنان در ایران فقط در کشاورزی، صنایع دستی، خانه داری، تدریس و بهداشت عمومی اشتغال داشتند. تنها بخش ناچیزی از زنان در عرصه های اداری، تجاری و صنعتی کشور مشغول بودند. اما با پیشرفت فرهنگ و خانواده و به تبع آن جامعه باعث تغییراتی در ساختارهای جامعه شد:



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳





۱. گسترش حقوق و استقلال اقتصادی زنان از جمله دسترسی به شغل و شرایط کاری مناسب و منابع اقتصادی.
  ۲. تضمین دسترسی برابر زنان به منابع، فرصت ها و تجارت.
  ۳. اعطای خدمات تجاری، دوره های آموزشی و دسترسی به بازار اطلاعات و فناوری.
  ۴. تحکیم ظرفیت های اقتصادی و شبکه های تجاری.
  ۵. حذف تفکیک شغلی و همه اشکال تبعیض شغلی.
  ۶. ایجاد هماهنگی در مسئولیت های خانوادگی بین زن و مرد.
- بنابراین جامعه سنتی به جامعه ای پیشرفته تبدیل می شود. در سراسر دوران جنبش اجتماعی زنان همچنان به تکامل خود ادامه می دهد، که می توان آن را با تقاضای جامعه، جمعیتی و تکامل آن منطبق دانست. موضوع مشارکت زنان در سازمان های تصمیم گیری و قدرت اجرایی در ایران از بیشترین اهمیت برخوردار است. با این حال، باید توجه داشت که نقش زنان در ساختارهای دولتی تاکنون ناچیز مانده است. مشکل رعایت حقوق قانونی زنان و حمایت اجتماعی از آنها همچنان جاری است. علرغم جامعه مدرن هنوز طیف گسترده ای از مشکلات را بخاطر جنسیت زنان مشاهده می کنیم:
۱. حقوق زنان برای برابری و عدم تبعیض، دسترسی به بهداشت عمومی، آموزش، تولید مثل و تمایلات جنسی.
  ۲. پیشگیری از خشونت.
  ۳. حقوق زن در خانواده.
  ۴. حقوق زنان در اقتصاد
  ۵. حقوق زنان و محیط زیست
- سازمان بهداشت عمومی جهانی برنامه های راهبردی را برای رفع نیازهای زنان ایرانی تدوین کرده است. و تغییرات قابل توجهی

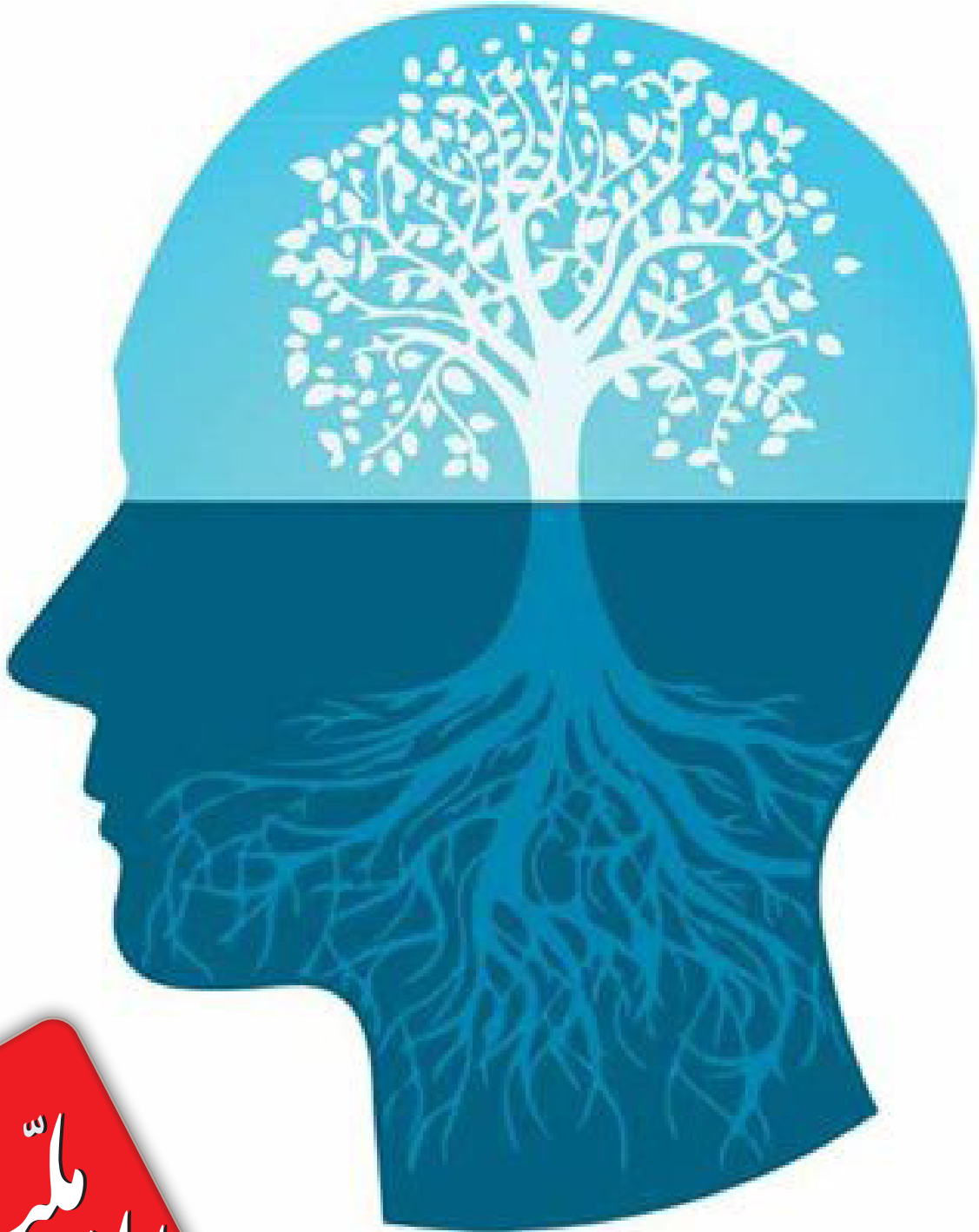
نظام آموزشی زنان را متحول کرده است. در حال حاضر زنان تقریباً از حقوق آموزشی برابر با مردان برخوردارند. نزدیک به ۶۰ درصد دانشجویان مؤسسات آموزش عالی را زنان جوان تشکیل می دهند. سطح فرهنگ عمومی آن ها به طرز چشمگیری افزایش یافته است. در سیستم آموزشی زنان به علوم انسانی، فنی، کاربردی و زیستی دسترسی دارند و بیش از نیمی از معلمان، اساتید دانشگاه ها و مراکز تحقیقاتی ایران را تشکیل می دهند.

در ایران، برابری جنسیتی اساساً مبتنی بر قدرت است. امروزه این امر تا حد زیادی توسط مردان تعیین می شود. علرغم اینکه، زنان در محیط خانواده و حتی در لایه های جامعه وظایف خود را به خوبی ایفا می کنند، حضورشان هنوز به طور قابل توجهی در پست های کلیدی و مدیریت ناچیز است و باعث نفوذ محدود آن ها بر سیاست های کلان کشوری می شود.

مطالبات زنان مشابه خواسته هایی است که هر گروه اجتماعی آسیب دیده از نظر قانونی مطرح می کند. مبارزه زن مدرن را می توان وسیله ای برای ساختن هویتی منحصر به فرد دانست که از ویژگی های آن توانایی تصمیم گیری برای خود و پذیرش مسئولیت اعمال خود در زمینه های مختلف است. این زن هدفی جز کسب کرامت ندارد و دیگر خود را انسانی درجه دو نمی داند. اعتقادات خود را نادیده نمی گیرد و کمتر ممکن است خارج از اراده اش بر او تحمیل شود! آن ها سعی می کنند سرنوشت خود را نه به عنوان یک زن بلکه به عنوان یک انسان ببینند. وقتی این فرایند به هر نحوی موفقیت آمیز باشد، آنگاه نوع جدیدی از زن در سطحی بالاتر به وجود خواهد آمد. و هر کس باید کاری را انجام دهد که احساس می کند برای آن مناسب است. زنانی که ظرفیت مشارکت عینی را دارند نباید به اندازه توانایی خود با مانعی روبرو شوند.

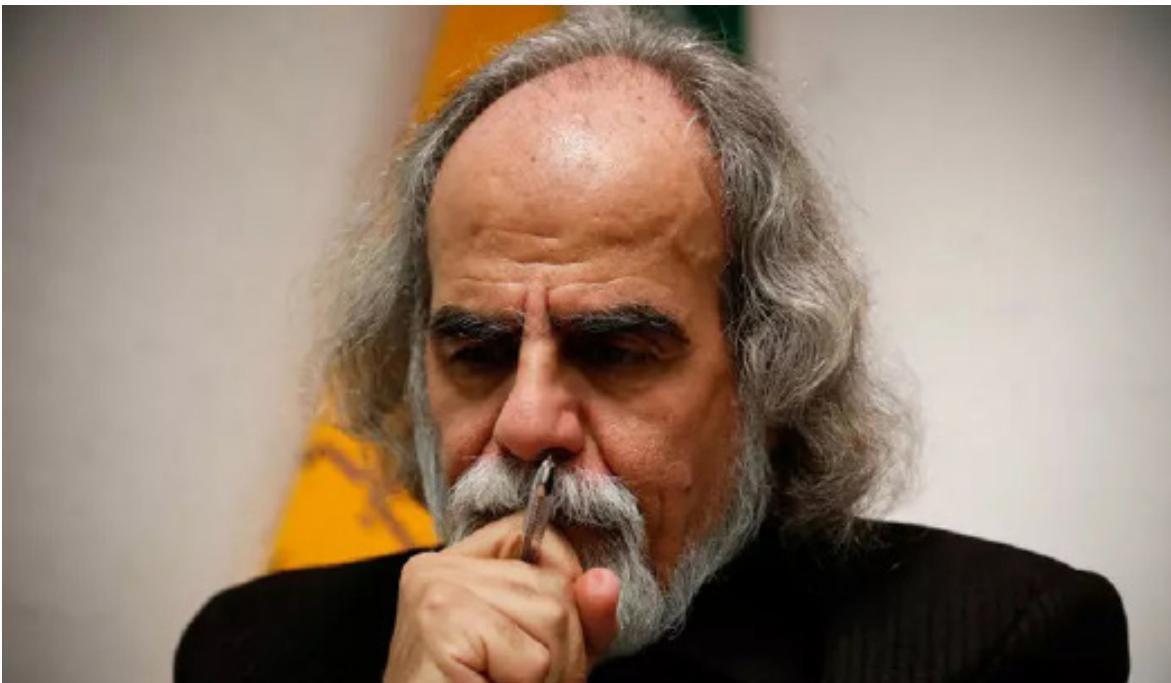


# اندیشه



# تحلیل معرفت شناسانه از ملازمه و ماهیت عدالت و دموکراسی

باز نشر سخنانی از استاد مصطفی ملکیان، فیلسوف



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

باورهای ناظر بر واقعیت، باورهای ناظر بر ارزش، و باورهای ناظر بر تکلیف - را میتوان به دو قسم تقسیم کرد.

در باب اینکه جهان هستی دارای چند ساحت است، لاقط سه دیدگاه وجود دارد یک دیدگاه جهان هستی را فقط دارای یک ساحت می داند و آن را ساحت واقع مینامد. این بدان معناست که گرچه از ارزشها سخن میگوییم، آنها نیز از سنخ واقعیت هستند فقط ظاهر آنها با واقعیت متفاوت مینماید اما چیزی جز واقعیت نیستند. به تعبیر دیگر، چاره ای جز ارجاع و تحویل ارزشها به واقعیتها نداریم و لذا فقط واقعهها، ساحت هستی را میسازند.

طبق دیدگاه دوم دو ساحت داریم؛ ساحت واقعهها و ساحت ارزشها. این دو ساحت از هم جدا هستند و هیچ کدام را نمیتوان به دیگری ارجاع کرد؛ نه واقعهها را میتوان به ارزشها ارجاع و تحویل کرد و نه برعکس. اینها دو مقوله اند و هیچ گونه ارجاع و تحویلی بین آنها امکان پذیر نیست. البته این دو مقوله میتوانند با یکدیگر ارتباط داشته باشند اما نه این را میتوان به دیگری فرو کاست و نه برعکس. بنابراین با دو ساحت سروکار داریم.

طبق دیدگاه سوم نه فقط ارزشها را نمیتوان به واقعیتها فرو کاست

نوشتر پیشرو، صورت مکتوب سخنان استاد مصطفی ملکیان در سالهای دور است که متن آن، بعد از بازبینی و تأیید خود ایشان، به همراه چند گفتار دیگر از وی، در کتاب دو جلدی "در رهگذار باد و نگهبان لاله" منتشر شده است.

این نوشتار بخشی از یکی از گفتارهاست که به انتخاب سردبیر این نشریه، به خاطر پرداختن به موضوع عدالت و دموکراسی، دو موضوع اساسی در مکتب سوسیال دموکراسی، گزیده و انتخاب شده. ملکیان در این فراز، معرفتشناسانه به موضوع وارد شده و اهمیت دموکراسی و نیاز بشر به آن را نمایان کرده، در همین خلال، وابستگی دموکراسی و عدالت را به یکدیگر پیش رو می آورد.

استاد، در برهه های دیگری نیز از زاویه های دیگر به این مفاهیم پرداخته اند اما مسئولیت این گزینش و انتخاب با سردبیر نشریه است و ایشان در این گزینش دخالتی نداشته اند. ای بسا فهم گزینشگر باهدف گوینده مطابقت کامل نداشته باشد اما اطلاعات، روش و رویکرد ایشان برای جمعیتی که تقلا ی برپایی توأمان عدالت، آزادی و همبستگی را در سر می پروراند، مغتنم و با ارزش به نظر می رسد.

در یک تقسیم بندی کلی همه ی باورهای ما آدمیان - اعم از



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

رنگ جهان آبی است. اگر ظاهر سخن را بنگرید ممکن است گمان کنید واقعیتی از واقعیات جهان هستی را بیان میکنم؛ واقعیت زیباتر بودن رنگ آبی نسبت به رنگهای دیگر اما در واقع یکی از عناصر نفسانی خود را عرضه میکنم که میگویم منش، مزاج روحی و ساختار روانی من چنان است که رنگ آبی را "زیباترین"، می یابد. به جای اینکه بگویم، رنگ آبی را زیباترین رنگ می یابم، میگویم رنگ آبی زیباترین رنگ است. در اینجا با یک امر ساجکتیو سر و کار داریم، چراکه ناظر به یک امر ذوقی و سلیقه ای است. ما به این بحث - که البته جای بحث دقیقی دارد - نمی پردازیم که این امر ذوقی در درون خود به چند دسته تقسیم می شود. یکی از مباحث فلسفه ی هنر این است که آیا میتوان امور ذوقی را رده بندی کرد؟ این رده بندیها به لحاظ کمیت، کیفیت و هویت چگونه میتوانند باشند؟

باورهای به زبان آمده ی آجکتیو: این باورها، باورهای شخصی و باورهایی که وصف الحال و بیان روان شناسی من باشند، نیستند بلکه درباره ی عالم واقع ادعای می کنند. این باورها را باورهای آجکتیو، به این معنا که ادعایی در باب آفاق میکنند و نه ادعایی در باب نفس می نامند. این باورها در درون خود به دو دسته جزئی تر قابل تقسیم هستند. دسته ی اول باورهایی هستند که در عین آجکتیو بودن و اینکه همه ی آدمیان بالقوه می توانند بفهمند که گزارش صادقانه ای از عالم واقع می دهند یا گزارش کاذبانه ای، قدرت تشخیص صدق و کذب آنها بالفعل در اختیار ما نیست. مثل وقتی که میگ ویم "در فلان سیاره ای که در فلان کهکشان است اکسیژن وجود دارد"، اینکه در آن سیاره اکسیژن وجود دارد یا نه یک امر ساجکتیو نیست اما در وضع کنونی نمی دانیم بفهمیم که این گزاره صادق است یا کاذب زیرا هنوز علوم و معارف به طور کلی آن پیشرفت را نکرده اند که تحقیق این امر برای ما بالفعل امکان پذیر باشد اما به هر حال این امر آجکتیو است و بر آجکتیو بودن خود هم باقی می ماند و ما بالقوه میتوانیم بفهمیم که این سخن صادق است یا کاذب و به امور ذوقی مربوط نمی شود، بلکه به امر بیرون از ما مربوط می شود بنابراین، باورهای آجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق هم داریم. قابل تحقیق شدن گزاره های بالفعل غیر قابل تحقیق، فقط و فقط به پیشرفت علوم و معارف ی بستگی دارد. هیچ چیز دیگری نمی تواند یک باور بالفعل غیر قابل تحقیق را به قابل تحقیق تبدیل کند مگر اینکه علوم و معارف بشری پیشرفت کنند. هر چه علوم و معارف بشری پیشرفت کنند تعداد باورهای بالفعل غیر قابل تحقیق کمتر میشود و به باورهای بالفعل قابل تحقیق تبدیل می شوند. خیلی از ما تصور می کنیم که اگر کسی سیصد سال پیش آنها را ادعا میکرد در عین آجکتیو بودن بالفعل، غیر قابل تحقیق بودند اما امروزه میتوان در باب صدق و کذب آنها تحقیق کرد.

دسته ی دوم، باورهای آجکتیو بالفعل قابل تحقیق هستند. اگر بگویم، "فلان قارچ سمی است"، باوری آجکتیو و در وضع کنونی، قابل تحقیق است. یا اگر بگویم "فلان غذا بر روی نظام گوارشی، ترکیبات خون و اعصاب ما فلان اثر را دارد" با وضع کنونی بیوشیمی و فیزیولوژی می توان در باب آن تحقیق کرد. می توانیم کل باورهای به زبان آمده ی خود را به این سه دسته تقسیم کنیم؛ باورهای ساجکتیو که بالفعل غیر قابل تحقیق هستند، باورهای آجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق و باورهای آجکتیو بالفعل قابل تحقیق.

اینکه به همه ی باورهای ساجکتیو و آجکتیوی که من و شما به عنوان یک انسان واجد آنها ایم، در حریم خصوصی زندگی بها داده شود، فعلا محل بحث نیست زیرا نمی توان گفت بدون قید و شرط به

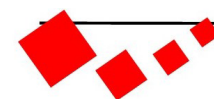
بلکه علاوه بر ارزشها و واقعیتها چیز سومی هم به نام تکلیف وجود دارد. تکلیفها و الزامات نیز ساحت جداگانه و علی حده ای هستند. این بدان معناست که کار کسانی که تکلیفها را به ارزشها رجوع کرده اند درست نبوده است؛ همان طور که کار کسانی که ارزشها را به واقعها رجوع کرده اند درست نبوده.

سخنی که خواهیم گفت با هر دو دیدگاه سازگار است. گرچه به گمان من دیدگاه سوم که طبق آن در عین اینکه واقعیت و ارزش با هم ربط و نسبتهایی دارند، قلمرو و واقعیت از قلمرو ارزش جداست و گرچه تکلیف و ارزش ربط و نسبتهایی با یکدیگر دارند، قلمرو تکلیف هم از قلمرو ارزش جداست، قابل دفاع تر است. مجموعه ی باورهایی را که همه ی ما آدمیان در طول تاریخ داشته ایم، داریم و خواهیم داشت. چه آن باورها مربوط به عالم ارزش باشند، چه مربوط به عالم تکلیف و الزام و چه مربوط به عالم واقع، میتوان به دو دسته تقسیمشان کرد.

قبل از بیان این تقسیم بندی باید نکته ای را بیان کرد. نحوه ی بیان باورهایی که ممکن است به ساحت واقع، یا ساحت واقع و ارزش، و یا ساحت واقع، ارزش، و تکلیف ناظر باشند، به اقسامی قابل تقسیم است. گاه برای اخبارند، گاه وصف الحالند، گاه برای تأثیر گذاری در دیگرانند و گاه کارکرد چهارم و یا پنجمی دارند. این بحث وجود دارد که کارکردهای زبان چیست و چه انتظار و توقعاتی میتوان از زبان داشت؟ در اینجا بحث خود را از باور به زبان منتقل کردیم زیرا در این بحث با باورهای به زبان آمده سرو کار داریم لذا این بحث پیش میآید که به چه قصد و غرضی به زبان می آیند. بعضی گفته اند فقط دو قصد و غرض می توان داشت و بعضی به سه، چهار، هفت، هشت، سیزده و یا شانزده قصد و غرض قابل شده اند. گاه در کتابها از این اغراض به کارکردهای زبان تعبیر کرده اند ما به این بحث نیز نمی پردازیم که کدام دیدگاه درست است. دیدگاه بر کلی، ویتگنشتاین، آستین، ریورد، و یا هابرماس؟ به هر حال هر قصد و نیتی داشته باشید و به هر قصد و نیتی این باورها را بر زبان آورید و هر کار کردی که زبان و بیان شما برای خود شما و یا برای آنها داشته باشد باید گفت باورهای به زبان آمده به دو دسته قابل تقسیم هستند باورهای ساجکتیو و باورهای آجکتیو؛ باورهای انفسی و باورهای آفاقی.



اعتقادات ساجکتیو من - این من هر کس باشد فرق نمی کند - و اعتقادات آجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق من، فقط و فقط وقتی می توانند در زندگی جمعی راه پیدا کنند که همه ی کسانی که این زندگی جمعی، زندگی آنهاست، با این راهیابی موافق باشند و به آن رای مثبت دهند.



باورهای به زبان آمده ی ساجکتیو: این باورها قابل ارزیابی نیستند؛ نه ارزیابی منطقی و نه ارزیابی معرفت شناختی. به این دلیل که با ذوق و سلیقه از تباط پیدا میکنند آنها حاکی از یک امر ذوقی و یا سلیقه ای هستند. این باورها معمولاً به امور ذوقی ناظرند به این معنا که در آنها وصف الحال خود را از امری و یا طرز تلقی خود را نسبت به امری بیان میکنم. به عبارت دیگر، به ظاهر درباره ی جهان هستی سخن میگویم اما در واقع درباره ی خود سخن میگویم. مثل وقتی که میگویم زیباترین





هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

کل باورهای ساجکتیو و آجکتیو یک فرد در حریم زندگی خصوصی او ترتیب اثر داده می شود. حریم خصوصی زندگی، حریمی است که همه ی آنچه می کنیم، همه ی آنچه دارم و همه ی آنچه هستم، به غیر من تسری پیدا نمی کند. همه ی کردنها، داشتنها و بودنهای من به غیر من تسری پیدا نمی کند. در حریم زندگی خصوصی، می توانیم به همه ی باورهای ساجکتیو و آجکتیو خود ترتیب اثر دهیم و یا ترتیب اثر ندهیم. من در اینجا، نفیاً و اثباتاً، در باب این مطلب سکوت می کنم، هر چند رأی من آن است که در حریم خصوصی، تا وقتی خصوصی بماند، حق دارم به همه ی باورهای آجکتیو و ساجکتیو خود ترتیب اثر دهم. اکنون نمیخواهم به این ادعا بپردازم اما شما را به این نکته توجه می دهم که عده ای گفته اند در حریم خصوصی هم کسی حق ندارد به همه ی باورهای ساجکتیو و آجکتیو خود ترتیب اثر دهد. بحث بر سر آن است که وقتی این باورها می خواهند به حریم زندگی عمومی راه پیدا کنند و می خواهیم در این ساحت به آنها ترتیب اثر دهیم و آنها را مبنای تصمیم گیری خود در امور سیاسی، اقتصادی، قضایی، بین المللی و در ناحیه ی تعلیم و تربیت زندگی جمعی قرار دهیم چه باید کرد؟

چاره ای جز این نیست که بگوییم حال که همه از این حیث مساوی هستیم و رأی هیچ کدام از ما بر دیگری رجحان ندارد، رأی ای را که همه یا اکثریت به آن قایلیم مبنای تصمیم گیری قرار می دهیم عدالت اقتضای این دارد که ترجیح بلا مرجح عملی نداشته باشیم و برای اینکه ترجیح ما حتماً مرجحی داشته باشد، مرجح، پسند و خوشایند عمومی است که از راه نظر خواهی حاصل می آید.

شک نیست که اعتقادات ساجکتیو و آجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق من نمی توانند مبنای تصمیم گیری زندگی جمعی شوند. به نظر می رسد اعتقادات ساجکتیو من - این من هر کس باشد فرق نمی کند - و اعتقادات آجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق من، فقط و فقط وقتی می توانند در زندگی جمعی راه پیدا کنند که همه ی کسانی که این زندگی جمعی، زندگی جمعی آنهاست، با این راهیابی موافق باشند و به آن رأی مثبت دهند. اگر یک رأی آجکتیو غیر قابل تحقیق و یا یک رأی ساجکتیو داشتیم و خواستیم آن رأی مبنای تصمیم گیری زندگی جمعی شود، به هیچ وجه امکان ندارد بتوان آن را در زندگی جمعی راه داد مگر اینکه همه کسانی که این زندگی جمعی، زندگی جمعی آنهاست به آن رأی مثبت دهند. به گمان بنده رأی دادن در این دو جا تنها روش درست است. از سوی دیگر، رأی دادن در زندگی جمعی هم فقط در این دو مورد درست است و من بر این دو می تأکید می کنم. رأی دادن و نظر خواهی از مردم به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم، با واسطه و یا بی واسطه، به صورت فرآیند و... فقط در این دو قلمرو (قلمرو امور ساجکتیو و آجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق) امکان پذیر است. معقول نیست بگوییم مردم! میخواهیم وزن این لیوان را مبنای تصمیم گیری زندگی جمعی خود قرار دهیم. حال رأی دهید که وزن این لیوان، ۵۰ گرم است یا بیش از ۵۰ گرم و یا کمتر از ۵۰ گرم و هر

چه اکثریت مردم گفتند، همان رأی را قبول کنیم زیرا وزن لیوان، یک امر آجکتیو بالفعل قابل تحقیق است. اگر امری آجکتیو بالفعل قابل تحقیق باشد حق نداریم به رأی مردم رجوع کنیم در اینجا ترازو، معیار و استاندارد بیرونی و آفاقی داریم. میتوان به وسیله ی آن معیار فهمید که وزن لیوان چقدر است بنابراین هر چه مردم بگویند، مهم نیست. اگر وزن این لیوان ۵۰ گرم باشد، تمام شش میلیارد انسان روی زمین هم بگویند کمتر و یا بیشتر از ۵۰ گرم است نباید سخن آنها را بپذیریم. بنابراین در امور آجکتیو بالفعل قابل تحقیق، رجوع به رأی عمومی به هیچ وجه به حق نیست.

اما از طرف دیگر در امور ساجکتیو و آجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق راهی جز رجوع به رأی عمومی وجود ندارد زیرا اگر در این امور کسی بگوید رأی من و یا رأی کسانی را که با من هم اندیش هستند مبنای تصمیم گیری قرار دهید، گفته میشود که وجه رجحان شما نسبت به دیگران چیست؟! چرا باید رأی شما را در امور مبنای تصمیم گیری قرار دهیم؟! چرا رأی رقیب یا رأی مخالف شما را مبنای قرار ندهیم؟! در اینجا یک نوع ترجیح بلا مرجح عملی پیش می آید و ترجیح بلا مرجح عملی، یکی از مصادیق بی عدالتی است اینجاست که بحث ربط و نسبت آزادی با عدالت پیش می آید چه دلیلی دارد من تابع شما باشم؛ شما تابع من باشید. زیرا فرض بر این است که امر، یا ساجکتیو است یا آجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق، معنایش آن است که در وضع کنونی نمی فهمیم رأی تو صادق است، یا کاذب. حال یا به این دلیل که رأی تو صدق و کذب ندارد، (وقتی رأی مربوط به امور ساجکتیو است) یا به این دلیل که اکنون روشی برای احراز صدق و کذب آن در اختیار نداریم (وقتی رأی مربوط به امور آجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق است) نمیتوان ارزش صدق به آن اسناد داد و لذا سخن تو فعلاً از مؤلفه ی حقیقت عاری است. اگر سخن تو از مؤلفه ی حقیقت عاری است، سخن رقیبی تو هم از مؤلفه ی حقیقت عاری است. حال اگر ده سخن در یک مسأله ی واحد وجود داشته باشند که هیچ کدام از لحاظ منطقی و معرفت شناختی بر یکدیگر رجحانی نداشته باشند و همه از این عنصر خالی باشند، چرا این رأی مبنای عمل قرار گیرد و آن یکی مبنای عمل قرار نگیرد؟ اگر بگویید آن یکی مبنای عمل قرار میگیرد و این یکی مبنای عمل قرار نمیگیرد، میگوید هیچ کدام مبنای عمل قرار نمیگیرند، میگوییم فرض بر این است که زندگی متوقف بر این است که در این مورد تصمیمی بگیریم. در اینجا چاره ای جز این نیست که بگوییم حال که همه از این حیث مساوی هستیم و رأی هیچ کدام از ما بر دیگری رجحان ندارد، رأی ای را که همه یا اکثریت به آن قایلیم مبنای تصمیم گیری قرار می دهیم عدالت اقتضای این دارد که ترجیح بلا مرجح عملی نداشته باشیم و برای اینکه ترجیح ما حتماً مرجحی داشته باشد، مرجح، پسند و خوشایند عمومی است که از راه نظر خواهی حاصل می آید. این نظر خواهی میتواند به صورت تهای مختلف و به هر ترتیبی صورت پذیرد، بنابراین در این دو جا، چاره ای جز رأی خواهی وجود ندارد اما باید به طور جدی تأکید کرد که رأی خواهی فقط به این دو جا اختصاص دارد و در قسمت سوم و یا همان رأی آجکتیو بالفعل قابل تحقیق نمی توان نظر خواهی کرد. در کشور ما یکی از چیزهایی که بعد از دوم خرداد در مطبوعات، در برابر افراط یا تفریطی که در هفده سال قبل دیده می شد، می بینیم، آن است که کسانی به افراط و یا تفریط دیگری دچار شده اند و می گویند ارتباط یا عدم ارتباط با امریکار به فرآیند بگذارید. فرآیند برای امور آجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق و ساجکتیو است. در حالی که ارتباط یا عدم

کرد تا ببینیم مدرکی دال بر لیسانس داشتن او وجود دارد یا خیر. البته اگر در نماینده‌ی مجلس اموری وجود دارند که آبجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق و یا سابجکتیوند، باید رأی گیری کرد. پارادوکسی که در وضع کنونی ما وجود دارد آن است که اموری را به رأی مردم واگذار می کنیم که به نظر دقیقی معنایش این است که این امور، آبجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق و یا سابجکتیوند و بعد درباره‌ی همان امور، گروهی نظر می دهند که اگر نظر دهند، در واقع اعتراف کرده اند که اینها بالفعل قابل تحقیق هستند. به تعبیر دیگر، اگر امور از مقوله‌ی سابجکتیو و آبجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق نیستند که اصلاً نباید به مردم رجوع کرد و اگر از این دو مقوله-اند، فیلتر بعدی معنا ندارد. به نظر می رسد در اینجا به لحاظ منطقی و معرفت شناختی التباسی رخ داده است.

بنابراین، عدالت اقتضا می کند که در امور سابجکتیو و آبجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق به رأی مردم رجوع کنیم و اگر امری بالفعل قابل تحقیق بود به رأی مردم رجوع نکنیم. اگر در مثالی که قبلاً گفتم، معلوم شود که فلان قارچ، سمی است، یا فلان ماده‌ی غذایی دارای یک ماده‌ی سرطان زاست، نمی توان گفت برای تولید آن قارچ و یا آن ماده‌ی غذایی رأی گیری کنیم که فلان کارخانه سازنده‌ی آن به تولید خود ادامه دهد یا خیر. در اینجا محرز شده است که این ماده‌ی غذایی سرطان زاست و چون فرض بر این است که هیچ کدام از ما نمی خواهیم ماده‌ی سرطان زادر مواد غذایی مردم باشد، صاحب آن کارخانه نمی تواند بگوید باید به مردم رجوع می کردید تا نظر آنها را بخواهید و نباید بدون نظرخواهی کارخانه‌ی مرا می بستید. در اینجا جای رجوع به مردم نیست. اگر دقت کرده باشید، می بینید که در آن دو امر، به یک سنخ عمل می کنیم و در امر سوم، به سنخ دیگری. در آن دو امر عدالت اقتضا می کند که به آراء مردم رجوع کنیم تا ترجیح بلا مرجح عملی نکرده باشیم و در قسمت سوم به آرای مردم رجوع نمی کنیم.

ارتباط با امریکایک سلسله ابعاد آبجکتیو بالفعل قابل تحقیق دارد. مثلاً اقتصاددانان بالفعل می دانند که ارتباط و عدم ارتباط چه پیامدهایی خواهد داشت. در اینجا حق نداریم فراندم انجام دهیم. اقتصاددانان تا آن مقدار که این مسأله به معنای دقیق کلمه آبجکتیو بالفعل قابل تحقیق است و متخصصان روابط بین الملل و ... نیز تا آن مقدار که در تخصص آنهاست باید نظر دهند. بنابراین در عرصه‌ی امور اقتصادی، سیاسی، بین المللی و احیاناً در بعضی از عرصه‌های دیگر که فی بادی النظر ارتباط آنها به نظر نمی آید یک سلسله امور بالفعل قابل تحقیق وجود دارند که در باب آنها باید اقتصاد دانان، متخصصان امور بین المللی، متخصصان علم سیاست، ... اظهار نظر کنند، وقتی این افراد در این موارد تحقیق کردند، ممکن است در آخر قسمتهایی باقی بماند که یا آبجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق هستند و یا سابجکتیو که البته در مانحن فیه آبجکتیو بالفعل غیر قابل تحقیق هستند و چه بسا در اینجا امر سابجکتیو یافت نشود. اگر کار به اینجا رسید، دیگر ترازو و معیار نداریم و لذا در اینجا نظرخواهی و رجوع به آرای عمومی کاملاً درست است.

نمی توان از ابتدا بدون جدا کردن این دو بخش، به آراء مردم رجوع کرد. اگر چنین کنیم، نه با حقیقت طلبی و نه با عدالت طلبی، با هیچ کدام، سازگاری ندارد. اینجا مثل همان وقتی است که بحث بر سر وزن لیوان بود. در این مورد با یک امر آبجکتیو بالفعل قابل تحقیق سروکار داریم و لذا نباید به آرای عمومی رجوع کنیم. مثل وقتی که می خواهیم نماینده مجلس انتخاب کنیم. اگر شرط باشد که نماینده مجلس لیسانس یا فوق لیسانس داشته باشد، نمی توان گفت در باب لیسانس داشتن نماینده‌ی مجلس رأی گیری می کنیم تا ببینیم لیسانس دارد که واجد شرایط است و یا ندارد که واجد شرایط نیست. زیر لیسانس داشتن یا لیسانس نداشتن نماینده مجلس یک امر بالفعل قابل تحقیق است. باید به اسناد و مدارک دانشگاه و وزارت علوم رجوع



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

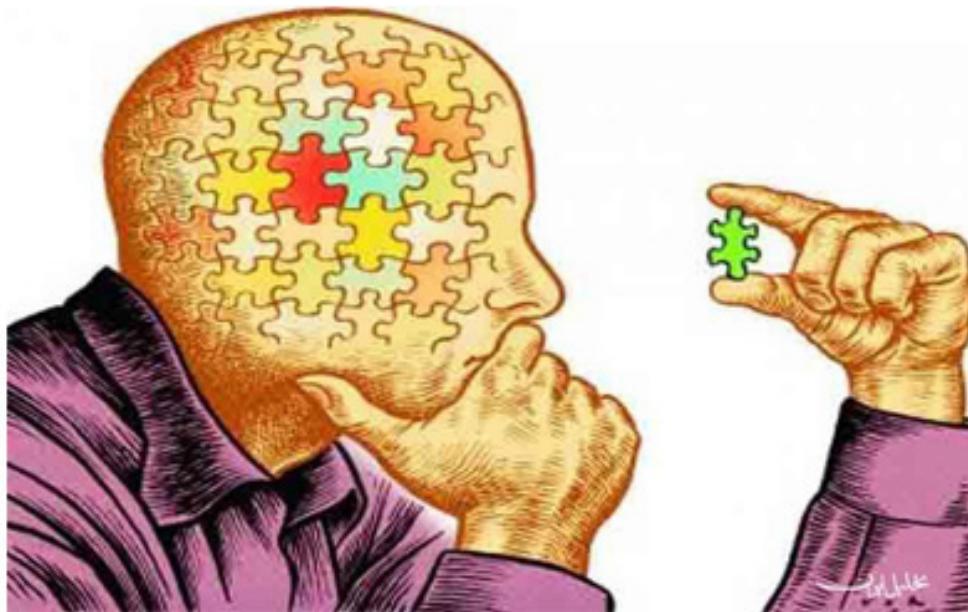
جستاری در باب ضرورت عقلانیت در پژوهش های تمدنی-قومی

## جهانی بیندیشیم، وطنی عمل کنیم



کاظم طیبی فرد

k.tayyebifard@gmail.com



این روند چنان پرشتاب ادامه یافت که با سیطره‌ی برمکیان و آل بویه و... اینبار این زبان فارسی بود که زبان عربی را به چالش کشید و بر آن تاثیر گذاشت.

بهتر است از اینجا به بعد ماجرا را از کتاب "چالش میان عربی و فارسی" نوشته‌ی مرحوم دکتر آذرنوش، پی بگیریم که نشان داد، در همان دو قرن، در لفافه و زیر پوست جامعه، تمدن ایرانی بر اعراب رفته رفته شکل گرفت تا در قرن چهارم، به دوران اوج قدرت مسلمانان و دوره‌ای که به رنسانس اسلامی معروف است منجر شد.

به قول آدم متز، قرن ۳ و ۴ باید رنسانس اسلامی و سیطره‌ی فرهنگ و تمدن اسلامی به رهبری دانشمندان ایرانی بر جهان بدانیم. تاثیر و سیطره‌ی تمدن ایرانی بر تمدن نوپای اسلامی چنان بود که حتی در سالهای اخیر، روشنفکران عرب، همچون محمد عابدالجبری، تمدن اسلام را منحرف شده بدست امثال بوعلی دانسته و خواهان بازگشت به اصل، پیراستن دین و فرهنگ دینی

کتاب ارزشمند "دو قرن سکوت" از شاهکارهای پژوهشی، به قلم مرحوم استاد عبدالحسین زرین کوب، سالها پیش ولوله‌ای در انداخت، اما افسوس که به درستی خوانده نشد و راهش ادامه نیافت.

مرحوم زرین کوب در این کتاب، دو قرن ابتدایی تاریخ اسلام را از منظر ایرانیان بررسی کرده و نشان داده که پس از تصرف ایران بدست اعراب، اعراب با اتکا به اسلام و زبان عربی متن مقدس آن، سعی در نابودی فرهنگ و تمدن ایرانی و فارسی داشته‌اند بطوریکه در این دو قرن، نوشتن و حتی سخن گفتن به زبان فارسی را ممنوع کرده، استخوانها شکستند و خونها ریختند. با همه‌ی عربی‌گری و تحقیر ایرانیان، تاریخ و سرنوشت، همچنانچکه ماهیتش چنین است، پس از این سالها، ابرها را کنار زد، بسیاری از اعراب فارسی آموختند و خلفای اموی و عباسی به خاطر نیازشان به علم و دانش ایرانیان، به علوم و عالمان ایران زمین محتاج شده و به آنان رو آوردند.



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

است. در کشاکش تاریخو تلاطم سرگذشت های تاریخی، چندین و چند فرهنگ و تمدن دیگر نیز با این فرهنگ و زبان تلاقی داشته اند، از آن وام گرفته و بدان وام داده اند، از تیر پذیرفته و بر آن اثر گذاشته اند اما آنچه امروز پیش روی ماست، یک ملت یکپارچه به نام ملت ایران است.

زبانهای مختلفی از رومی و عربی، که توسط اسکندر مقدونی و مسلمانان وارد ایران شدند، تا آذری و ترکی، و تالجه های مختلف در دل این تاریخ طولانی وارد شده، رشد کرده و با تغییر و تطور تاریخی به اینی که اکنون هستند رسیده اند.

تاریخ و سرگذشت جمعی ما همینی است که میدانیم. نیازی نیست برای تقویت فرهنگهای داخل این تمدن به رد و نفی دیگری بپردازیم، نیازی هم نیست که بر برتری یا قدرت هر کدام تاکید کنیم. باید همه را حفظ کنیم چون تمام فرهنگها و زبانهای وارد شده، تکه های پازلی هستند که اکنون هویت ماست.

همچنان که در اقلیم های مختلف، به جهت حفظ ارتباط نسلیها با گذشته شان به آموزش زبان و فرهنگ آن بوم نیاز است، به شکل موازی، به آموزش زبان رسمی و شناسازی با تاریخ تمدن ملی ایران هم نیاز است.

”جهانی بیندیشیم و وطنی عمل کنیم“ چون چاره ای جز این نداریم. در جهانی زیست می کنیم که یک واحد یکپارچه را می سازد. در این واحد کل نمی توان به تنهایی و در جزیره ای منزوی زیست امانی توان ملیت و هویت ملی نیز نداشت. چاره ای نداریم که حول یک ملیت متحد شویم. حال بحث بر سر اینکه کدام ملیت لایق است و کدام ناشایست، به وضوح کاریست ناشایست و نالازم چون هر چه هست، تاریخ فراهم آورده و ما را یارای آن نیست که تاریخ را دوباره بسازیم.

مسئله ی ما دیروزمان نیست، فردا و فرداها مسئله ماست. گذشته امری ست معدوم و نیست شده، آینده رازیست که مجبوریم بسازیمش. پس اکنونمان را صرف آنچه دیگر نیست نکنیم، راز فردا را بگشاییم.

از ایدئولوژی ایرانیان و احیاء فلسفه ی ابن رشد، به عنوان آخرین سنگر اصیل عقل عربی! شد.

جابری به وضوح از عبارت ”عقل عربی برای بیان مفهوم فرهنگ اصیل اسلامی استفاده می کند چون همچون اسلافش معتقد است که زبان عربی و نژاد عرب، به سبب میزبانی دین اسلام بر دیگر زبانها و نژادها برتری ذاتی دارد.

گرچه جابری به ایده هایی از بوعلی سینا اشاره کرده که رنگ و بوی ایرانی و اسماعیلی آن این تردید را بوجود می آورد که آموزه های فلسفی فیلسوفان عمداً ایرانی با اصل دین اسلام تفاوتی دارد اما او و امثال او بر برهه ی مهمی از تاریخ چشم بسته اند که قابل اقماض نیست.

اگر پژوهش های گرانسنگ زرین کوب و آذرنوش را پیش چشم داشته باشیم، نمی توانیم کتمان کنیم که فرهنگ و تمدن اسلامی بدون ایرانیان به چنان عظمتی نمی رسد و نمی توانیم این واقعیت را نادیده بگیریم که انحراف اصلی در تفوق و سلطه ی خلافت اموی و عباسی، با ایدئولوژی و سیاست امپراطوری سازی عربی بوده. و گرنه، ادغام و امتزاج فرهنگی میان فرهنگ ایرانی و عربی غیر قابل اجتناب بوده، هر چند یکی بر دیگری سیطره ی نظامی یافته و سرزمینش را به اشغال درآورده باشد.

مرحوم آذرنوش در دیگر آثار و پژوهش هایش، مورد به مورد، تاثیرات فرهنگ ایرانیان را در فرهنگ قبل و بعد از اسلام نشان داده. چندین مفهوم، عبارت و لغت را که از ایرانیان وام گرفته شده و حتی در متن قرآن نیز به کار برده شده، نام برده و سیر کاربردشان را نشان داده است.

تردیدی نیست که مصاف و چالش ایرانیان و زبان فارسی با عربها و زبانشان، اصلی ترین مواجهه و چالش حکومت مسلمانان بوده. اثبات این مدعا دشوار نیست. فقط کافی ست که نظری به کشورهای مسلمان بیندازیم و ببینیم که جملگی زبان اصیل خود را وا نهاده و زبان عربی را به کار برده اند و به همین سبب، با هویت اصیل تمدنشان گسست و جدایی یافته اند.

آذرنوش، زرین کوب یا حتی شاهرخ مسکوب و بسیاری دیگر، اگر از تاثیر زبان و تمدن فارسی و ایرانی دفاع می کنند، قصد مقابله به مثل با اعراب را ندارند. یعنی نمی خواهند که برای رد برتری نژادی و زبانی عربها، به اثبات برتری فارس و فارسیان بپردازند. اینان، همانگونه که فردوسی بزرگ بدون تعصب در بکارگیری مفاهیم اسلامی به احیاء اسطوره های ایرانی مباردت نمود، تاثیر اسلام و زبان رسمی آنرا نه انکار می کنند و نه در تلاشند که کم اهمیت بنمایانند.

زبان و فرهنگ ایرانیان، مانند هر زبان و تمدنی، فراز و نشیب های فراوانی را از سر گذرانده. ساده لوحی و تنگ نظری ست که با در کار هم نهادن ابتدا و انتهای این رشته ی طولانی از تاریخ، توجه ها را به تفاوت این دو سر طیف جلب کنیم و از آن دوگانگی و دیگر بودگی فارسی پهلوی و فارسی دری امروزین را استنتاج کنیم.

هدف آنگونه پژوهشها و اینگونه جستارها دفاع از اصالت یک تمدن یارد اصالت دیگری نیست. با شناخت وقایع تاریخی تمدنی و تحلیل و قبول بی تعصب آنها است که می توان به شناخت و تقویت هویت ملی مدد رساند.

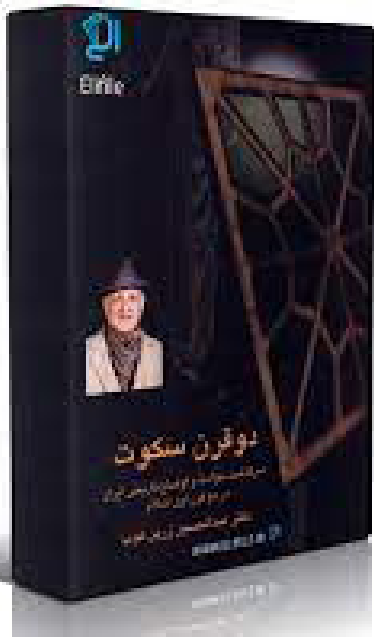
آنچه در خوانش تاریخ کشورمان پیدا و بدیهی ست این است که کشوری به نام ایران بوجود آمده و زبانی به نام فارسی زبان رایج آن



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳





# جمعه



## کارکرد نظم



عباس امامی



نضج روشنفکری شد عباس میرزا از اولین روشنفکرانی است که او را به فکر چرایی عقب ماندگی از غرب انداخت او چاره را در آموختن دست آوردهای فرنگ دید و با اعزام دانشجو به دیار غرب سعی بر جبران عقب ماندگی ایران داشت مرگ زود هنگام او این روند را کند و بعضا معطل گذاشت.

رویکرد غرب گرایی در زمان ناصرالدین شاه به اوج رسید بخصوص با سفرهای ناصرالدین شاه و مظفر الدین شاه به غرب این شناخت و عطش دل بستگی را بیشتر شعله ور کرد نظم مستقر سنتی در مواجهه با نظم در حال رشد و دگرگونی غرب که همراه با پیدایش و گسترش نظریات جامعه شناسی، سیاست و اقتصاد بود روشنفکران ایرانی را دچار سردرگمی کرد نظریات جدید در غرب همپای صنعت و سیاست های استعماری غرب در حال رشد، تغییر و گسترش بود بسط این نظریات در جامعه سنتی ایران عملا بلا موضوع میشد و از طرفی با درب بسته دربار و روحانیون

مولفه نظم در جوامع بدنبال دستیابی به چهار عامل مهم و تاثیرگذار است:

- هم بختی و همسویی که نفع مشترک در پی دارد
- سازش همگانی
- همفکری و درک متقابل

- همدلی و وفاق که انسجام ملی را شکل میدهد

نظم فعلی بعد از تشکیل حکومت صفویان بر اساس هویت شیعی در ایران شکل گرفته است هر چند در گذرگاه زمان دستخوش تغییرات شد ولی نظم مبتنی بر پایه مذهب و سنت هنوز کار کرد دارد.

بعد از جنگهای ایران و روس و نقش اساسی علمای وقت در گسترش و بروز جنگ دوم که منجر به پیمان ترکمنچای شد این نظم دچار خلل گردید که جنبش باب از دست آوردهای اعتراض به نظم موجود بود از طرفی دیگر شکست از روس ها موجب رشد و



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳



روبرو شد بطوریکه جنبش های روشنفکری گارد پنهان گرفتند و به فراموشخانه رفتند.

مخالفان نظم مستقر تنها راه برون رفت از وضعیت موجود را غربی شدن و استفاده از مواهب پیشرفت در همه زمینه های علمی، فرهنگی و صنعتی میدانستند. سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا در بروز این خواسته ها بی تاثیر نبود هر چند خودش در کشاکش این سنت و مدرنیته وامانده ای شد که نه میلش به تقسیم قدرت بود و نه شیفتگی اش از غرب قابل پنهان هر چند با وصله و پینه تا جائیکه به ساحت ملوکانه آسیبی نرساند مواهب غربی را رواج داد بخصوص هنر موسیقی و عکاسی علیرغم مخالفت علما مدیون تلاش های اوست.

چربش قدرت در زمان مظفر الدین شاه بسوی روشنفکران بود و با امضای فرمان مشروطیت قبح و عظمت شاهی فرو ریخت و فرمان مظفر پایه های نظم مستقر از زمان صفویه را باز تعریف کرد و ملت در اداره کشور سهیم شدند آنچه نباید از چشم دور بماند همراهی علمای وقت نجف همچون میرزای نائینی و آخوند خراسانی به همراهی بعضی علمای ایران است علمای نجف نه میدانستند و نه بنا داشتند نظم موجود را بهم بریزند هر چند که بعد از پادار کشیدن شیخ فضل الله دست از سیاست شستند و کتاب را به آب سپردند (تنبیه الامه و تنزیه المله) ولی جنبش روشنفکری همچنان پویا و ثابت قدم برای تغییر در نظم موجود به فعالیت ادامه داد.

حاصل تغییر در نظم مستقر قبلی و عدم استقرار موثر نظم جدید، انقلاب مشروطه امرغانی جز هرج و مرج و شکاف در گسل های قومی نداشت بطوریکه کیان کشور بخطر افتاد لذا روشنفکران وقت بدنبال ابرمردی که بتواند وضعیت موجود را سامان دهد رخت پادشاهی را به قامت رضا شاه دوختند.

نظم رضاشاهی بریده از نظم سنتی و شیفته نظم جدید با آموزه های غربی بود روشنفکرانی چون سیدضیاء، تیمور تاش، فروغی، داور و نصرت الدوله فیروز، همه آمال و آرزوهای خود را در قامت نظم رضاشاهی دیدند هر چند که بعضی در پای نظم نوین جان باختند و برخی کنج عزلت گزیدند تا بوقت مقتضی سر بر آرند.

نظم رضاشاهی که بر اساس باستان گرایی و ناسیونالیسم ایرانی شکل گرفته بود نتوانست هویت شیعی ایران را که ریشه در سنت داشت عقب براند هر چه زمان می گذشت سرکوب جامعه سنتی شدت می گرفت ولی مقاومت جامعه سنتی در برابر نظم جدید پایان نیافت. جنگ جهانی دوم استمرار نظم نوین را کند و برای سالها به تعویق انداخت مرگ رضا شاه باعث نشد استقرار نظم جدید به فراموشی سپرده شود هر چند باز گشت به سنت همچنان در زیر پوست جامعه در جریان بود بعد از حوادث ۲۸ مرداد استقرار نظم جدید با قدرت ادامه یافت در دهه چهل اوج شکوفایی اقتصادی ایران بار شد حیرت انگیز دورقمی بود جریان روشنفکری به همراه روحانیت به زعامت امام خمینی بحث باز گشت به

خویشتن را مطرح کردند. گرایش های چپ اسلامی و روحانیون به رهبری جلال آل احمد و شریعتی خواستار رجوع به نظم سنتی شدند و عامل همه مشکلات را نظم نوین غربی می دانستند این جریان بقدری قوی بود که در دهه پنجاه دانشگاه های کشور را که مظهر نظم نوین بود فرا گرفت. جریان انقلاب با یارگیری از توده های شهری و روشنفکرانی که سالها از مواهب نظم جدید بهره برده بودند خواستار بازگشت به نظم قبلی شدند نظم نوین علیرغم دست آوردهایش نتوانسته بود انسجام و وفاق ملی ایجاد کند با انقلاب ۵۷ جای خود را به نظم جدید مبتنی بر هویت مذهبی داد.

نظم جدید به همراه شور انقلابی همه مولفه های وفاق، سازش، همفکری و نفع مشترک را دارا بود و اوج آن را در جنگ هشت ساله به نمایش گذاشت.

نظم جدید برخاسته از حوزه های دینی بود بالطبع باید در برابر دگرگونی و تغییرات سریع خود را منطبق کند بمرور زمان نظم مستقر در برابر نظریات و فن آوری های جدید قابلیت های خود را از دست داد نظم های مستقر باید توانایی تغییر و همراهی با تحولات جامعه را داشته باشند در غیر این صورت کار کرد خود را در جهت سامان بخشی جامعه از دست می دهند.

در صورتیکه نظم مستقر و زیرسیستم های آن نتواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد بمرور زمان جامعه بسمت ناپهنجاری می رود. واکنش معمول حاکمیت در این مواقع تقویت سیستم های کنترلی است و جامعه نیز با سرپیچی از هنجارهای بیرونی و ایجاد توسط حاکمیت، آنها را پس می زند لذا هزینه های اداره جامعه افزایش پیدا می کند

سرعت تحولات معمولاً آنقدر زیاد است که هنجارهای موجود قابلیت پاسخگویی و انطباق خود را از دست می دهند شیوع هنجارها و ارزش های جدید قبل از رسوب در جامعه جای خود را به هنجارهای بعدی می دهند.

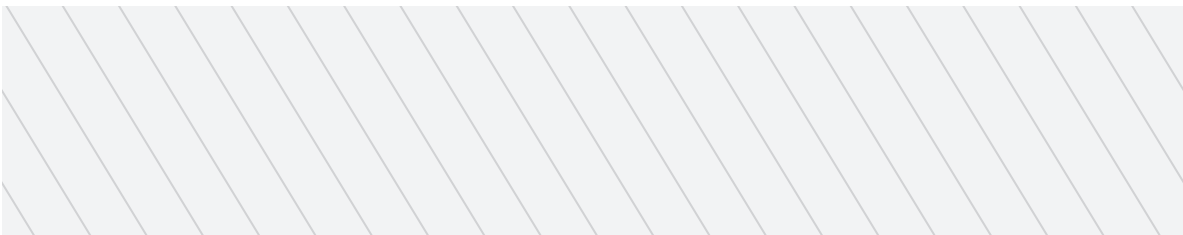
آنچه موجودیت و کارکرد هنجارهای موجود را تحت تنگنا قرار می دهد تحولات بزرگی همانند: - تغییرات فن آوری، جنگ، افزایش جمعیت و حوادث بزرگ است.

- عامل دیگر اجبار به همنوایی توسط حاکمیت در رعایت هنجارها است اگر رعایت هنجارها مبتنی بر اجبار و داوطلبانه و درونی نباشد جامعه دچار اختلال می شود.

- عامل دیگر که باعث برهم خوردن نظم مستقر می شود عدم اجماع همگانی روی ارزش ها و هنجارها است.

- ضعف گرایش های دینی و اخلاقی از مهمترین عوامل اختلال در نظم موجود شمرده می شود.

اگر جامعه با تقاضا و نیازهای جدید مواجه شود و نهادهای موجود قادر به پاسخگویی به خواسته ها نباشد سرپیچی از نواهی حکومت آغاز می شود.



# حلقه مفقوده شفافیت



زهره رحیمی

RAHIMI\_ZOZO2003@yahoo.com



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

و بنیادی ترند و الزام و تعجیل در رسیدگی به مشکلات را بیشتر دارای اولویت می کنند. از مصائب نیروهای بهداشت و درمان این روزها شنیده اید، اضافه کاری های بسیار نازل که حتی هزینه رفت و آمد به مرکز را نیز تامین نمی کند. عدم امنیت شغلی و تبعیض جدی در روند استخدام و گزینش افراد. شرایط کاری بسیار پر مشقت و پرفشار با انواع تنش های اضافه ای چون مدیریت کمبود منابع یا اجبار در کار کردن با قلام بشدت بی کیفیت. بیگانگی پرستاران و ماماها و... با اصالت و ماهیت اصلی شغل و حرفه خود. ناامکانی مدیریت مشارکتی و جدال روزانه با انواعی از اتوماسیون های تحت وب که هر نقشی ایفای می کنند جز تسهیل و تسریع امور. مواجهه با انواع و اقسام موازین دست و پا گیر و فلج کننده بیمه ای. تبعیض های غیر قابل توجیه دریافتی و مزایا که حالا به دلایل نامعلومی، راهش را بین پرسنل هم رده و هم شغل نیز بشکل ناخوشایند و نامتعارفی گشوده است. فقدان یک تشکیلات صنفی خود بنیاد با نظام اتحادیه ای برای پشتیبانی تمام قده و دائمی از حقوق نیروها تا رسیدن به هدف، و محدودیت و معذوریت نهادهای موجود در پیگیری و رسیدگی و اعمال فشار.

از این قصه پر غصه که بگذریم، چنانچه همتی برای ترسیم مسیر برون رفت از بسیاری مسائل داریم چنانچه می خواهیم گام دقیق و درستی در این راستا برداریم، شفافیت اداری، شفافیت مکانیسم های تصمیم گیری و امور اداری - مالی در محورهایی چون استخدام و جذب، ارتقا و نمره دهی و دریافت و پرداخت ها، می تواند پیشنهاد سازنده ای روی میز تصمیم سازان این نظام به حساب آید که علیرغم هزینه های بالای آن، چشم انداز بسیار روشنتر و امیدوار کننده تری را در درازمدت ترسیم می کند.

اعتراضات صنفی پرستاران ویژه امروز و دیروز نیست، مشابه بسیاری از حوزه های خدماتی، نیروهای حوزه سلامت هم سالهاست که از برخی شرایط و قوانین و مناسبات جاری در این نظام، گله مند هستند و رویه نظام سلامت را نیز در مواجهه با مطالبات و درخواست های خود نمی پسندند یا کار آمد نمی بینند. آنچه هویدا است اینکه چند ماهی هست که وضعیت ناراضی ها، با نمای دیگری در حال ظهور و بروز است. از گوشه و کنار دنیای اخبار و رسانه های شنوید که در بسیاری از شهرها پرستاران و کادر ناراضی درمان، برای نشان دادن ناخشنودی خود، پایه خیابان گذاشته اند و فریادهای خود را در حضور جامعه و در عرصه عمومی تری مطرح می کنند. کار به جایی رسیده که برخی از این نیروها دست به اعتصاب و پرهیز از کار زده اند. هر چند در حوزه سلامت بخاطر ماهیت کار و لزوم ارائه خدمات حیات بخش اورژانسی، نیروها هرگز نمی توانند بطور صددرصدی دست از کار بکشند. اما جلوه اعتصابات به حد و مرزی رسید که حتی ارباب جوعان و بیماران نیز درگیر این شکل از اعتراضات نیروهای بهداشتی درمانی شوند. در این مقال، همانطور که فرصت کافی برای مرور تاریخچه ظهور و بروز این مسائل را نداریم، امکان یک مواجهه موشکافانه به معضلات و مشکلات و گرفتاری های پرستاران و نیروهای مشابه را نیز نداریم. نگارنده بعنوان یک پرستار در این یادداشت بسیار کوتاه، بر آنچه تاکید و اصرار دارد، اجرا و تحقق یک اصل کلیدی برای گشودن مسیر برون رفت از این غائله هاست. و آن اصل کلیدی، چیزی نیست جز شفافیت اداری - مالی در نظام سلامت. مشکلات در ساختارهای دولتی و در سطح پرسنلی، تقریباً مشابهت های زیادی به هم دارند. اما برخی سازمان ها از برخی دیگر حیاتی تر و کلیدی تر





# «چند بحران اجتماعی مهم در ایران امروز»



علی مجدم

mailto:Mo.mojdadamali@yahoo.com

سیاست زدگی و تبعیض ایدئولوژیک، گستاخی مدیران و متولیان ناشایست و خائن به حقوق مردم و زیست بوم این سرزمین، تکرار فسادهای گسترده سیستماتیک، عدم برخورد با آن و پاسخ گونبودن حاکمیت در قبال آن‌ها؛ بی‌اعتمادی میان جامعه و حاکمیت را از تقابل به شکاف رسانده و این واقعیتی است انکارناپذیر که نپذیرفتن آن تنها اصل مسئله را عمیق‌تر می‌سازد.

## عدم مقبولیت سیاست خارجی در نزد مردم:

داده‌ها و مشاهدات میدانی بروز داده شده در میدان کنش و مطالبات عمومی نشان می‌دهد که بیشتر مردم با ارزش‌های سیاست خارجی حاکمیت، هم‌دل و همراه نیستند. و همین انحراف در مقبولیت شاخص‌های سیاست خارجی نظام نزد جامعه، تولیدکننده اضطراب و نگرانی از سایه‌ی بروز تنش و منازعات منطقه‌ای و جهانی در میان ایرانیان است.

## ابهام در آینده زندگی در ایران:

آن‌چه در چهار بحران بالا ذکر شد، خود آسیب و بحران بزرگ‌تر و عمیق‌تری را بنام ابهام در آینده و ناامیدی فردی و اجتماعی در ادامه‌ی زندگی با ویژگی کنونی و در این سرزمین ایجاد کرده است. ابتلا به انواع آسیب‌های فردی و اجتماعی چون: اعتیاد، قتل، سرقت، خودکشی، افسردگی، پرخاش‌گری، درگیری، قانون شکنی، تظاهر و ریا، دروغ‌گویی و انواع بیماری‌های مختلف جسم و روان، مهاجرت و فرار ناخواسته و اجباری از این کشور؛ بخشی از پیامد این ابهام و ناامیدی است.

پس از رأی گیری اخیر و آغاز بکار رییس جمهور دولت چهاردهم، وی و تیم همراهش با چند بحران اجتماعی مهم در کشور روبرو هستند. **فقر روزافزون:**

آمار و داده‌های کارشناسان و مراکز داخلی هم‌چون مرکز پژوهش‌های مجلس، نشان از افزایش فقر در همه ابعاد زندگی ایرانیان است. درمان سلامت جسم و روان، مسکن، خوراک، آموزش، و رفاه بسیاری از خانواده‌های ایرانی بشدت از این فقر روزافزون نابود شده است. این نابودی و مرگ زندگی در حاشیه‌ی کلان شهرها و شهرهای استان‌هایی با شاخص فلاکت اقتصادی، از شدت بیشتری برخوردار است.

گروه‌هایی نیز که از فقیرتر شدن مستمر، آسیب بیشتری دیده و در معرض خطرات جدی هستند عبارتند از: بازنشستگان، کارگران، معلولان، افراد دارای مشاغل غیررسمی و روزمزد.

## انسداد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی:

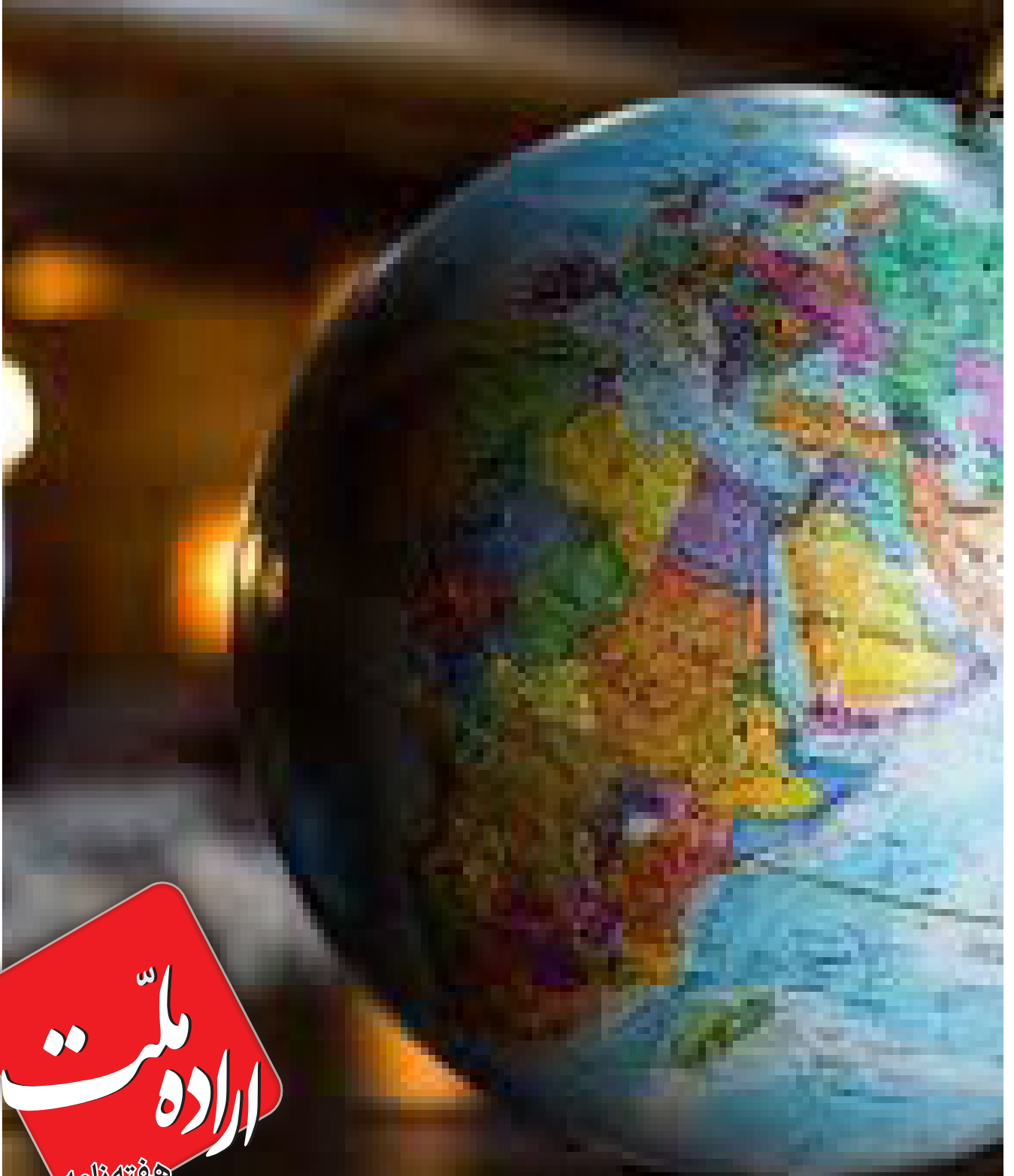
سرکوب منتقدان و معترضان گروه‌های مختلف جامعه و احزاب، اصرار و تداوم منازعه با زنان در همه‌ی عرصه‌های زیست فردی و اجتماعی و کنترل و تبعیض و محرومیت آنان از حقوق شهروندی، سانسور و غیریت انگاری در عرصه‌ی هنر و نهاد آموزش و رسانه، و تداوم سیاست راهبردی تقسیم جامعه به خودی و غیر خودی؛ جامعه‌ی ایران را در شرایط ناآرام و آماده‌ی اعتراضات و مطالبات فروخورده و سرکوب شده، قرار داده است.

## بی‌اعتمادی و شکاف جامعه و حاکمیت:

برگزاری دور رأی گیری مجلس و ریاست جمهوری به فاصله‌ی سه ماهه و کمیت و کیفیت کنش ایرانیان در این دور خداد، گواه خوبی برای سنجش شاخص اعتماد و سرمایه اجتماعی حاکمیت در نزد مردم ایران است.



# بين الملل



# جهان در هفته‌ای که گذشت

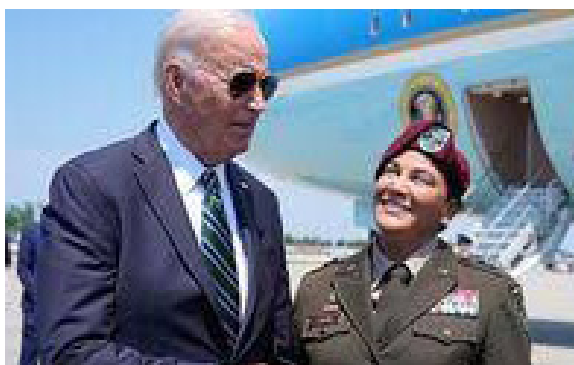


مهتاب قصابی

pajuhaneh@znu.ac.ir

## پایان جنگ غزه؛ اسرائیل معامله با عربستان را می‌پذیرد یا تن به شرایط ایران می‌دهد؟

## استراتژی جدید نظامی روسیه؛ تحلیل قوای ارتش اوکراین در جنگی «فرسایشی»



با این وجود اوکراین در کنار این پیشرفت‌ها، با چالش‌های جدی مانند نرخ بالای فرسایش نیرو و کمبود مهمات بویژه در بخش‌های توپخانه، دفاع هوایی و قابلیت‌های حمله دوربرد روبروست. پنتاگون نیز در ارزیابی حمله اوکراین به کورسک، اگرچه دستاوردهای این عملیات را قابل توجه می‌داند اما بر این نکته تأکید دارد که مشکلات فرسایشی همچنان باقی است.

دفتر بازرسی کل پنتاگون به تازگی در گزارشی، مجموعه‌ای از ارزیابی‌های آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا درباره روند جنگ در اوکراین را منتشر کرده است.

در این گزارش آمده است: «نرخ فرسایشی پهبادهای ارتش اوکراین همچنان بالاست و نیروهای اوکراینی با کمبود مهمات بویژه توپخانه، دفاع هوایی و قابلیت‌های حمله دوربرد، برای غلبه بر مزیت‌های هوایی و زمینی روسیه روبرو هستند.»

تهاجم به کورسک، یک اقدام استراتژیک برای دور کردن نیروهای روسیه از جبهه‌های شرقی اوکراین تلقی می‌شود و این امکان را نیز برای اوکراین فراهم کرده تا در منطقه ابتکار عمل داشته باشد.

اما این درگیری همچنان یک نبرد «فرسایشی» است زیرا اگرچه نبرد کورسک باعث شد روسیه نتواند به پیشروی‌هایش در شرق اوکراین ادامه دهد، اما همچنان دارای نیروی کافی برای حفظ سرزمین‌هایی است که در خاک اوکراین اشغال کرده است.

به گزارش یورونیوز مورخ ۲۰۲۴/۰۸/۱۳ این معامله بزرگ می‌توانست تحولی عظیم در منطقه ایجاد کند. با این توافق، احتمالاً شش کشور عربی و اسلامی دیگر و شاید هم شمار بیشتری از کشورهای منطقه روابط خود را با اسرائیل عادی می‌کردند. این اتفاق، به مراتب بیش از پیمان ابراهیم میان اسرائیل و کشورهای عربی، نقشه سیاسی منطقه را دستخوش تحول می‌ساخت.

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل بنا به ادعای خبرنگار جرزالم پست چندین ماه است که معامله با عربستان را به‌طور مکرر رد کرده است. دلیل این موضوع محل بحث و مناقشه است؛ برخی می‌گویند که او خواهان توافق است اما منتظر روی کار آمدن دولت جدید آمریکا به ریاست دونالد ترامپ است تا بتواند از طریق روابطی که با وی دارد شرایط بهتری را برای اسرائیل در مذاکرات رقم بزند.

برخی معتقدند که بنیامین نتانیاهو حاضر نیست حتی عبارت «دولت فلسطینی» به زبان بیاورد، حتی اگر این عبارت طی سال‌های آینده در عمل الزام عملی چندانی در پی نداشته باشد.

برخی دیگر نیز می‌گویند که نخست‌وزیر اسرائیل قصدی برای پایان دادن به حملات علیه حماس ندارد زیرا او یا به واقع معتقد است که حتی به بهای اعتبار جهانی‌اش باید غزه را برای چند سال هم که شده تحت اشغال نظامی قرار داد و یا آنکه می‌ترسد در صورت پایان یافتن جنگ توسط وزرای افراطی کابینه‌اش همچون اسموتریچ و بن‌گورین سرنگون شود.

**راست‌ها هم نتوانستند خشونت‌ها را کنترل کنند؛ باندهای مواد مخدر چگونه شهرهای سوئد را ناامن کرده‌اند؟**



روز ۲۲ ژوئیه یک فرد سیاه پوش در محله ژنتا در شهر سوئد تلبه در سوئد یک نارنجک دستی را درون مغازه‌ای پرتاب کرد که در اثر آن چندین نفر مجروح شدند و یک زن ۵۰ ساله به صورت هوایی به بیمارستان منتقل شد. این آمار بالا نشان می‌دهد که دولت کریسترسون کارهای زیادی برای انجام دادن دارد. این کشور حالا در تلاش است تا به تشدید خشونت‌ها واکنش نشان دهد چرا که این گروه‌ها برای کنترل بازارهای پرسود مواد مخدر محلی با یکدیگر می‌جنگند. آنها نگران بودند به محض اینکه پلیس منطقه را ترک کند، خشونت‌ها مجدداً سر باز کند. کارشناسان می‌گویند که دولت باید قبل از انتخابات بعدی در سال ۲۰۲۶ اقدامات مثبتی انجام دهد و نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که این مسئله دغدغه اصلی همه رای‌دهندگان است.

**امیدواری بایدن به انصراف ایران از حمله به اسرائیل با آتش‌بس در غزه؛ شروط نتانیاهو و تعویق سفر بلینکن**



جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، روز سه‌شنبه ۱۳ اوت (۲۳ مرداد) گفت انتظار دارد در صورت دستیابی به توافق آتش‌بس در غزه، ایران از حمله احتمالی به اسرائیل خودداری کند. رئیس‌جمهور ایالات متحده در پاسخ به این سوال که آیا انتظار دارد ایران در صورت دستیابی به توافق آتش‌بس از حمله تلافی‌جویانه خود به اسرائیل خودداری کند، گفت: «این انتظار من است. مطابق اعلام کاخ سفید قرار است دو عضو امنیت ملی ایالات متحده به منظور دستیابی به توافق آتش‌بس راهی خاور میانه شوند. نشریه نیویورک تایمز گزارش کرده که هر چند تا کنون آقای نتانیاهو بیشتر تقصیر شکست در مذاکرات آتش‌بس را به گردن حماس انداخته است، با این حال خود او در اواخر ماه ژوئیه فهرستی از شروط سختگیرانه جدیدی را به میانجی‌گران آمریکایی، مصری و قطری منتقل کرده است که می‌تواند کار را برای حصول یک توافق دشوار کند.



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

**اتحادیه اروپا اعزام مربیان نظامی به اوکراین را توصیه نمی‌کند**



هفته نامه آلمانی «ولت آم زونتاک» روز شنبه با انتشار گزارشی در این خصوص اعلام کرد که سرویس دیپلماتیک اتحادیه اروپا ضمن خودداری از توصیه برای اعزام مربیان نظامی به اوکراین، از کشورهای عضو خواسته است تا مأموریت آموزشی نظامی پیش‌بینی شده در این راستا را با نیازهای کی‌یف تطبیق دهند.

مأموریت کمک نظامی اتحادیه اروپا برای حمایت از اوکراین، موسوم به «ای‌یومام» از نوامبر ۲۰۲۲ آغاز به کار کرد و طی آن حدود ۶۰ هزار سرباز اوکراینی عمدتاً در لهستان و آلمان آموزش دیدند.

این مأموریت قرار است پس از پایان دوره فعلی که برای اواسط نوامبر پیش‌بینی شده، دو سال دیگر تمدید شود.

در گزارش هفته نامه آلمانی «ولت آم زونتاک» با اشاره به بررسی این مأموریت توسط سرویس دیپلماتیک اتحادیه اروپا به نقل از مسئولان این سرویس آمده است: «ضروری است که سربازان AFU (اوکراین) را با همان تجهیزات آموزش دهیم که بعداً در نبرد از آنها استفاده خواهند کرد.»

**ستاد انتخاباتی دونالد ترامپ: ایران اسناد داخلی ما را هک کرده است**



پیش از این کارشناسان مایکروسافت در روز جمعه اعلام کرده بودند که هکرهای مرتبط با حکومت ایران در ماه ژوئن کوشش کرده‌اند تا به حساب یک «مقام عالی‌رتبه» در کارزار انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده نفوذ کنند. اواخر روز شنبه، دونالد ترامپ در حساب خود در شبکه اجتماعی «تروث سوشیال» گفت این شرکت به تازگی به ستاد انتخاباتی آن‌ها اطلاع داده که ایران یکی از وبسایت‌های انتخاباتی‌شان را هک کرده است. در واکنش به این ادعاها نمایندگی دائم ایران در سازمان ملل متحد در نیویورک با رد اعتبار گزارش‌ها درباره هک ستاد انتخاباتی ترامپ اعلام کرد: «حکومت ایران نه قصدی برای مداخله در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده دارد و نه دارای انگیزه‌ای در این خصوص است. در ماه ژوئیه مقامات اطلاعاتی ایالات متحده از یک توطئه ترور علیه دونالد ترامپ از سوی ایران خبر داده بودند.

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳



# رؤیای فلسطین



کوروش الماسی



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

«منافع ملی» است. نکته‌ای که به ندرت به طور شفاف اذعان می‌شود، این است که «روابط بین الملل فاقد اخلاق و نظم حقوقی است». به عبارتی عرصه روابط بین الملل «میدان تقابل و نبرد» بر سر منافع ملی است. نکته درخور توجه اینکه در جهان خرد، دانش و فناوری بنیاد معاصر، دولت‌ها سازو کار و سازمان اجرای قوانین ملی (قانون اساسی) در عرصه‌های داخلی و خارجه هستند. به بیانی کاربردی، دولت‌ها ذاتا سازو کارها و ساختارهای حقوقی هستند و اخلاق در حیطه وظایف دولت‌ها نیست، نکته‌ای مغفول نزد برخی حامیان مسئله فلسطین این است که توجهی به این حقیقت که مسئله حمایت از موضوع فلسطین یک موضوع اخلاقی و نه حقوقی است، ندارند.

۲- در راستای فهم کاربردی وظایف ذاتی دولت‌ها، تبیین مختصری از تفاوت مفاهیم قانون و اخلاق ارائه می‌شود. هم قانون و هم اخلاق معطوف به «رفتار (انسان‌ها) درست و نادرست» است. تنها تفاوت رفتار اخلاقی با رفتار قانونی، این است که رفتار اخلاقی جنسی فردی مبتنی بر درک فردی پدیده‌ها، امور و شرایط است.

امر پنهانی نیست که برخی امور و موضوعات از نظر کاربردی و منطقی اهمیتی بنیادی دارند. بنیادی به این معنی که یک موضوع اجتماعی یا سیاسی می‌تواند سرچشمه بسیاری از وقایع دیگر یا به عبارتی اثر «دومینو افکت» بر وقایع بی‌شمار دیگر داشته باشد. یکی از موضوعاتی که بی‌شک وقایع بسیاری در کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، مناقشه یا مسئله فلسطین است. بدون تردید مناقشه فلسطین و اسرائیل نه تنها طولانی بلکه معمایی و رازآلودترین معضل منطقه‌ای و جهانی است. معماگونه به این دلیل که معمولا مناقشات و چالش‌های بین المللی، صرف نظر از اینکه طرفین مناقشه کدام کشورها باشند، بعد از مدتی مدیریت و پایان می‌گیرند. یقینا پرداختن به آن و درک مبانی مناقشه بسیار فراتر از توان و مجال یک موجز است. با وجود این و به دلیل اهمیت و تأثیری که این مناقشه بر «شرایط ملی» برخی کشورها و مناسبات برخی کشورهای دیگر دارد، نکاتی کلی و مختصر درباره «درک کاربردی» این مناقشه ارائه می‌شود.

۱- روابط بین الملل عرصه رقابت بی‌رحمانه برای کسب و تحقق

فلسطین کمک کنند؟

به گواه همه وقایع تجربی از زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تا به امروز (وقایع جاری غزه) می توان ادعا کرد که «رؤیای ایجاد کشور فلسطین» نه از طریق خشونت، بی ثباتی و جنگ، بلکه از طریق صلح و ثبات ممکن و میسر است. به این دلیل ساده که تنش و جنگ، هدف و خواست اسرائیل و آمریکا برای غارت منابع، ذخایر و ثروت های طبیعی خاورمیانه است.

اگر انحرافی بودن مناقشه فلسطین-اسرائیل را بپذیریم، نتیجه گیری اجتناب ناپذیر این خواهد بود که کشورهای خاورمیانه «هیچ تضاد منافی» که موجب این همه اختلاف، نزاع، بی ثباتی و هزینه های گزاف ملی شود، ندارند. به کلی ترین بیان «تضاد منافع معطوف به به خطر افتادن منافع فردی، گروهی و ملی به دلایل گوناگون است». چرا کشورهای خاورمیانه با منابع و ذخایر سرشار طبیعی، فرهنگ و تاریخ مشترک، روابط چند هزار ساله و... باید با یکدیگر تضاد منافع داشته باشند؟

بنابراین ایجاد مؤسسه صلح خاورمیانه می تواند اولین گام برای حل و فصل مناقشه فلسطین-اسرائیل، از طریق مدیریت انواع تنش ها و اختلافات (وارداتی و تحمیل شده) میان کشورهای خاورمیانه باشد. «تحقق رؤیای کشور فلسطین نه با جنگ» بلکه با ایجاد روابط نزدیک اقتصادی به عنوان مثال از طریق پروژه های مشترک اقتصادی، فرهنگی، علمی صنعتی و... و حتی متصل کردن اقتصاد کشورهای خاورمیانه به یکدیگر به منظور تنش زدایی در خاورمیانه است. تسهیل و توسعه گردشگری میان کشورهای خاورمیانه راهکاری کم هزینه برای نزدیک تر شدن اهالی خاورمیانه است و...

نکته درخور توجه برای حامیان صادق رؤیای فلسطین اینکه دیپلماسی تدبیر کاهش هزینه جنگ است. «در مسئله فلسطین»، «جنگ هزینه کمتری از دیپلماسی برای اسرائیل دارد»، به عبارتی «جنگ و بی ثباتی برای اسرائیل و آمریکا سودمندتر از صلح و ثبات است». در حالی که «دیپلماسی هزینه کمتری از جنگ برای فلسطین و حامیان اخلاقی فلسطین خواهد داشت». به عبارتی، صلح و ثبات و نه جنگ، بی ثباتی و آشفتگی، ابزار تحقق رؤیای فلسطین است.

در حالی که رفتار قانونی، جنسی جمعی و مبتنی بر درک جمعی (خرد جمعی) پدیده ها، امور و شرایط است. به عنوان مثال اینکه تصمیم بگیریم با خودروی شخصی، اتوبوس، قطار یا هواپیما به مسافرت برویم، یک رفتار (تصمیم) فردی است. اما الزام به رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، زمانی که با خودروی شخصی در شبکه جاده ای تردد می کنیم، یک رفتار (قانون) جمعی است. به تعبیری، سیاست و قانون پدیده هایی کاربردی هستند، اما اخلاق یک نظر یا دیدگاه (روان شناختی) درباره چگونگی بودن یا نبودن پدیده ها، امور و شرایط است. معمولا امور اخلاقی ضرورت آنی محسوب نمی شوند، اما سیاست ها و قوانین ضرورت های آنی به این معنی که رفتار، امور و شرایط باید طبق قوانین به شکل خاصی ظهور و بروز پیدا کنند، محسوب می شوند. اگر «تفاوت ذاتی و جنسیتی» قانون و اخلاق را بپذیریم، آن گاه باید گفته شود که روابط بین الملل، عرصه پیگیری منافع (نیازها، آرزوها و اهداف) ملی و نه دیدگاه ها، آرزوها و تمایلات اخلاقی است.

۳- چرا مناقشه فلسطین-اسرائیل، بعد از دهه ها، خسارات گزاف انسانی و تلاش های بی شمار، حل و فصل نشده است؟ شفاف ترین و بدیهی ترین پاسخ این است که «آمریکا نمی خواهد»؛ چرا که حل و فصل مناقشه فلسطین-اسرائیل، یعنی صلح، ثبات و توسعه در خاورمیانه.

حال آنکه «صلح، ثبات و توسعه در خاورمیانه در تضاد آشکار با منافع آمریکا است». به این دلیل ساده و کاربردی که آشفتگی سیاسی در خاورمیانه کاربردی ترین و سودمندترین زمینه برای غارت منابع انرژی خاورمیانه از طرف آمریکا و دیگر انرژی خواران (غربی و شرقی) است. اگر تبیین کلی و مختصر مبانی مناقشه فلسطین-اسرائیل منطقی تلقی شود، آن گاه باید بپذیریم که مناقشه فلسطین-اسرائیل یک انحراف (نخودسیاه) از موضوع اصلی یعنی «آشفتگی و بی ثبات کردن عامدانه خاورمیانه» از طرف آمریکا و دیگر انرژی خواران غربی و شرقی است.

۴- راه های ممکن حل و فصل این مناقشه کدامند؟ به عبارتی چگونه «حامیان صادق» فلسطین می توانند به تحقق رؤیای



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

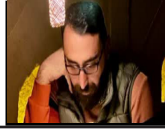
۳ شهریور سال ۱۴۰۳



# معرفی و پیشنهاد



## قلعه بهستان



امین حسین پور

aminhoseinpour@instagram



استان زنجان دیدنی های بسیار زیاد طبیعی و تاریخی دارد که قلعه بهستان یکی از جاذبه های خاص گردشگری این استان می باشد که هم از نظر تاریخی هم از نظر طبیعی گردشگران را محو تماشای خود می نماید.

قلعه بهستان یا کهن دژ همچون کوهی استوار و بلند قامت سایه ی خود را بر روی رود قزل اوزن در نزدیکی روستای بهستان شهرستان ماهنشان استان زنجان گسترانیده است. برخی بر این باورند که نام بهستان از واژه بغستان به معنای جایگاه خدایان گرفته شده است احتمالاً بهستان یک مکان مقدس و مهم در دوران پیشا اسلام بوده است. این دژ در دوره پس از اسلام و تا قرن پنجم نیز پابرجا بوده و کاربرد داشته است که از بخشهایی از آن به عنوان مکان تدافعی و مسکونی استفاده شده است.



البته تاکنون باستان شناسان پیشینه آن را با توجه به شواهد تا دوره ی هخامنشی اثبات نموده اند و همچنان تحقیقات ادامه دارد. این اثر دستکند مجموعه ای از فضاهای مختلف شامل پله ها، اتاقها، آغل ها و انبارهای ذخیره آذوقه است.

نمای بیرونی قلعه به شکل دیواره ای از ستون های دودکش مانند به هم پیوسته و تعدادی ستون جدا است که حفره های پایین قلعه، ظاهری مرموز بدان بخشیده است.

به دلیل همین شکل های مرموز و عجیب و دیواره ها و ستون های دودکش شکل برخی افراد محلی آن را با نام دودکش جن یاد می کنند برخی دیگر به آن نام تخت دیو داده اند.

در باور خرافی برخی محلیان دیو ها روی تخت سنگ های مسطح بالای ستون ها استراحت می کنند و رودخانه ی قزل اوزن و مراتع و دشت ها را نگاه بانی می کنند.

دیرینگی و تاریخ این قلعه به گفته ای تا دوره ی مادها میرسد و وجود روستای ماد آباد در ۱۵ کیلومتری آن نیز اشاراتی به این تاریخ کهن دارد



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳



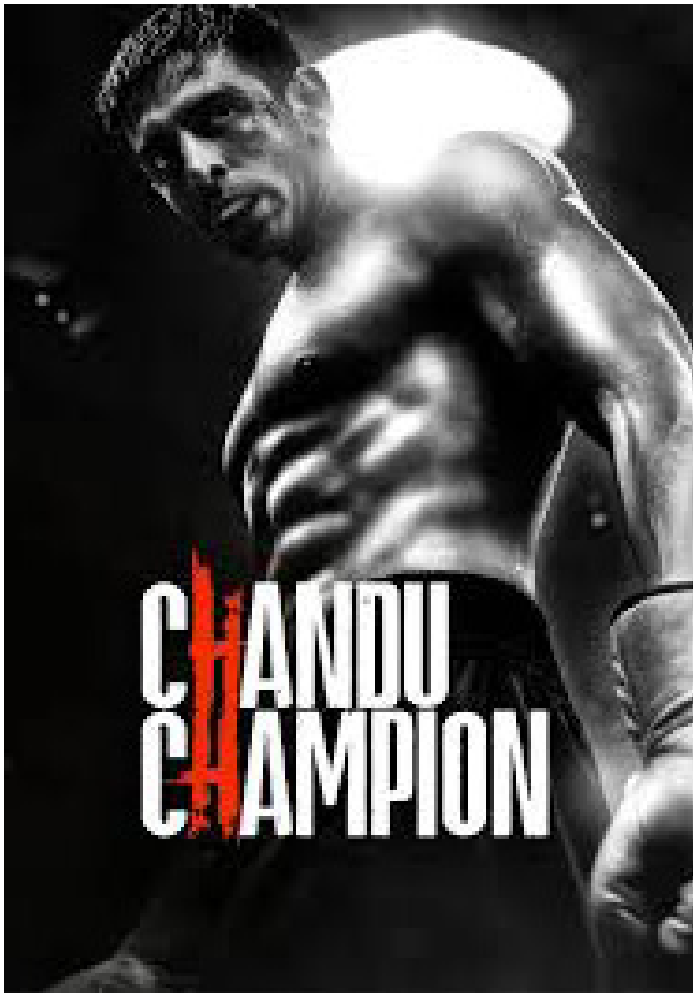
# چاندوی قهرمان

## Chandu champion



راضیه گمار

r.gomar901@gmail.com



چاندوی قهرمان، فیلمی تاریخی، اکشن و زندگی نامه براساس یک داستان واقعی از سینمای هند، به کارگردانی کبیر خان است. داستان واقعی یک سرباز زخمی می باشد که پس از گذشت سالها اکنون تصمیم می گیرد در یک زمین ورزشی شروع به فعالیت کند ولی به دلیل آسیب زیاد به بدنش این کار برایش بسیار دشوارتر می شود. داستان "مورالیکانت پتکار" که با ۹ گلوله در بدن (یکی از آنها همچنان در بدنش باقی مانده)، حضور در سه رشته ورزشی مختلف و عزم راسخ برای رسیدن به رویای مدال طلای المپیک، سرانجام پس از ۴۵ سال، به عنوان اولین ورزشکار پارالمپیک هند که بر سکوی قهرمانی ایستاد، به نمایش گذاشته می شود.

مردی که یکی پس از دیگری با روحی غیرقابل مرگ با دشمنان روبرو می شود. غیرت تزلزل ناپذیر و نگرش هرگز تسلیم نشدن او منجر به اولین مدال طلای انفرادی هند در پارالمپیک می گردد. روایتی الهام بخش از شجاعت و اراده که در طول نمایش آن، غلبه مورلیکانت بر چالش ها یکی پس از دیگری این باور را در ما ایجاد می کند که اگر واقعا برای هدف تلاش کنیم، هیچ چیز غیر ممکن نیست.



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

## به همین نحیفی سهم ما از تاریخ



حسن غلامی

hgolami1367@gmail.com



مشاغل  
دور از نظر

### به همین نحیفی! سهم ما از تاریخ

(تکنیسین بیهوشی)



یولف: زهره رحیمی

در این دفتر ابتدا نگاهی به حکایت‌های تاریخی بیهوشی و تعدادی از ابزارهای قدیمی آن انداخته شد. سپس طی مصاحبه‌هایی با نخستین نیروهای رسمی که به عنوان تکنیسین بیهوشی در مراکز همدان شروع به فعالیت کردند، گفتگوهای صمیمانه صورت گرفته است. در قسمت سوم دلنوشته‌هایی از زهره رحیمی در باب درک و دریافت ایشان از این سپهر ارائه شده است؛ و نهایتاً در بخش چهارم نوشته‌های کوتاهی از تکنسینهای بیهوشی و جراحی آورده شده است.

مجموعه "مشاغل دور از نظر" تلاش دارد که به شیوهای متفاوت به شغلها و صنفهایی بپردازد که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و برخلاف تصور، شاغلین بسیاری را در خود بکار گرفته‌اند.



هفته نامه غیر برخط  
اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

# اخبار حزبى

مدرسك  
خبر اراده

تاسيس ۱۳۶۹





حسن غلامی

hgolami1367@gmail.com

## ادامه جلسات نقد و بررسی عملکرد ستاد تشکل‌ها و نهادهای مدنی در استان‌ها

با پایان یافتن کارزار انتخابات ریاست جمهوری، حزب اراده ملت ایران که متولی ستاد مرکزی تشکل‌ها و نهادهای مدنی بود، شروع به برگزاری جلسات استانی با تمام اعضا ستادهای استانی خود نمود. در این جلسات که با حضور ریاست ستاد، دکتر افشین فرهانچی انجام میشود، ضمن بررسی اتفاقات و رویدادهایی که پشت سر گذاشته شده است، به تحلیل روابط ستادها و حزب با مجموعه دولت پرداخته میشود. در دو هفته اخیر جلسات ستاد مربوط به استان‌های مرکزی (با ریاست ستادی علیرضا ابدال)، خوزستان (با ریاست ستادی علی مجدم)، کرمانشاه (با ریاست ستادی محمد مرادی) و خراسان جنوبی (با ریاست ستادی امیر هوشنگ حدادی) برگزار شدند. در این جلسات ابتدا افشین فرهانچی خلاصه‌ای از آنچه که در این انتخابات گذشت را ارائه میدادند و سپس شرکت کنندگان در جلسه تجربیات، مطالبات و خواسته‌های خویش را مطرح مینمودند. در انتهای جلسه نیز جمع بندی توسط ریاست ستاد استان و دکتر فرهانچی صورت میگرفت.

در این راستا قبلا جلسات مربوط به استانهای همدان (با ریاست ستادی حسن محمدی) و کردستان (با ریاست ستادی خانم بهار فرزاسی) برگزار شده بود.



### نهادهای مدنی

برای تعمیق و گسترش فعالیت

ایجاد ظرفیت و بستر سازی



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۳

۳ شهریور سال ۱۴۰۳

## لغو برنامه کلاب هاوسی گفتگوی انتقادی با کنشگران سیاسی مقیم خارج از ایران



زمان: یکشنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۳ برابر با ۱۸ آگوست ۲۰۲۴  
ساعت: ۱۹:۳۰ به وقت اروپای مرکزی و ۲۱:۰۰ به وقت تهران

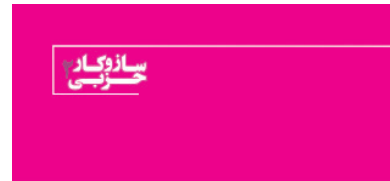
بعد از برگزاری دو جلسه کلاب هاوسی در اتاق تجلی اراده ملت در مورد انتخابات ریاست جمهوری و رابطه حزب با دولت چهاردهم، قرار شده بود که یک برنامه مشترک در قالب گفتگوی انتقادی بین اتاق تجلی اراده ملت و اتاق جنم در موضوع الزامات دولت مدرن و حاکمیت قانون صورت گیرد. برای این برنامه تعدادی از صاحب نظران داخل و خارج کشور که رویکرد مثبتی نسبت به دولت چهاردهم و سرکار آمدن آن داشتند، دعوت شده بودند تا در یک گفتگوی انتقادی الزامات دولت مدرن و شاخص‌های آنرا مورد بررسی قرار دهند و نحوه اعمال حاکمیت قانون را به بحث بنشینند. این برنامه بدنبال تذکر دریافتی در مورد شرکت کنندگان و برگزار کنندگان آن لغو گردید.





## سومین کتاب از مجموعه سازو کار حزبی آماده چاپ شد.

انتشارات حزب اراده ملت ایران در آخرین نمایشگاه کتاب تهران - در اردیبهشت سال - ۱۴۰۳ از جلد اول و چهارم مجموعه سازو کار حزبی رونمایی نمود و اینک سومین کتاب از این مجموعه را آماده چاپ نموده است. این کتاب که عنوان اصلی اش "چگونگی برگزاری انتخابات و تصمیم گیری در احزاب" میباشد، جلد دوم از این مجموعه است و به بحث در مورد نحوه تصمیم گیری و رسیدن به اجماع در داخل یک حزب می پردازد. در این کتاب نحوه برگزاری مجامع داخل حزبی، شیوه برگزاری آنها و از همه مهم تر شیوه تصمیم سازی و تصمیم گیری به طور کامل توضیح داده میشود. زهره رحیمی و دلآرام چراتی مترجمین این کتاب ۱۴۰ صفحه ای هستند.



چگونگی برگزاری  
انتخابات و تصمیم  
گیری در احزاب



## دفتر سیاسی حزب عملکرد حزب در انتخابات و رابطه حزب با دولت پزشکیان را بررسی کرد



دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران در دو جلسه اخیر خویش به بحث در مورد عملکرد حزب در انتخابات و رابطه آتی خویش با دولت مسعود پزشکیان پرداخت. در اولین جلسه که به ریاست شمس افزای زاده برگزار شدند، عملکرد حزب در انتخابات بررسی شد. ابتدا شمس افزای زاده، رحیم حمزه، مسعود خادمی و فاطمه قدم گزارشات خود از ستاد مرکزی را ارائه کردند و در ادامه افشین فرمانچی گزارش مبسوطی از مسائل ستاد مرکزی و ستادهای استانی متناظر را ارائه نمودند. در این گزارشات به مشکلات و مسائلی که در این ستاد وجود داشت اشاره شد. در ادامه محمدرضا روستائی و پیام فیض در مورد عملکرد خویش در ستادهای جوانان توضیحاتی را ارائه دادند و به موشکافی و تحلیل شرایط ستادهای جوانان پرداختند.

احمد حکیمی پور نیز در مورد ستاد استان زنجان دکتر پزشکیان و مسائل و مشکلاتی که در کار ستادی داشتند اشاره کردند.

در دومین جلسه دفتر سیاسی، رابطه آتی حزب با دولت جدید مورد بررسی قرار گرفت و ضمن بررسی چینش کابینه و تاکید بر اینکه کابینه بجز چند مورد معدود، خالی از نیروهای حزبی است، مقرر شد که حزب نیروهای مورد نظر خویش را برای سطح دوم و سوم دولت معرفی نماید تا بر آن اساس وضعیت حزب و نیروهای حزبی در دولت مشخص تر گردد.



# سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را  
به آدرس پایین ایمیل

**[Hgolami1367@gmail.com](mailto:Hgolami1367@gmail.com)**

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

**۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵**

□ مشاوره مالیاتی در کلیه حوزه های مالیاتی

□ قبول پرونده های مالیاتی

□ تحریر لوایح دفاعیه

**فاطمه قدم / مشاور رسمی مالیاتی**

Tel: ۰۹۱۹۲۷۶۶۸۰۸

Email:

Fatemehghadam۵۶@gmail.com

Fatemehghadam@yahoo.com



# خاطرات

سیاست

[www.khsmag.ir](http://www.khsmag.ir)

۲۴ خاطرات سیاسی ۱۴۰۳

مجله سیاست اجتماعی، فرهنگ  
سال هفتم - شماره ۲۴ - بهار ۱۴۰۳  
۳۰۰ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

## از مجلس ملی تا مجلس اسلامی

روایت نخستین مجلس شورا در جمهوری اسلامی

**با گفتارهایی از**  
مرتضی الویری  
رامین برهام  
محمدجواد رحمانیان  
فریدون رحیمزاده  
احمد شعبانی  
لطف صفری  
پونس صمدنژاد  
غلامرضا ظریفیان  
علی اشرف عبدالله پوری حسینی  
علی قهرمانی  
رسول منتجب‌نیا  
سیدحسین موسوی زنجانی  
شهیندخت مولاوردی  
غلامحسین نادی  
و...

همراه با گفتگوی اختصاصی  
**با حجه الاسلام سیدهادی خامنه‌ای**



انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۳۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.

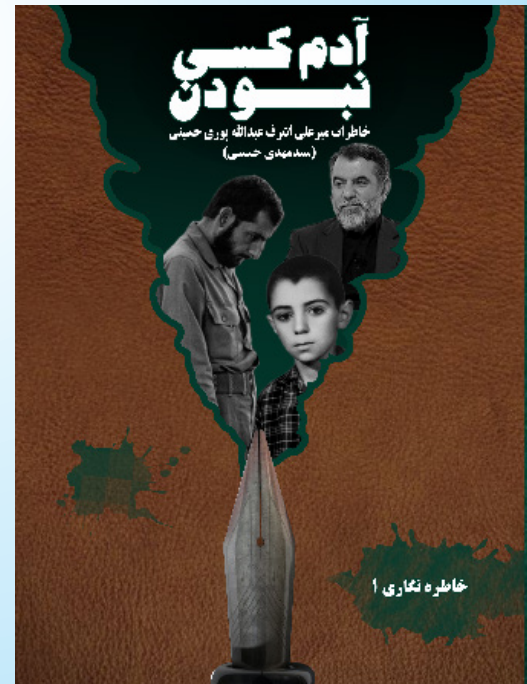
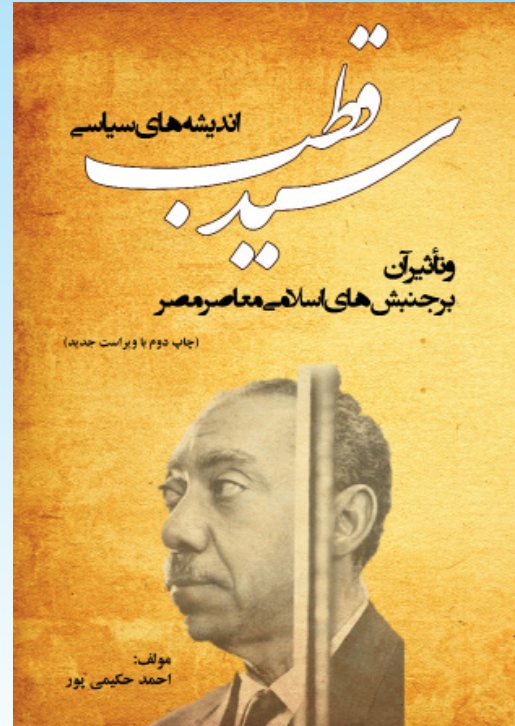
انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.